۳۱۹۴

M.A.LIBRARY, A.M.U.
PE2194

واوّل ظالمیهم المستوجبین للسخط والنکال وبعد چنین گوید
این بندهٔ ضعیف ذلیل وملتجی بعفو وکرم خداوند جلیل جمال
الدین محمّد بن العلّامة حسین بن مرتضی الحسنی الحسینی الطّباطبائی
الواعظ الیزدی الحائری بلغه الله الی ما یتمنّاه وجعل عقباه
خیرا من دنیاه که بر ضمائر هوشمندان اسرار وخردمندان عالی
مقدار وصیرفیان عیون جواهر اخبار پوشیده نماناد که این جریدهٔ ایست
در بیان اوائل اخبار وآثار ذکر می شود مطالب غریبه وسوانح
عجیبه فریده که کمتر بسمع دانشمندان عالم رسیده بخواهش بعضی
از فضلاء ابرار وادباء اخیار بمقتضای المیسور لا یسقط بالمعسور
بقلم تالیف وخامه تحریر درآورده وحصول این نامه از اثر
عصر همایون ودولت روزافزون اعلیحضرت ناهید عشرت
کیوان رفعت خورشید رایت بهرام صولت مشتری سعادت
جمشید حشمت فریدون حکمت سکندر همّت فیروز بخت
سلطان سلاطین زمان دارا دربان کسری نشان گیتی ستان
قوام ملک وملّت دوام دین ودولت السّلطان بن السّلطان
والخاقان بن الخاقان السّلطان ناصر الدین شاه قاجار لا زالت
اعمدهٔ فساطیط جلاله مرفوعة واطناب [illegible] ممدودة
اللّهم متّع المسلمین بخلود ملکه وابود دولته ونصره عساکره
ما بقی اللّیل والنّهار وتلاطم البحار وتجری الانهار ونامیدهٔ
این اثر جمیل وفهرس شریف را به اخبار الاوائل وموسو

CHECKED 197

ارباب الفضائل و تاریخ شروع در این رساله از مصرع اخیر ظاهر

⁂ بین نغز کتابم که بتاریخ      اخبار اوائل شده موسوم ⁂

امید چنانست که در نظر دانشوران موقعی عظیم و مقامی کریم بهم رساند و در نظر ارباب غرض اَلَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ سعدی گوید

منه گوش در قول صاحب غرض      که از کینه در سینه دارد مرض

رجاء واثق آنستکه طالبان حدیث و خبر و صاحبان علم اثر و سیر بنظر حقارت براین نامه خورد ننگرند و خورده نگیرند و اگر سهو و غلطی بیابند شان اکابر آنستکه بجامه عفو از در اصلاح درآیند والعذر عند کرام النّاس مقبول ولعلّ النّاظر فی هذا الکتاب المنسوج علی ذالک المنوال بعد الملاحظة علی الأنصاف والتّامّل الصّادق بلا اعتساف یصدق بما ذکرناه ومن الله المتعال الاعانة فی کلّ احوال والتّوکّل الیه والتّوسل الی اولیائه فی المبدء والمآل وها انا اشرع فی المطلوب بتوفیق العالم بما فی القلوب والغیوب وهو اصل المطلوب فی جمیع الاعمال اوّل چیزیکه خدای تعالی خلعت بروی پوشانید نور مقدّس سیّد انبیاء محمّد مصطفی صلّی الله علیه و آله بود چنانچه در روضة الصّفا و مناهج الطّالبین و حبیب السّیر و ناسخ و دیگر کتب احادیث مسطور است که روزی جابر بن عبدالله انصاری عرض کرد یا رسول الله اوّل چیزیکه خدای تعالی خلق کرد چه بود آنحضرت فرمود نور نبیّک اخبار و احادیث مختلفه دراین باب وارد

شده

شد کما قال اوّل ما خلق الله القلم اوّل ما خلق الله العقل فقال
له اقبل فاقبل ثمّ قال له ادبر فادبر فقال وعزّتی وجلالی ما
خلقت خلقا اکرم علیّ منك بك اعطی وبك امنع وبك اثیب
وبك اعاقب وقال اوّل ما خلق الله اللوح وقال ایضا اوّل ما خلق الله
الروح وفی الخبر فلمّا خلق العقل وهو اوّل الروحانیّین در جواهر
الاسرار تصنیف شیخ نور الدین حمزة بن علی الطوسی آمده بدانکه
اوّل شیئی که از موجود حقیقی صادر شد عقل اوّلست بدلیل
اوّل ما خلق الله العقل وفی روایة جوهرة وفی روایة درّة وفی روایة
اوّل ما خلق الله العشق وفی روایة العلم واینها مختلف نیست
بحسب معنی بلکه همه عبارت از یك چیز است یعنی جوهرة که در روی
ثناء وحمدیست اسم محمّد صلّی الله علیه وآله است وچون این
حقیقت را معانی بود اسم او درّة آمد وچون حیّ ومحیی بود اسم
او روح آمد وچون ظاهر ومظهر بود اسم او نور آمد وچون
مدرك کلیّات بود اسم او عقل آمد ونار الله که در روی محبّت
موقد گشته بود اسم او عشق آمد پس جوهر اسم ذات او باشد
وما بعد اسماء وصفات او بود گفته اند نخستین آیتش عقل
کلّ آمد که در وی همچو بای بسمل آمد ونیز خواجه نصیر الدین
طوسی ره گفته اوّل ز مکوّنات عقل وجانست واندر پی او
نه فلك گردانست زانها چو گذر کنی چهار ارکانست پس
معدن وپس نبات وپس حیوانست ودر جای دیگر وارد شده

که اوّل ما خلق اللّٰه جوهریست که چون مخلوق شد نظر کرد خداوند
باو بنظر هیبت پس از هیبت خدا گداخته شد و گرم گردید و از او
کفی بهم رسید و دخانی برخواست پس آفرید از دخانش سموات را و از
کفش زمینها را و علمای فن اخبار و آثار در باب این احادیث تاویلها
چند کرده اند و نیکوتر از همه تأویلها که شبیه بتأویل اوّل است
آنکه عبد اللّٰه بن علی بن اسعد الیافعی الیمنی در کتاب نوادر المعانی
این وجه مرقوم داشته که مراد حضرت رسالت پناه از این عبارت
بجوهر است بنا بر آنکه آن جوهر بوجود ظاهر است و مظهر غیر و فیضان
کمالات بر ذات مقدس نبوی از مبدأ اله بتوسط وی واقع گشته
از نور گفته اند و خود اضافت فرمود باعتبار آنکه نقاش علوم را
بر لوح محفوظ بر صفحات نقوش معتبر بقلم گشت و از این جهة که
مخترع خویش و ذات خود و سایر اشیاء را تعقّل نموده موسوم
بعقل شد و بواسطه آنکه محل نقوش اعیان ثابته است لوحش
گفتند و از این حیثیت که حیّ بالذّات و محیی غیر است روحش
خواندند و این معنی از اجلّ بدیهیات می نماید که تعدد اسماء
موجب اختلاف مسمّی نیست در روضة الصفا مؤلف گوید
این روایات مختلفة العبارات متناقض نیستند چه تواند بود
که همه اشاره بحقیقت واحده باشد که حقیقت محمّدیه است که
قبل از تکوین عالم شهود و تزیین نقوش موجود قوله تعالی وَمَا
أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا صورتاً اوّل که الف نقش بست

بر در محجوب احمد نشست اکر چنین نکو فهم میان احادیث نبوی
نخواهد شد و تناقض لازم آید و آنجناب اجل شان است از اینکه
تناقض در کلامش باشد که در بعضی روایات عقل و در بعضی
روحی و در بعضی القلم و در خبر نوری است همه اینها مقصود نور
خاتم انبیا است و از اینجا است که در خبر آمده ندای حضرت
احدیت رسید لولاك لما خلقت الافلاك خلعت لولاك شد
از قامت او مفتخر همچنان که افلاك از تشریف هستی کامیاب
چه نیکو گفته شاعر نور اول هم گروهی خوانده اند لیك از تفسیر
او وا مانده اند روح اول هم فریقی گفته اند گوهر معنی در آن
ناسفته اند قوم دیگر از ازل لفظ قلم بهر نام پاك او کرده علم
قال ابو جعفر علیه السلام یا جابر ان اول ما خلق الله خلق محمدا و عترته
الهداة المهتدین فکانوا اشباح نور بین یدی الله تم یعنی حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود ای جابر اول آنچه خدا خلق فرمود
خلقت محمد صلی الله علیه و آله و اولاد هادیه مهدیه او بود پس
آنها با بدان اشباح نوری پیش خدا موجود بودند فی الکافی
و شیخ عزیز نسفی کوید و قسمی دیکر اند اکر چه بعالم التفات
ندارند و در شهود قیومیت شیفته و متحیر اند اما ایشان حجاب
بارکاه الوهیت اند و وسائط فیض ربوبیت اند و این طائفه را
باصطلاحی دیکر اهل جبروت کویند و سید و رئیس ایشان
روح اعظم است و در ملاء اعلی از وی عظیم تر روحی نیست

اورا باعتباری قلم اعلی خوانند که اوّل ما خلق الله تم القلم فی مقصد الأقصی مؤلّف گوید بباید دانست که در اوّل ایجاد و ابداع یک وجود بفضاء شهود آمد و تمام کثرات عقلیّه و حسیّه مجملا و مرتّبا از مشیّت اولیّه خلعت هستی پوشیدند پس همان ترتیبی که در عالم اوّل اظهار فرمود خلاصه از بنی آدم و اهل عالم را در این عالم حسّ و شهادت نیز آشکارا ساخت یعنی نور حضرت مولای متّقیان علی علیه السّلام از نور خاتم رسل عقل کلّ محمّد صلّی الله علیه و آله نام او در نامه ایجاد حرف اوّلین ذات او در دفتر توحید فرد انتخاب و نور حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از این هر دو نور و نور دو سیّد شباب اهل بهشت امام حسن و امام حسین علیهما السّلام از نور صدّیقهٔ کبری ظاهر گشت و در این عالم مانند آن عالم با همان ترتیب و تدریج بعرصهٔ عالم تکوین قدم نهادند آنچه اوّل شد پدید از جیب غیب بود نور جان او بی هیچ ریب بعد از آن آن نور مطلق زد علم گشت عرش و کرسی و لوح و قلم یک علم از نور پاکش عالم است یک علم ذرّیّت آدم است نور او چون اصل موجودات بود ذات او چون معطی هر ذات بود واجب آمد دعوت هر دو جهانش دعوت ذرّات پیدا و نهانش میان او و میان ایزد پاک هیچ واسطه نیست مگر تعیین او چنانکه فرموده است اوّل ما خلق الله روحی و نوری یعنی اوّل چیزی که خدا خلق کرده است اورا روح یا نور من است

ومقصود از همه افعال قادر منّان اوست چنانچه در حدیث
قدسی فرموده لولاك لما خلقت الأفلاك اوّل بقعهٔ که ایزد
متعال در زمین خلق فرمود کعبه بود چنانچه در کلام مجید خود
میفرماید إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا
وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ در تفسیر صافی از امام محمّد باقر ؑ روایت شده
که فرمود لَمَّا أَرَادَ اللّٰهُ تعم أَنْ يَخْلُقَ الأَرْضَ امر الرّیاح فضربن متن
الماء صار موجا ثمّ ازبد فصار زبدا واحدا فجمعه فی موضع
البیت ثمّ جعله جبلا من زبد ثمّ دحی الأرض من تحته وهو
قول الله تعم إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا الخ
شعبی گوید خانهٔ کعبه شرّفها الله را اوّل آدم بنا کرد دوّم شیث
پس ابراهیم پس اسمعیل پس قریش پس عبدالله بن زبیر که شادروان
و حِجر داخل کرد پس حجّاج بن یوسف بوضع اوّل ساخت و گویند
اینکه امروز هست بنای حجّاج است مؤلّف گوید در کتب تواریخ
بنظر رسیده که در روز نوزدهم شعبان سال هزار و سی و نه سیل عظیم
آمد و تمام دروازه‌ها و خانه‌های مکّه را خراب کرد و داخل
بیت الله شد و بقدر یک قامت و نیم آب بلند شده و دیوار را گرفته
بود و حجر الأسود از خانه جدا شد سلطان مراد رابع عثمانی
فرستاد تعمیر کردند و سیّد زین العابدین کاشی حجر الأسود را
نصب نمود و فراغ از بناء سنهٔ ۱۰۴۰ از هجرت بود و رفع الله قواعد
البیت تاریخ اوست و بنای حجّاج از جانب شامیه ساقط گشت

والآن که این بنا ظاهر است از سلطان مراد است اوّل کسیکه
از صوامع جبروت بحج بیت الله امد روح القدس جبرئیل
امین بود فی سماء والعالم اوّل صیدیکه در شبکهٔ وجود افتاد
بحکم فرموده خلق الله الارواح قبل الاجساد باربعة الاف سنة
حقیقت روح بود فی نفائس الفنون لمولانا محمود الدین اوّل
پیغمبران ادم صفی است اوّل وحی انبیاء شیث بود اوّل کس است
که از اولاد ادم عذارش بمحاسن مشکین مشک آگین گشت واوّل
کس است که بعد از ادم صفی الله بتعلیم معضلات حکمت وتنبیه
ضروریات شریعت پرداخت وبنا بر این حکماء او را اوریای
اوّل گویند چه اوریا بلغت سریانی معلّم است فی حبیب السیر
وغیره اوّل کسیکه درخت خرما نشانید انوش بن شیث بود
واوّل کس است که صدقه بر مساکین افشاند در تاریخ بناکتی
وحمد الله مستوفی اوّل کسیکه بسوزن جامه دوخت شیثؑ
بود واوّل کس است که بقلم نگاشتن فرمود وآموخت اوّل
کسیکه از پوست روباه جامه دوخت خزر بن یافث بن نوح
بود از اینجا است که لباس خز خوانند واوّل کسیست که از مگس
نحل استخراج عسل اموخت درناسخ اوّل کسیکه از پوست
سمور وسنجاب پوستین کرد برطاس بن کاری بن یافث بن
نوحؑ بود اوّل کسیکه اسم شاهی بروی اطلاق گشت کیو
مرث است ابی القاسم فردوسی گوید: نخستین خدیویکه کشور گشود

سرتاجداران کیومرث بود در نظام التواریخ است وغیره و
اوّل کسیست که در مملکت ایران بر چهار بالش سلطنت نشست
وتشید قوانین حکومت فرمود وباتفاق مورّخین جهان اوّل
کسیستکه بعد از طوفان نوح در عالم قانون جهانگیری نهاد
عکس قول شیخ ابو حامد محمّد بن محمّد غزالی است که در
کتاب نصیحة الملوک گفته کیومرث برادر شیث بود شیث قانون
شریعت داشت وکیومرث قانون حکومت وسلطنت
اوّل من بنی وسکن الدّور وکانوا قبل ذالک یسکنون الکهوف
والمغابر فی اخبار الدول وآثار الاوّل واوّل کسیستکه جغد را
مشئوم شمرده روزیکه عزیمت دیدار فرزند داشت در راه
جغد را دید که چند کرّت آوازی موحش کرد وان را بفال بد
گرفت چون بمکن سیامک شتافت وی را کشته یافت لاجرم
جغد را مشئوم دانست در ناسخ اوّل من تکلّم بالعبرانیة شیث
وهو اوّل من لبس القلنسوة والنّعلین واوّل من علم الکتابة
وعلم الحساب والشّهور والسّنین فی سبائک الذّهب اوّل
کسیکه مقراض ساخت وقطع اثواب کرد متوشلخ بن ادریس
نبی بود قرطاس حکیم گفته که اوّل مخلوقات هواء است ومجموع
اجرام علویّه واجسام سفلیّه از هوا متکوّن شده چنانچه کواکب
وعقول ونفوس را از هوای صافی مخلوق گشته اند وجماد ونبات
وحیوان وانسان از هوای کثیف در وجود آمده اند فی خزائن

ملّا احمد الرازی اوّل قبیلة قتلها الله تع وان عناق دختر آدم ع
اورا بیست انگشت بود که در هر انگشت دو ناخن داشت و هر ناخن
را بمثابه داسی بزرگ داشت و هرگاه مینشستی یک جریب زمین
را طولا و عرضا فرو میگرفت فسلّط الله علیها اسدا و ذئبا و
نسرا فقتلوها در ناسخ اوّل کسیکه کیل و ترازو ساخت
شعیب نبی بود و حقّ مردمانرا تمام میدادند قوم بکیل او
کیل میکردند در خبر است که بدست خود ساخت و چون
شروع کردند در کم دادن کیل و ترازو و دزدی در او پس
ایشانرا زلزله گرفت و بآن معذّب گردیدند تا اینکه هلاک
شدند اوّل کسیکه در ترکستان رایت جهان ستانی ب
افراشت ترک بن یافث بن نوح بود در ناسخ و اوّل کسیکه
خانها از چوب و گیاه ساخت اوّل کسیکه اختراع خیمه
خرگاه کرد لهراسب کیانی بود که نسب او بکیقباد میر
کسیکه جامه از چرم حیوانات ترتیب داد در ناسخ [illegible]
سر بریده که سخن گفت سر یحیی بن زکریا بود در مجلس [illegible] پس
پادشاه فرمود با ربیبه خود زنا مکن او متنبه [illegible] رکرد
تا سر حضرت یحیی را بجلاد سپردند اوّل قتلی که [illegible] شد قتل
هابیل است بدست قابیل در تاریخ ابن اثیر [illegible] عمل
الوحی کتّاب الملک اوّل من اسلم من الا [illegible] رافع بن
مالک در سبائک الذهب اوّل ملوک اش [illegible] شاک است

فی اخبار الدول اول کسیکه رسم نمک در طعام پدید آورد
فودک خان پسر ترک بن یافث بن نوح بود گویند روزی فودک
در شکارگاه لقمه در دهان میگذاشت از دستش رها شده در شوره
زاری افتاد و نمک آلوده شد چون فودک آن لقمه را برگرفت و
بخورد آن طعم را ملایم ذائقه یافت از آن پس رسم شد که نمک در
طعام باشد در ناسخ اول پادشاه سریانی نمرود بن کوش
زعة بن نوح بود در ناسخ اول من سن الحداء للابل مضر
ار وکان من احسن الناس صوتا فی سبائک الذهب اول
لك نصب الاعلام وبنی الامیال والعلامات علی الطرق و
اهل ابرهة بن حارث بن قیس فی سبائک الذهب اول
، سنت صوم در میان آشکار ساخت طهورس بن دیوبند
ن [illegible] شنك بود چه در کتاب روضة الصفا واخبار الدول
و [illegible] ل وناسخ التواریخ است که در زمانش قحطی بسیار
عظیم [illegible] گشت و علامتی غریب روی داد میفرمود تا اغنیا
همه روزه [illegible] ند و طعام چاشتگاه خود را بفقرا بخشش کردند تا آن
بلا بر [illegible] در روضة الصفا است در آن اوان قحطی عظیم
روی نمو [illegible] ه کرده موسم آب می شد تا گرده از تنور رزق
میکشید [illegible] بینوایان روز بدیدن قرص خورشید
بشب میم [illegible] ب بمشاهدهٔ کلیچه قمر بروز میرسانند
غذای اوست که [illegible] قرص شب بروز دیدن خورشید و شب مهتاب

واوّل کسیستکه مرغان شکاری را صید آموخت در روضة الصّفا واوّل کسیست که خطّ پارسی بر کتاب نوشت واوّل کسیست که ابریشم از کرم قز اندوخت واوّل کسیست که حمل اثقال بر دواب نمود اوّل کسیکه تاج بر سر نهاد جمشید جم بود واوّل کسیستکه عید کرد و نام آن نوروز نهاد واوّل کسیستکه لعل و گوهر از معدن بر آورد واوّل کسیست که جامهای حریر با رنگهای مختلف ملوّن کرد واوّل کسیست که آلات حرب چون شمشیر و خنجر و خود و مغفر بکمال رسانید واوّل کسیست که حمّام بنا نهاد واوّل کسیست که در علم طبّ استنباط بدیع کرد واوّل کسیست که رسوم جادها در مسالك و معابر مقرّر داشت واوّل کسیست که در زمان وی شراب ارغوانی پدیدار گشت اوّل کسیکه رجعت خواهد نمود امام حسین علیه السّلام بود در حقّ الیقین اوّل کسیکه تاج ساخت و بر سر نهاد شابور بن هرمز بود در حیوة القلوب اوّل کسیکه نوره اختراع کرد سلیمان بن داود علی نبیّنا و آله و علیه السّلام علیّ بن ابراهیم روایت کرده که از پیش از آمدن بلقیس سلیمان امر کرده بود جنّیان را خانهٔ از شیشه برای او ساخته بودند و بر روی آب گذاشته بودند پس بلقیس آمد گفتند با او که داخل شود در عرصه آن پس او گمان کرد که آب است جامه خود را از ساقهای خود بالا کرد پس ظاهر شد که موی بسیار در ساق او بود پس سلیمان گفت

این عرصه

این عرصه ایست نرم از شیشه ساخته اند و آب نیست بلقیس
کفت که من ستم کرده بودم بر نفس خویش که غیر از خدا را میپرستید
و اسلام آوردن و منقاد شدن با سلیمان برای خداوندیکه
پروردکار عالمیان است و علیّ بن ابراهیم نیز روایت کرده است
که پس سلیمان او را بعقد خویش در آورد و شیاطین را حکم
فرمود که چیزی بسازید که موها از پای وی زایل سازند پس
حمامها بعمل آوردند و نوره را برای او ساختند پس حمّام و نوره
از چیزهائیست که شیاطین برای بلقیس ساختند و همچنین
آسیائی که آب میکرداند در زمان آن حضرت بهم رسید
پس معلوم شد که اوّل آسیائی که ساخته شد جنّیان
ساخته بودند و در حدیث آمده که چون بخواهید نوره
بکشید در وقت آن انکشت خود را محاذی بینی برده بکوئید
اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنّوره و سلیمان اوّل
کسیست که داخل حمّام شد و اوّل کسیست که بلغت آدمیان و
جنّیان و وحوش و طیور و سباع و بهائم سخن کفت و متکلّم
کشت و اوّل کسیست که بر بساط نشست و عالم را سیر کرد و طواف
کرد اوّل کسیکه بپارسی سخن کفت هوشنک شاه بود اوّل
کسیکه با امام زمان در وقت ظهور بیعت کند جبرئیل امین
بوده باشد اوّل کسیکه بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ کفت و یاد نمود
سلیمان بود اوّل کسیکه سر نامه را مهر زد وی بود اوّل

کسیست که خانه مبارکه کعبه را جامه بافته پوشانید درجبر آ
جنابش جامهای مصری سفید بو خانه کعبه پوشانید اوّل
کسیکه مثله کرد ضحاک بود و اوّل کسیست که تازیانه زد و اوّل
کسیست که مردمان را بردار کشید اوّل کسیکه در شکم مادر
چهار ماه بیش نزیست و چهار ماهه متولد شد دی یوناک
پادشاه چین بود در ناسخ اوّل کسیکه از بطن مادر ختنه کرده
بیرون آمد لوط نبی ع بود در رابع بحار الانوار است از امیر
المؤمنین ع روایت میکند که فرمودند بیهودی از یهود آنتم
تقولون انّ اوّل عین نبعت علی وجه الأرض العین التی ف
بیت المقدّس وکذبتم هی عین الحیوة التی غسل فیها یوشع بن
نون السّمکة فهی العین التی شرب منها الخضر ولیس یشرب
منها احد الّا حیّ وانتم تقولون انّ اوّل شجرة نبتت علی وجه
الأرض الزّیتون هی الشجرة العجوة التی نزل بها آدم من الجنّة
معه اوّل من عملت له البساط الاصبحیة حارث بن مالك بن
زید فی سبائك الذّهب اوّل من ملك فی بنی عباد القاضی
محمّد بن اسماعیل بن قریش بن عباد فی سبائك الذّهب
اوّل کسیکه در علم طبّ سخن گفت اسقلیوس حکیم بود و اولاد
خود را وصیت کرد که این صنعت را بغرباء و اجانب تعلیم ننمایند
تا عزّت و شرف این علم مخصوص خانه دان او باشد و رای او
در علم طبّ تجربه بود و بقیاس و استدلال عمل میکرد و مدّت

هزار و

هزار و چهارصد و شانزده سال قول حکماء در مسائل طبی بر
این منوال بود در روضة الانوار اول سریکه در اسلام بر نیزه
رفت سر عمرو بن الحمق الخزاعی بود که امیر المؤمنین ع او را خبر داده
بود در ناسخ اول کسیکه وارد بهشت میشود علی بن ابی طالب
علیه السلام است زیرا که لوای پیغمبر در دست اوست و صاحب
لواء مقدم است در حق الیقین اول کسیکه در غدیر خم بیعت
با امیر المؤمنین علیه السلام کرد عمر بود گفت بخ بخ لک یا امیر المؤمنین
اصبحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنة اول کسیکه بعد
از طوفان نوح در ممالکت هندوستان لوای سلطنت بر
افراشت کشن بن پورب بن هند بن حام بن نوح بود در ناسخ
اول کسیکه آهنگری و درودگری بقوم تلقین کرد براهمن از
نسل بنگ بن هند بن حام بن نوح ع بود در ناسخ اول کسیکه
فیل را بدست آورد و رام کرد و سوار شد کشن بن هند بود
اول شهریکه در هندوستان بنا کرد شهر اوده بود در ناسخ اول
بنای نیکو در ارض بنا شد بهشت شداد بن عاد بود بمصداق
آیه کریمه اِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِیْ لَمْ یُخْلَقْ مِثْلُهَا فِی الْبِلَادِ اول
کسیکه اختراع ساز و چنگ و سلاح نبرد نمود قالع بن عابر ع
بود و قالع قاسم را گویند اول کسیکه بمرض فجاء بمرد داود ع
نبی بود که بروز شنبه رحلت کرد فی رابع بحار الانوار اول زبانی
که آدم و اولادش بدان تکلم میفرمودند سریانی بود در ناسخ

اوّل کسیکه امر کرد بوضع زربفت بهمن بن اسفندیار بود اوّل
ایه که بر رسول خدا نازل گشت ایهٔ اقرأ باسم ربّک الّذی خلق
بود در حیوة القلوب اوّل کسیکه بپرش بد و تحیّت فرستاد
قالع بود که برای هود علیه السّلام فرستاد بسخن انعم صباحا و
ابیت اللعن در ناسخ اوّل کسیکه سپاه نشانید در هر مرزی دارا
کیانی بود اوّل پادشاهیکه دامن عصمت را از شهوت بمعصیت
ملوّث کرد خسرو بن پلاش بود که با خواهر خود زنا کرد اوّل من
امر بتصنیف کتب الجدل فی الرّد علی الزّنادقه والملحدین محمّد
مهدی عبّاسی بود که سوّم خلفاء است فی سبائک الذّهب اوّل
کسیکه کمربند اختراع کرد و بر کمر بست اردشیر بن ساسان بود و
اوّل کسیست که جاسوسان در عالم گذاشت اوّل کسیکه سبزی
در سفره گذاشت کیخسرو بن سیاوش بود اوّل کسیکه آهن از
سنگ بیرون آورد و در کوره گداخت و از آن سلاح جنگ ساخت
هوشنگ بن سیامک بن کیومرث بود در ناسخ و اوّل کسیست که
سگان تازی را صید کردن آموخت و اوّل کسیست که کلاب را
برای حفظ رمه معیّن ساخت و اوّل کسیستکه خدمه را در نزد
خود بقیام امر کرد و اوّل کسیستکه زر و سیم و معادن برآورد
و جواهر شاداب استخراج کرد و اوّل کسیستکه قطع شجره آموخت
و اوّل کسیستکه پرداختن تخته و در ساختن آموخت و اوّل
کسیستکه تصنیف کتابی کرد و نام او جاویدان خرد نهاد که اوّل

مرتبه کنجور بن اسفندیار که یکی از وزراء سلاطین عجم است
[illegible]ارسی قدیم بزبان متداول ترجمه کرد وحسن بن سهل برادر
ذو ریاستین که وزارت مامون عبّاسی داشت بزبان عربی نقل
نمود واستاد عالم ابو علی مسکویه بالحاق حکمتهای فرس وهند
وروم وعرب انرا انجام داد ونام ان آداب العرب والفرس نهاد
وفقیر انرا دیده ام ومطالعهٔ ان دلیل ظاهر است بر حصانت
نفس وکمال وفهم وفضل ودانائی او واین کتاب را هوشنگ
برای پند واندرز فرزند خود ودیگر ملوک از پی او سلطنت
کنند نگاشت مؤلف گوید همانا عبارت بعضی کلمات ان
کتاب اینست که میفرماید از خداست آغاز وبدوست انجام
وبدوست توفیق واوست ستوده کسیکه شناخت آغاز
را شاکر شد وکسیکه شناخت انجام را مخلص شد وکسی
که فضل وکرم او را دانست موافقت وانقیاد پیشه کرد
وازراه مخالف برکنار آمد اگر بخواهم تمام نصایح بنگارم از
مقصود خارج خواهیم شد اوّل کسیکه داروها برای رنج
اسب بساخت بهرام بن بهرام ساسانی بود اوّل کسیکه
پوشش از پوست سمور وسنجاب ودیگر جلود کرد ودیگرانرا
نیز پوشانید هوشنگ شاه بود اوّل شهرے که در زمین
بنا شد شهر چین بود که ترک بن یافث بن نوح ع بود که بنائے
او مشهور شد در حدیث آمده از حضرت صادق فرمود

اوّلنا محمّد واٰخرنا محمّد واوسطنا محمّد وکلّنا محمّد فی شرح
الزّیارة وغیره اوّل کسیکه کاسهٔ چوبی ساخت از برای آشامیدن
آب وغیره قینان بن انوش بن شیث علیه السّلام بود اوّل کوهی
که وضع گشت بر روی زمین کوه ابو قبیس بود در کشکول شیخ
یوسف اوّل مسجدی که بنا شد مسجد الحرام بود فی کشکول اوّل
کسیکه در زمان جاهلیّة مال خود را در راه خدا داد عبد المطّلب
در روضة الصّفا اوّل من تکلّم بالعربیّة عابر اعنی هود النّبی علیه السّلام
اوّل کسیکه بزبان عربی سخن گفت یعرب بن قحطان بن هود؏ بود
و خود گوید انا ابن قحطان الهمام الاقبل یا قوم سیروا الی الرّعیل
الاوّل انا البدو فی اللسان السهل المنطق الابین غیر مشکل
سنبک در ناسخ اوّل کسیکه طبل و زنک و درای وضع کردی کوکاو
شی بود در ناسخ اوّل کسیکه در یمن درجه سلطنت یافت و
از جمله ملوک بزرگ شمرده شد حارث رائش بود و او پسر قیس
بن صیفی بن سالار بن سبا الاصغر بن حمیر بن سبا الاکبر در
ناسخ اوّل کسیکه در مهد سخن گفت زاب بن طهماسب بن
منوچهر بود در تاریخ مناهج الطّالبین اوّل کسیکه علم نیرنجات
و سیمیا در عمل آورد کیقباد شاه بود در مناهج و اوّل کسیست
که در راهها فرسنگ و میل تعیین کرده اوّل کسیکه در جهان
گریه و ناله کرد حضرت آدم علی نبیّنا و آله و علیه السّلام بود
اوّل کسیکه در عالم مرثیه گفت کیکاوس بود که بر پسر خود سیاوش

یل اوّل
نصف اوّل
مرسله

در مناهج اوّل کسی که از ملوک خلایق را وعظ گفت کیخسرو بن
سیاوش بود در مناهج اوّل العلم معرفة الجبّار وآخر العلم تفویض
الامر الیه فی امثله عرب اوّل کسیکه جمع کرد مردم را در نماز جنازه
بر چهار تکبیر عمر بن الخطّاب بود و حال آنکه رسول خدا فرموده
بود بر جنازه پنج تکبیر بگویید چنانچه ابن بطه گفت پیغمبر
صلّی الله علیه وآله بر نعش حمزه سیّد الشّهداء پنج تکبیر گفت در تحف
اوّل کسی که از اهل بیت اطهار شهید شد عبد الله بن مسلم بن
عقیل بود فی مخزن البکاء للبرغانی و روضة الصّفا اوّل کسیکه
در روز عاشورا تیر بجانب امام حسین علیه السّلام افکند
عمر بن سعد بود گفت گواه باشید که اوّل کسیکه بطرف لشکر
امام حسین علیه السّلام تیر انداخت من بودم شخصی از شیعه
آن جناب جواب داد که اوّل کسیکه از این مردم بدوزخ خواهد
رفت تو خواهی بود در روضة الصّفا اوّل کسیرا که در روز قیامت
بطلبند و در پیشگاه حضور خود خواند حضرت نوح علی نبیّنا
وعلیه السّلام خواهد بود پس از او بپرسند که آیا تبلیغ رسالت
کردی گوید بلی گویند که گواهی میدهد از برای تو گوید محمّد بن
عبد الله ص پس نوح بیرون آید و پا بر سر مردم گذارد تا بیاید
بنزد محمّد صلّی الله علیه وآله واو بر روی تلّی از مشک و علی
نیز با او باشد واین است معنی قول حق تع فَلَمَّا رَاَوْهُ زُلْفَةً سِیْئَتْ
وُجُوهُ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا یعنی چون ببینند علی را صاحب قرب و

منزلت نزد حق تعالی و بر بالای تل مشک در خدمت رسول
خدا ببینند متغیر گردد و سیاه گردد روی کافران پس نوح گوید
یا محمد حق تعالی از من گواهی طلبیده بر تبلیغ رسالت حضرت نبوی ص
گوید ای جعفر و ای حمزه بروید و گواهی دهید از برای نوح که او
تبلیغ رسالت کرد حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که پس
جعفر طیار و حمزه شاهد انبیاء خواهند بود بر تبلیغ رسالت
ایشان راوی یوسف بن ابو یوسف است گفت فدای تو شوم
علی در آنوقت کجا است حضرت فرمود شان و منزلت و جاه علی
از آن بالاتر و بزرگتر است که او را برای گواهی انبیاء بفرستند
در غایة المرام و حق الیقین و غیره اوّل خلافیکه در اسلام شد
منع از کاغذ و قلم بود برای پیغمبر و این اوّل فتنه و فساد و خلافی
بود که در اسلام هم رسید در حق الیقین اوّل کسیکه ردّ شمس
از برای او شد یوشع بن نون نبی ع بود چنانچه در احادیث خبر
رسیده یا رادّ الشمس لیوشع بن نون نور الشمس بعد غروبها
و در روایت دیگر اوّل کسیکه ردّ شمس برای او شد سلیمان بن
داود ع بود خداوند میفرماید اذ عرض علیه بالعشیّ الصافنات
الجیاد و یاد کردن وقتی را که عرض کردند بر او در وقت
پسین اسبان نجیب بر سر دست و پا می ایستادند و از یکپا سر
سم را بر زمین میگذاشتند نیک رفتار و تند رو بودند و گفته
اند که هزار اسب نفیس بودند که از داود ع بآن حضرت رسیده

بود و بعضی کفته اند که اسبان بال دار بودند که از دریا برای ان جناب بیرون امده بودند فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ یعنی پس کفت بدرستی که من دوست میداشتم اسبان را تا پنهان کشت افتاب در پرده یعنی پست شده یا غروب کرده رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ یعنی برکردانید اسبانرا بر من پس شروع کرد بزدن ساقها و کردن اسبها یا انکه برکردانید افتابرا برای من پس مسح کرد ساق و کردن خودرا برای وضو و نماز کرده وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ یعنی و بتحقیق امتحان کردیم سلیمانرا و انداختیم بر کرسی او بدنی را پس انابه کرد و توبه نمود بسوی ما و علی بن ابراهیم کفته است در تفسیر این ایات که سلیمان اسبانرا بسیار دوست می داشت و مکرر میطلبید و براو عرض میکردند پس روزی مشغول اسب دیدن شد تا افتاب فرو رفت و نماز عصر ازاو فوت شد غم عظیمی باین سبب او را عارض شد پس دعا کرد که حق تع افتاب را برای او برکرداند که صلوة عصر بکند پس برکشت افتاب تا نماز عصر را ادا کرد پس اسبان را طلبید و بشمشیر کردن انها را زد و پی کرد تا همه را کشت چنانچه حق تع فرموده است شروع کرد بمسح و ساق کردن اول کسیکه سعی میان صفا و مروه کرد ادم علی نبینا و اله و علیه السلام بود در طلب حوا هفت مرتبه

از صفا بمروه آمد و برگشت باین سبب مقرّر شد که هفت
شوط در میان صفا و مروه بنحویکه آدم کرد طواف کنند در
حیوة القلوب امیدوار هستم که خداوند متعال نصیب نماید
که مشرّف شوم اوّل نانی که آدم بخورد کماج بود در مناهج الطّالبین
اوّل ملوک البحیره من بنی فهم خذیمه الدرش ابن مالک فی
سبائک الذّهب اوّل من مشت الرّجال بین یدیه بالسّیوف
المرهفه موسی الهادی که از خلفاء بنی عبّاس است در سبائک
الذّهب اوّل اسبی نامدار که در ایّام عرب پدید آمد اسبی بود
از اسبان سلیمان ع و سبب آن بود که قومی از جانب عمّان برای
ساختن مهمّات پیش سلیمان رفتند چون حاجت ایشان
بانجاح مقرون شد وقت مراجعت گفتند ای پیغمبر خدا از
اینجا تا دیار ما مسافت بسیار زادی فرمای تا ما را بمنزل
رساند سلیمان ع اسبی بدیشان داد و گفت هر زمان بهر
منزل که فرود آئید چندانکه خواهید باو صید کنید که
هیچ صید از او نجهد ایشان بهر منزل که فرود میآمدند
چندان صید میگرفتند که ایشان را کفاف دهد آن اسب
را زاد نام نهادند چون نام او در عرب منتشر شد آن اسب
را بر مادیان خود انداختند و از او نتاج گرفتند و اسبان
عرب از آن وقت پدید آمدند فی نفائس الفنون محمود
الدین اوّل کسی که سوار کوی باخت طهمورث بود در مناهج

واوّل کسیکه باز بشکار انداخت واوّل کسیکه پارسی نوشت
واوّل کسیست که مردمان را براسب سوار کرد واوّل کسیست که
استر پدید کرد اوّل کسیکه از ملوک دعوی خدائی کرد جمشید
بود در مناهج واوّل کسیکه دیوان وعلم حساب ظاهر گردانید
واوّل کسیست که از آهن سلاح فرمود وپیش از آن سلاح از چوب
وسنگ داشتندی واوّل کسیسته که شمشیر فرمود ساختند و
اوّل کسیست که جوشن وخود بنیاد نهاد واوّل کسیست که زین
براسبان نهاد واوّل کسیکه کرباس فرمود بافتند وپیش
از آن جامها از پشم وپوست جانوران می پوشیدند اوّل
کسیکه بفرمود پنبه کاشتند ورشتند وبافتند واوّل
کسیکه رنگها در جهان پدید آورد پیش از وی هیچ رنگی در
عالم نبود در مناهج الطالبین واوّل کسیست که منشار بر سرش
نهادند اوّل کسیکه از اصحاب حضرت سیّد الشهدا ع
بمبارزت شهید شد حرّ بن یزید الرّیاحی بود در بحار الانوار
از عبدالله بن عبّاس روایت است که اوّل ما نزل به جبرئیل
علی محمّد ص قال استعذ یا محمّد بالله السّمیع العلیم من الشّیطان
الرّجیم ثمّ قال بسم الله الرّحمن الرّحیم اِقْرَءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الّذی خلق
خَلَقَ الْاِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ فی نفائس الفنون محمود الدّیلمی اوّل
کسیکه شهرها در اسلام بنا کرد حجّاج بن یوسف ثقفی بود در
زهر الرّبیع اوّل کسیکه کاغذ ساخت یوسف علی نبیّنا و آله و

علیه السلام بود اوّل کسیکه سر راه بر حسین ع گرفت حر بن یزید
الریاحی بود در روضة الصفا بخدمت امام حسین مبادرت
نمود گفت ای قرة العین البتول اوّل کسیکه بر تو خروج کرد
من بودم اکنون رخصت فرمائی تا اوّل کسی باشم که پیش تو جان
فدا کرده باشم اوّل کسیکه بضبط عالم و عالمیان پرداخت کیقباد
بود در روضة الصفا اوّل کسیکه آرد ساخت ذو القرنین بود
اوّل کسیکه عود سوزانید و انواع بخور ساخت خمانی دخت
بهمن بود و اوّل کسیست که غلامان را خصی کرد و خواجه سرا پدید
آورد فی مناهج الطالبین اوّل خلیفة استخلف سلطان الواثق
بالله هرون قال السیوطی فی کتابه و فی سبائك الذهب اوّل
خلیفة ولی الخلافة فی مصر من بنی العباس احمد المستنصر فی
سبائك الذهب اوّل کسیکه از اهل بیت شهید گشت در
روز عاشورا علی بن الحسین ع بود که امام عصر عجّل الله فرجه
در زیارت ناحیه میفرماید السلام علیك یا اوّل قتیل
من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل اوّل من تسمّی
ابراهیم ابراهیم علی نبیّنا و آله و علیه السلام و هو اوّل من
استنشق بالماء و هو اوّل من شاب و هو ابن مائة و خمسین سنة
قیل لمّا اتی علیه ستّة تکلّم و هو اوّل کلامه فقال ع یا امّاه من
ربّی قالت انا قال ع و من ربّك قالت ابوك قال ع و من ربّ
ابی قالت نمرود قال ع و من ربّ نمرود فلطمته و قالت اسكت

وهو اوّل من هاجر من وطنه فی طاعة الله تع حفظا لایمانه
حین ساله النمرود وهو اوّل من جرّد من ثیابه فی سبیل الله فلذا
کساه الله تع فی ذلک المحلّ قمیصا من الجنّة اوّل کسیکه نامیده شد
موسی موسی علی نبیّنا وآله وعلیه السّلام بود پس ازانکه آسیه
یافت او را و نام او را موسی نهاد و بلغة عبری موشه است زیرا
که یافت او را میان آب و درخت و مو در لغة عبری ماء است
و شه و شا در لغة عبری شجر است اوّل من سمّی محمّدا واحمد رسول
الله صلّی الله علیه وآله واوّل عین نظر الی الله عزّ وجلّ هو النبیّ
وهو اوّل الانبیاء فی الخلق وآخرهم فی البعث فی نزهة النّواظر
اوّل نذیر من النّذر نوح النبیّ ع قال السّیّد مؤمن الشّافعی فی
نور الأبصار فی ذکر النّبی صلی الله علیه وآله واما امراؤه فمنهم
باذان بن ساسان من ولد بهرام امّره علی الیمن وهو اوّل امیر
فی الاسلام علی الیمن وهو اوّل من اسلم من ملوک العجم وفیه لم
یتزوّج علیّ علی فاطمة حتّی ماتت وکانت اوّل ازواجه قال
ابن عبّاس لیس آیة من کتاب الله تع یا ایّها الّذین آمنوا الّا و
علیّ اوّلها وامیرها وشریفها فی نور الابصار الشّافعی ابان بن
عثمان عند العایشة فی حرب الجمل فقتل وکان اوّل من
انهزم اوّل من اذّن لرسول الله صلّی الله علیه وآله بلال
بن رباح ولم یؤذّن بعده لاحد من الخلفاء الّا عمر لمّا فتح
الشّام اذّن بلال فتذکّروا النّاس النّبیّ فبکوا بکاءً شدیدا فی

نور الأبصار للسيد مؤمن الشبلنجي الشّافعي اوّل من ملك من آل عثمان في ممالك الرّوم الأمير عثمان الغازي بن الامير ارطغرل بن سليمان شاه في اخبار الدول وكان السّلطان اورخان بن السّلطان عثمان خان بنى بازنيق جامعًا ومدرسة وهي اوّل مدرسة بنيت في الدّولة العثمانيّة في اخبار الدّول ابي جعفر المنصور عبد الله بن محمّد العبّاسي اوّل ما فعل ان قتل ابا مسلم الخراساني وهو اوّل خليفة المنجّمين وعمل باحكام النّجوم وهو اوّل خليفة ترجمت له الكتب السّريانية والاعجميّة بالعربيّة ككتاب كليلة ودمنة واقليدس وهو اوّل من رخّم الحجر قال صاحب تاريخ الدّول قرماني وفي سنة ثمان وخمسين ومائة شكى النّاس ضيق المسجد الحرام فاشترى المنازل الّتي حوله حتّى زاد فيه وعمّر مسجد الخيف بمنى ورخّم الحجر وهو اوّل من رخّمه محمّد مهدي امر بعمارة طريق مكّة وقصّر المنابر وصيّرها على مقدار منبر رسول الله ص وهو اوّل من جهّز الثّلج وعيّنه لاهل الحرمين محمّد ابو عبد الله بن المتوكّل وهو اوّل خليفة احدث الرّكوب بحلية الذّهب وكان الخلفاء قبله يركبون بالحلية الخفيفة من الفضّة اوّل من ملك منهم بالمغرب ابو محمّد عبيد الله المهدي اوّل من ضرب على الخمر ثمانين جلدة وهو اوّل من حرّم المتعة وهو اوّل من نهى عن بيع امّهات الأولاد وهو اوّل من جمع النّاس في صلوة الجنازة على اربع تكبيرات وهو

اوّل من نصب القضاة فی الامصار فی اخبار الدول واخرج
البخاری فی تاریخه عن ابن المسیّب قال اوّل من کتب التاریخ عمر
بن الخطّاب بسنتین ونصف من خلافته فکتب لستّة عشر من
الهجرة بمشورة علیؑ واخرج ابن سعد عن شدّاد قال کان اوّل
کلام تکلّم به عمر حین ولی الخلافه وصعد المنبر ان قال اللّهمّ
انّی شدید فلیّنی وانّی ضعیف فقوّنی وانی بخیل فسخّنی اوّل
المهاجرین عثمان فی اخبار الاوّل اوّل من کتب باسمک اللّهم
امیّة بن الصّلت الثقفی فی تاریخ الدول اوّل من سکن الارض
امة یقال لهم الجن والبن نزل علی آدم عشر صحائف فی عشرین ورقة
وهی حروف المعجم وهی اوّل کتاب فی الدّنیا فی تاریخ الدّول اوّل
شیٔ اکله آدم فی الجنة العنب واخر شیٔ اکله قبل الحنطة العنب
فی تاریخ الدّول اوّل من کتب بالخطّ العربی عبد الضخم بن ارم
بن سام بن نوح علی نبیّنا واله وعلیه السّلام بود فی سبائک
الذّهب اوّل ملوک کیانیه کان کیقباد فی اخبار الدّول واثا
الاوّل اوّل من اتّخذ انواع الاطعمه وقسم الغنایم علی جیوشه
هوراسب بن طهماسب فی اخبار الدّول اوّل من نظر فی علوم
النجوم والحساب ادریس علی نبیّنا واله وعلیه السّلام وهو
اوّل من سبی من ولد قابیل بن آدم فاسترقهم فی تاریخ ابن
اثیر وحضرت ادریس اوّل کسیست که خط نوشت در تاریخ ابن
اثیر وانچه در مناهج جار الله الهلالی است بارعی تعالی زکتب

سماوی سی صحیفه بدو فرستاده و را بخط خود نوشت و اوّل
کسیکه رسم جهاد و غزا نهاد در راه خدا و در تقویت شرع شمشیر
زد در مناهج الطالبین و اوّل کسیکه جامه دوزی کرد برای
بنی آدم در حدیث آمده که بهر دوزی تسبیحی میگفت و پیش از
وی کسی جامه بریختن و دوختن را ندانستی پوست چهار پایان
بر قامت راست کردی و در خویشتن بستندی و پیراهن و زیر
جامه را آن جناب ساز کرد مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه
فرمود ای پسر عبّاس اوّل سخنیکه حق تعالی با من گفت این بود
که فرمود ای محمّد نظر کن بزیر خود چون نظر کردم دیدم که حجابها
شکافته شد و درهای آسمان گشوده شد الخ اوّل کسیکه قرآن
را جمع کرد و ترتیب داد و نوشت امیر المؤمنین علی ع بود در حق
الیقین اوّل کسیکه وضع لغت و خطّ عربی کرد اسمعیل ع
بود در نفائس الفنون اوّل کسیکه در ترکیب اغذیه و تدبیر
ادویه مستحدثات بدیع انداخت مرا یاد کم اوّل سلاطین
عجم قبل از هبوط آدم است در ناسخ و غیره و اوّل کسیکه پشم
از گوسفند باز کردن آموخت اوّل کسیکه علم فال بینی که
مانند رمل چیزیست اختراع کرد اوّل از طبقه دوم جنین
قبل از هبوط آدم بود در ناسخ و در باب رمل چند کتاب انشاء
کرده و مرتّب داشت و اوّل کسیکه شیوهٔ زنا شوئی و
زفاف بمیان آورد و اوّل کسیکه برای صید ها دام ساخت

اوّل

اوّل کسیکه نحو تعلیم کرد امیر المؤمنین ع بود که ابا اسود دئلی
داخل شد بر امیر المؤمنین علیه السّلم حضرت رقعه بجانب
او انداخت نوشته بود بسم الله الرّحمن الرّحیم الکلمة ثلثة
اشیآء اسم و فعل و حرف جاء لمعنی فالأسم ما انبأ عن المسمّی و
الفعل ما انبأ عن حرکة مسمّی والحرف ما اوجد معنی فی غیره
ابو الأسود گفت یا امیر المؤمنین این کلام نیکو را چکنم با او بدهی
که من نمیدانم فایده اش را حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود
من شنیدم امر در بلاد شما غلط فاحش را دوست دارم که نوشته
بنویسم هر کس در او نگاه کند تمیز دهد بین کلام عرب و کلام
این جماعت ابو الأسود گفت وفقنا بک یا امیر المؤمنین للصواب
فی زهر الربیع للسیّد الجزائری اوّل چیزیکه قوم هود را بوقوع
عذاب تعریف و تنبیه کرد باد بود که در ابتدا ایشان را که نگاه
کردند و مردان و کودکان و چهار پایان را دیدند که در هوا
بین الأرض والسّمآء پرواز کردند و باد سنگها را از زمین
بهوا پران می کرد بر سر مغزهای ایشان میزد و هلاک می
کرد و مناهج الطّالبین اوّل کسیکه در زمین آتش پرستید
قابیل بود فی کامل ابن اثیر و مناهج وغیره است قابیل چون
هابیل را کشت ابلیس بیامد و گفت دانی که آتش چرا قربانی
برادرت را قبول کرد و از آن تو را نه قابیل گفت نمیدانم گفت
برای آنکه هابیل آتش پرستیدی تو نیز آتش را سجده کن

تا از تو خوشنود شود و مملکت زمین با تو بماند قابیل بقول شیطان رجیم عمل کرد اوّل شخصی که هوشنگ در جلوس سلطنت گفت این بود که ما بخدائیم خوشنود و پرخشمیم از برای نژاد دیو و شیطان و اوّل کسیستکه ملقب به پیشداد شد در مناهج که از غایت معدلتش باین لقب خوانده شد و اوّل کسیستکه فرش و زیلو و قالی بر زمین انداخت و اوّل کسیست که بر تخت جلوس کرد پیش از آن شاهان را این رسم و آئین نبود در مناهج و اوّل کسی است که مرده را بر شتر سوار کرد علّامه مجلسی باسانید معتبره بسیار نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام که از حضرت رسول خدا ص پرسیدند که بچه سبب تو سبقت گرفتی بر پیغمبران و از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه مبعوث شدی فرمود زیرا که من اوّل کسی بودم که اقرار به پروردگار خود کردم و اوّل کسیکه جواب گفت در وقتیکه حق تع میثاق و پیمان گرفت از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان که گفت اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ یعنی آیا نیستم من پروردگار شما گفتند بلی پس اوّل پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت گرفتم بر ایشان در اقرار بخدا در حیوة القلوب اوّل کسیکه روز عاشورا از انصار حسین شهید شد مسلم بن عوسجه بود که در زیارت ناحیه اگر خوانده باشی آقا میفرماید و کنت اوّل من شری نفسه و اوّل شهید شهد الله و قضی نحبه اوّل کسیکه

سنت نهاد دو رکعت نماز را در نزد قتل خبیب بن عدی از
کبار اصحاب سید مختار بود عن ابو هریره اول من سن الرکعتین
عند القتل لانه قتل صبرا خبیب در غزوه رجیع اسیر گشت بمکه
آوردند منافقان فروختند او را دختر حارث بن عامر بصد شتر
خرید که در ازای پدرش حارث که مقتول یوم البدر بود شهید
نماید در ناسخ اول کسیکه گفت انا لله و انا الیه راجعون
امیرالمؤمنین علیه السلام بود در مصیبت برادرش جعفر طیار
پس از اینکه خبر قتل جعفر بسمع امیرالمؤمنین علیه السلام رسید
فرمود انا لله الخ و در نور العینین و در ضیاء التفاسیر از میر محمد
صادق موسوی خوانساری آمده در حدیث است که بشر
الصابرین در حق امیرالمؤمنین علیه السلام است که چون خبر
شهادت برادرش جعفر را از موته آوردند حضرت فرمود انا
لله و انا الیه راجعون و هیچکس پیش از امیرالمؤمنین این
کلمات را نگفته بود حق تعالی فرمود من این را سنت کردم تا بعد
از وی هر مصیبت زده که اقتدا بوی کند من صلوات و
رحمت نامتناهی باو کرامت فرمایم عبد الله بن عباس گفت که
اول چیزی که بعد از قلم مخلوق شد لوح محفوظ بود اول کلمه
که قلم بفرمان حضرت باری تعالی بر لوح نوشت این بود بسم الله
الرحمن الرحیم انی انا الله لا اله الا انا و محمد صلی الله علیه و آله
رسولی من استسلم بقضائی و صبر علی بلائی و شکر علی نعمائی

ورضی بحکمی بعثته یوم القیامة مع الصّدیقین ومن لم یسلم
بقضائی ولم یصبر علی بلائی ولم یشکر علی نعمائی ولم یرض بحکمی
فلیتّخذ الهًا سوائی بعد از آن آنچه در علم الله مقدّر بود در شان
مخلوقات تا روز قیامت قلم بحکم الله بر صفحات لوح ثبت گردانید
اوّل خونی که بر زمین ریخت خون هابیل بوده در آن روز ربیع
مرحوم کشته شدند قاله المجلسی فی حیوة القلوب اوّل من
کتب الشرح المزجی من اصحابنا هو الشهید الثّانی ره فی روضات
الجنّات مؤلّف این وجیزه گوید که اوّل کسیکه شرح مزجی
نوشت از علمای امامیّه خواجه نصیر الدّین طوسی بود واکنون
آن شرح حاضر است گویا بنظر مصنّف روضات نرسیده باشد
اوّل کسیکه در جهان خطبه خواند کیومرث بود چون
مملکت او را مسلّم شد بهر شهری که رسیدی خطبه کردی
وخدای جلّ جلاله را حمد وثنا گفتی در مناهج الطّالبین
مؤلّف گوید خطبۀ غرّا بلسان سریانی املا کرد بزبان
عربی این الفاظ امده الحمد لله الّذی منّ علینا بکرامته واصطفی
بدینه وامانته احمده علی آلائه ونشکره علی نعمآء الّذی علی
انبیائه یقول دعوته وشمول نعمته عباد الله انتبهوا من
نومة الغفول واستیقظوا من رقطة الذّهول وانظروا
العیون الاعتبار الی ما صبّت من البوار علی بغات زمانکم
والمجاهرین بالعصیان جعوا الّذین من البغی والخسار

حتی ابتلاهم الله بحر السیف وحر النار الخ چون مبنای این رساله
بر اختصار است از باقی خطبه چشم پوشند اول منجنیقی که در
دنیا ساخته شد منجنیقی بود که برای ابراهیم در کوفه ساختند و شهری
که او را کوثا میگویند در قریه که او را قطانا مینامند و شیطان
او را ساخت و چون ابراهیم را در منجنیق نهادند و خواستند که
بآتش اندازند جبرئیل آمد و گفت السلام علیک یا ابراهیم
ورحمة الله وبرکاته آیا تو را حاجتی هست گفت اما الیک
فلا بتو حاجتی ندارم پس در آنوقت ایزد منان ندا کرد بآتش
که سرد باش در حیوة القلوب اول کسیکه سفیدی در
محاسنش پدید آمد و حال آنکه پیش از آن بیاض در لحیه
افراد انسان ظاهر نگشته بود چون پدید آمد ابراهیم مضطرب
گشت حقیقت الحال را از بارگاه احدیت سؤال نمود خطاب
رسید که ای ابراهیم این وقار است که بتو ارزانی داشتیم آن
حضرت مسرور گشت گفت اللهم زدنی وقارا و اول پیغمبری
است که در راه خدا هجرت فرمود اول کسی را که روز جزا حله
خواهند پوشانید آن جناب خواهد بود و اول کسیست که
قتال بشمشیر کرد و قسمت غنیمت نمود و اول کسیست که سفره
ضیافت گسترد و اول کسیستکه مسواک کرد و اول کسیستکه
قطع موی لب کرد و اول کسیست که مضمضه و استنشاق
کرد و اول کسیست که فرق موی کندن و موی بغل و ستردن

انه نمود واوّل کسیست که ناخن چید واستنجا باب وپوشیدن
سراویل بیاموخت واوّل کسیست که ختنه کرد در سبائک الذهب
وهو اوّل من صافح هانق فی سبائک اوّل کسیکه از مردان برسول
خدا صلعم ایمان آورد وبنبوّت او اقرار کرد علیّ بن ابیطالب علیه السلم
بود در حیوة القلوب واوّل کسیکه از زنان بحضرت سیّد
انبیاء ایمان آورد وجمیع مال خودرا در رضای او صرف کرد
خدیجهٔ مجلّله بود اوّل جماعتیکه پیش از همه محشریان
که شیعیان امیر المؤمنین هستند وارد بهشت می شوند
حواریون محمّد ص وعلی ع وامام حسن ع وامام حسین ع وعلیّ بن
الحسین وامام محمّد باقر وامام جعفر صادق می باشند در
بحار اوّل روزها نوروز است که در او آفتاب طلوع کرده است
وبادهای آبستن کننده درختان وزیده است وگلهای زمین
وشکوفها آفریده شده است در زاد المعاد اوّل کسیکه بعربی
تکلّم نمود حضرت اسماعیل بود در حبیب السّیر امّا اکثر اهل
تحقیق گفته اند اوّل من تکلّم بالعربیّة یعرب بن قحطان بن
هود کما ثبت مؤلّف گوید بر ارباب دانش مکشوف باد که
تفریق بین الرّوایتین بدین طریق ممکن است که بگوئیم
اوّل کسیکه از اهل یمن بعربی تکلّم نمود یعرب بن قحطان بود
واوّل کسیکه از متوطّنان مکّه بدان لغت سخن گفت اسمعیل
ذبیح الله بود اوّل کسیکه دار کشید وقطع اعضا کرد ضحّاک

ماردوش بود فی اخبار الدول واول کسیستکه مثله کرد و گوش
و بینی را برید واول کسیست که تازیانه زد فی ناسخ التواریخ
واول کسیست که مال مردم را بظلم گرفت فی خزائن اول کسیکه
طنبور بساخت قوم لوط بودند اول کسیکه خندق ساخت
منوچهر بن ایرج بود و هو اول من وضع الدهقنة وجعل لکل
قریة دهقانا فی اخبار الدول اول کسیکه قرار داد نافله ماه
رمضان را بجماعت کنند و بشهرها نوشت که چنین کنند
و خانه رویبر ثقفی را بسوزانید که نبیذ میفروخت عمر بود واول
کسیستکه عسس و شبگردی را اختیار کرد واول کسیستکه
تازیانه برای تادیب مردم مقرر کرد و میگفتند که تازیانه
با عمر هیبتش بیشتر از شمشیر با حجاج بود واول کسی بود که عمال
خود را جریمه نمود و نصف اموال ایشان را گرفت و مسجد حضرت
رسول ص را خراب کرد و زیاد کرد و از جمله آنچه داخل کرد خانهٔ
عباس بود اول کسیکه سبحان الله گفت جبرئیل بود چون
خدای تع وی را بیافرید چشمش بر عظمت عرش افتاد گفت
سبحان الله هر که بگوید ثواب جبرئیل یابد در بحر المعانی
اول کسیکه الحمد لله گفت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام
بود و چون روح بقالب وی درآمد پرتوان بر منظر دماغ
افتاد آدم ع عطسه زد و گفت الحمد لله هر که بگوید از فضل
آدم ع نصیبی یابد واول کسیکه لا اله الا الله گفت نوح ع

نبی بود که چون طوفان از تنور آمد و نظر نوح بر هیبت و شدت آن بلا افتاد لا اله الخ گفت هر که بگوید از ثواب نوح علی نبینا واله وعلیه السلام بهره یابد در بحر المعانی اوّل کسیکه اللّٰهُ اکبر گفت ابراهیم علیه السلام بود که چون حق تعالی کبشی فدای اسماعیل فرستاد که فَدَیْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِیمٍ و ابراهیم علیه السلام کبش را دید گفت اَللّٰهُ اَکْبَرُ هر که بگوید از فیض ابراهیم قسمتی بوی رسد اوّل کسیکه لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ گفت حضرت رسالت بود که هر که بگوید شفاعت رسول الله دریابد در بحر المعانی اوّل کسیکه برای وی قرعه زدند مریم بنت عمران بود اوّل کسیکه بی واسطه ایزد متعال با او سخن گفت حضرت موسی علی نبینا واله وعلیه السلام بود که متکلم خدا شد اوّل کسیکه مصافحه کرد در روی زمین حضرت خلیل الرحمن و ذو القرنین بودند چون مقابل یکدیگر رسیدند و ابراهیم ملاقات کرد او را با او مصافحه کرد در حیوة القلوب اوّل کسیکه جهت اخراج املاک و ضبط املاک جریدها و حساب مرتب داشت انوشیروان بن قباد بود و اوّل کسیست که درخت گل و مرزنجوش از بلاد روم بر ایران آورد و اوّل کسیست که جوارش کمونا فرمود ساختند اوّل چیزیکه قلم نوشت این بود اَنَا التَّوَّابُ اَتُوْبُ عَلٰی مَنْ تَابَ اوّل عضوی از اعضاء آدمی که خدا خلق کرد فرج بود شم

قال

قال هذا امانتی عندك فلا تضعها الا فی حقها اوّل قریه
که در زمین بنا شد قریه ثمانین بود که نوح نجی الله بنا کرد وقتی
که بیرون آمد از کشتی و موسوم ساخت او را بثمانین خبرائین و
سمیت باسم الثمانین والذین کانوا معه فی السفینه مؤلف
گوید از نزهة القلوب احمد الله مستوفی آمده سوق ثمانین
دیهی بوده است در پای کوه جودی که نوح پیغمبر وقت آنکه
از طوفان خلاص شد ساخت و آن اوّل مقامی است که بر روی
زمین بعد از طوفان ساخته اند و اکنون خراب است اوّل
حائطی که بعد از طوفان بروی زمین وضع کردید حائط حرّان
دمشق بود فی تاریخ ابن عساکر اوّل کسیکه تعیین ساعات
دوازده گانه را کرد نوح ع بود در کشتی از برای شناختن اوقات
نماز همچنانکه گفته است ابن عبّاس اوّل کسیکه مسجد بنا کرد
عمّار بن یاسر بود و در او نماز گذارد و اوّل کسیکه خطبه بر منبر
انشا کرد حضرت ابراهیم بود اوّل درختیکه نوح ع بعد از طوفان
غرس کرد شجرهٔ آس بود اوّل آیه که بر خاتم رسل نازل شد
بسم الله الرحمن الرحیم بود اوّل کلمهٔ که حضرت رسول فرموده
وقتیکه داخل مدینه شد اینست ایّها النّاس اطعموا الطّعام
وافشوا السّلام وصلوا الأرحام وصلّوا باللّیل والنّاس نیام
فادخلوا الجنّة بسلام چنانکه این خبر از عبد الله بن سلام
رسیده است در روضات الجنّات اوّل من اتّخذ الخصیان

محاصر خدمته معويه اوّل من جعل القضاة الأربعة من كلّ
مذاهب قاضي القضات الظاهر بيبرس بمصر في سنة نيف
وسبعين وستّ مائة ثمّ جعل ذالك في الشام وحلب اوّل
كسيكه حفظ كرد قرآن مجيد را ابو الأسود الدّئلي بود بامر
عبد الملك بن مروان وقيل الحسن البصري اوّل من وضع
الهمزة والتّشديد والرّوم والاشمام الخليل عليه السّلام
اوّل كسيكه تصنيف كرد غريب القرآن را ابو عبيدة معمّر بن
المثنّى بود كه اخذ كرده از اصليّه نافع بن الأزرق از ابن عبّاس
واوّل كسيست كه تصنيف كرد غريب الحديث را وقيل النّضر
بن شميل اوّل كسيكه تصنيف كرد احكام قرآن را امام شافعي
بود اوّل من دوّن الحديث ابن شهاب الزّهري كما ذكره الحافظ
ابو النّعيم اوّل من صنّف فيه ورتّبه على الأبواب مالك اوّل
كسيكه در علم رجال سخن كرد شعبه بود اوّل كسيكه تكلّم كرد
در مختلف الحديث وتصنيفي ساخت شافعي بود اوّل من
رتّب انواعه ونوّعه الأنواع المشهورة الأن بن الصلاح في
مختصرة المشهوري اوّل كسيكه در مغازي تصنيف كرد
عروة بن الزّبير بود اوّل كسيكه او را شاهنشاه نام كفتند
عضد الدّوله ابو الشّجاع فنا خسرو بن حسن من آل بويه
بود واوّل كسيكه بر منابر بغداد بعد از خليفه نام او
مذكور كرديد اوّل كسيكه از نقباء دوازده كانه با حضرت

رسالت بیعت کرد ابو الامامة بود اوّل کسیکه علم نحو را با
ارشاد و املای امیر المؤمنین علیه السّلام تدوین فرمود ابو الاسود
ظالم بن عمرو الدّیلی البصری بود اوّل کسیکه از صحابه در روز
صفّین بدرجهٔ رفیعهٔ شهادت رسید ابو السّفاح البجلی بود ابن
داود گوید عبد الله بن علیّ بن ابی شعبة الحلبی اوّل کسیست که
از اصحاب حضرت امام جعفر الصّادق علیه السّلام که در
فقه و حدیث امامیه تصنیف فرمود اوّل کسیکه در فقه
تصنیف کرد ابو حنیفه بود اوّل کسی که حدیث کوفیان را در
بلدهٔ قم منتشر ساخت شیخ ابراهیم بن هاشم الکوفی القمی بود
اوّل کسیکه از مجتهدان امامیه با مالک موافقت کرد در
آنکه آب قلیل بمجرّد ملاقات نجاست نجس نمیشود حسن بن
علیّ بن ابی عقیل العمّانی بود اوّل من قاس امر الدّین برأیه
ابلیس اخرجه ابو نعیم فی الحلیة اوّل کسیکه در علم کلام
تصنیف ساخت ابو حذیفه واصل بن عطاء المعتزلی و
هو اوّل من سمّی معتزلیا و اوّل من قال الحقّ یعرف من وجوه
اربعة کتاب ناطق و خبر مجتمع علیه و حجة عقل و اجماع من
امة اوّل من صنّف فی الاصول الفقه الشّافعی بالاجماع
اوّل من وضع اللّغة علی الحروف الخلیل بن احمد بن قیم
الأزدی البصری و اوّل کسیست که اختراع علم عروض کرد
و از میزان شعر ساخت و منشاء اختراع او آن بود که

روزی در بصره درکوچه کازران میکذشت از کوفتن کدین
ایشان اوازهای مختلف شنید و با خود کفت که از اینجا
اصلی را میتوان استنباط نمود که کسی بران سبقت نکرفته
باشد انکاه علم عروض را بر وجهی که درمیان مردم شایع است
وضع نمود کذا فی تذکره عبدالله معتز اوّل کسیکه در ولایت
قم ساکن شد سعد بن مالک بود در کتاب خلاصة الاقوال
علّامه مسطور است که علیّ بن اسماعیل بن شعیب الأسدی
الکوفی البصری اوّل کسیستکه بر قانون علماء کلام در مذهب
اهل بیت کرام تکلّم نمود و دران علم تصنیفی فرمود اوّل من
قصد القصاید مهلهل وقیل امرأة القیس اوّل من نظم
الشعر الفارسی ابو العبّاس بن جیود المروزی واین قول
سیوطی است مؤلف کوید دیده شده اوّل من قال الشعر
بلغة الفرس هو بهرام جور الملک المشهور حیث قال

منم ان پیل دمان و منم انشیر یله
نام من بهرام کور و کنیتم بوجبله

اوّل کسیکه زبان بسخن موزون بر کشاد هوشنک دوّم
پادشاه قدیم عجم بود در مجمع الفصحاء وقیل بل الأوّل
منهم ابو جعفر بن حوض بن سعد بن سمرقندی کان فی سنة حفص
ثلثمائة والشعر هذا اهوی کوهی در دشت چکونه رودا
بار ندارد بی چکونه رودا اوّل کسیکه بواسطه خوابی که دیده
بود از مطالعه اهل کتب اهل سنّت اجتناب ورزید و به

۲ن او ندارد یاری یار چکونه بودا

تحصیل

بتحصیل علوم حکمت وکلام اشتغال نمود امیر صدر الدین محمّد الدشتکی الشیرازی ره بود اوّل کسیکه علم صرف را وضع کرد ابومسلم معاذ بن المسلم الهرّاء النحوی الکوفی بود واینکه شیخ کافجی گفته که واضع آن معاذ بن جبل بود خطاء است در مجالس المؤمنین اوّل شبهه که در عالم پیدا شد شبهه ابلیس بود منشاء صدور آن استبداد بود برای خود در مقابله نص الهی واستکبار بماده آفرینش خود که آتش بود بر مادّه آفرینش آدم که گل بود حیث قال أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ مؤلف گوید از ائمّهٔ طاهرین مرویست که فرمودند سجده وتعظیم بر آدم از جهة نور محمّد وآل محمّد صلی الله علیه وآله اجمعین بود همه ملائکه سجده کردند وپیشانی مسکنت بر زمین نهادند جز ابلیس کانده تکبّر نمود

که خود را برازا وتصوّر نمود  بفرمود ایزد که ای بی ادب
چه باشد ترا زین تکبّر سبب  بگفتا کزین کار باید خوشم
که آدم ز خاک ومن از آتشم  کجا خاک را سجده ز آتش خوش است

که آتش بطبع خوش سرکش است پس بر عارفان معلوم شد شیخ ادیب اریب شاعر معاصر شیخ الرئیس خراسانی هائری گوید

تا که شد از تارکش تاج تبارک واشرف  قول کرّمنا بنی آدم شد آدم را خطاب
گشت مسجود ملائک آدم خاکی از آنک  داشت اندر جبهه نور پاک آن والا جناب
ورنه بر آدم

ملک در بحیث ذا امر عجیب   نور وانکه سبذۀ هناك انه شیئ عجاب
وایضاً اوّل شبهه که در ملّت محمّدی علیه واله شرائف
التحیّات بظهور رسید رمع بن بطاخ معروف بود چه او
نیز در مقابله نصّ حضرت رسالت پناهی که ائتونی بدوات
وقرطاس اکتب لکم کتابا لن تضلّوا بعدی یعنی بیاورید پیش من
دوات وکاغذ تا از برای شما چیزی بنویسیم که اگر بان عمل کنید
هرگز گمراه نشوید اوّل من صنّف فی البدیع وسمّاه بهذا الاسم
عبد الله بن المعتز اوّل کسیکه تصنیف کرد در معانی بیان
شیخ عبد القاهر جرجانی اوّل کسیکه احداث کرد فلسفه و
حکمت روم بود در زمان حضرت موسی اوّل من اشتهر بالفلسفه
ونسبت الیه الحکمه فلوطرخس بمصر اوّل من تکلّم فی الریاضات
وافرده علما اوقلیدوس اوّل کسیکه حلّه را عمارت کرد و در
انجا نزول نمود امیر سیف الدوله صدقه بن منصور بن علی
بن مزید الاسدی اوّل کسیکه قاهره مصر را احداث کرد جوهر
غلام معزّ الدین الله علوی فاطمی اسماعیلی بود اوّل کسیکه
موصل را احداث نمود زواید بن بیوراسف نام داشت و
نام او در لسان فرس بوار دشیر بود ابن مقنّع گوید که اوّل
شهریکه بعد از طوفان نوح بنا کردند و بانی آن معلوم نیست
اوّل کسیکه اخراج علم طب کرد ارسطاطالیس بود از اهل
استخر در عهد اردشیر بن دارا بوده اوّل کسیکه وضع کرد علم

طب را بقراط بود اوّل کسیکه تاریخ نهاد هجرت نبوی را
عمر بن الخطّاب بود بمشورت مولای متقیان امیر المؤمنین
علیه السّلام در سال شانزدهم هجرت وهو اوّل من وضع اسم
الدّیوان لدفتر یکتب فی اهل الجیش واهل العطیّة کما فی القاموس
وکانه توسّع فیه بعد ذلک فسمّی اتباع الملوک والامراء والحکّام
الدّنیویّه جمیعا باهل دیوان اوّل کسیکه جرجان را بنا کرد
یزید بن مهلّب بن صفره بود اوّل کسیکه از سادات عظام
موسویّه در مشهد مقدّس رضوی نقیب شد سیّد طاهر بود
و از آن وقت تا این زمان نقابت موسویّه در نسل او باقیست
فی مجالس المؤمنین لمولانا القاضی نور الله الحسینی الشّشتری
نوّر الله مرقده اوّل کسیکه در شهر مصر در ترتیب حالات و
مقامات اهل بلد سخن گفت ذو النّون مصری بود اوّل من
تغنّی ابلیس ثمّ زمر ثمّ حدا اورده فی الفردوس عن علی بن ابی
طالب علیه السّلام واوّل من دلّ علی ترکیب الافلاک و
قدّر مسیر الکواکب وکشف عن وجوه تاثیراتها ادریس علیه السّلام
ذکره الثعالبی فی لطائف المعارف قلت وفی اخبار الامامیّة
انّ اوّل من وضع علم الرّمل واخبر بالملاحم وکتب اختیارات
السّنه هو دانیال علیه السّلام اوّل من زاد فی الکتاب بعد
الحمد لله واسئله ان یصلّی علی محمّد صلی الله علیه واله کان
هرون الرّشید اوّل کسیکه حکم بلعن اعدای اهل بیت

علانیه کرد خاتم المجتهدین شیخ علی بن عبد العال الکرکی قدس سره العالی و رساله لعنیه از مصنفات اوست زیاده از بیست نفر اصحاب را اسم برده است و آن نسخه در نزد مؤلف موجود است اول اسبی که در راه اسلام پی کردند اسب جعفر بن ابی طالب در موته بود چون بجهاد له کرد و از مرکب پیاده شد اسب او را پی کردند در مجالس المؤمنین اول من اتخذ الدفاتر للحساب فی الدیوان خالد بن برمك فی ایام السفاح وکانت قبل ذلك تکتب فی ادراج اول من خلع علی من ولد من اهل الدوله الرشید خلع علی جعفر البرمکی حین ولاه الوزارة اول من مات حتف انفه رسول الله صلعم سید اجل مرتضی ره در کتاب مستفی این دو بیت را از عبدالله بن ابی سفیان بن حارث در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده است

وکان ولی الامر بعد محمد　　علی و فی کل المواطن صاحبه
وصی رسول الله حقا و جاره　　و اول من صلی و لدن جانبه

قال السیوطی اول من قال جعلت فداك ابن عمر قیل علی بن ابیطالب قلت و کلامه ذلك منه ره فی مجالس مخاطبة مع رسول الله صلی الله علیه و آله کما نقل عن صاحب الکشاف اول کسیکه آجر را پخته کرد هامان بود اول کسیکه انصار را بر خلافت سعد بن عباده داشت خزیمه بود که او گفته علی

علیه السلام در خانه ساکن شده بتجهیز رسول خدا مشغول شد و قرشی دیکر لائق اینکار نیست شیخ ابوجعفر طوسی ره در کتاب امالی از قیس بن سعد روایة نموده قال سمعت علیّ بن ابیطالب علیه السلام یقول انا اوّل من یجثو بین یدی الله عزّ وجل یوم القیمة للخصومة یعنی حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که من اوّل کسی خواهم بود که نزد خدای تع بجهة خصومت بمخالفان خود زانو بر زمین خواهم زد در خبر است که مرد شامی خدمت علی ع سؤال کرد از اوّل زنیکه دامن خود را بر زمین کشانید فرمود هاجر بود هنکامیکه فرار کرد از دست ساره و سئل عن اوّل من جرّ ذیله من الرجال قال قارون اوّل کسیکه نعلین پوشید ابراهیم بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسی که از انصار در روز سقیفه با ابی بکر بیعت کرد بشر بن سعد بن ثعلبة الخزرجی الانصاری بود در تواریخ الأمه اوّل کسیکه در شعب عقبه بحضرت رسالت بیعت کرد براء بن معرور انصاری بود و اوّل کسیکه رو بکعبه نماز کرد و اوّل کسیکه بثلث مال خود وصیّت نمود اوّل سری که در اسلام از شهری بشهری بردند سر عمر بن الحمق الخزاعی ره بود که زیاد از تن جدا ساخت و نزد معاویه فرستاد اوّل کسیکه خواند در اخر خطبه إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ الخ عمر بن عبد العزیز بود اوّل کسی

که قرائت کرد در اخر خطبه انّ الله وملائکته الخ مهدی عباسی
بود اوّل کسیکه تمنّای مرگ کرد یوسف نبی بود قال السیوطی
اوّل من نقل من قبر الی قبر علیّ بن ابیطالب تم قلت وهو باعتقاد
المخالف لما هو الحق والتحقیق ثم قال اوّل من اتخذ الکیمیا
قارون وهو ایضا اوّل من لبس الثیاب الحمر ومن اطال الثیاب
وسحبها کما ذکره الثعالبی اوّل زنیکه رسول خدا تزویج کرد
خدیجه بنت خویلد بود اوّل از پسران آدم صفی الله قابیل
بود اوّل فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النساء اوّل قضیة
ردّت من قضاء رسول الله علانیة دعوة معاویة زیاد اخرجه
ابن عساکر عن سعید بن المسیّب وغیره واخرج عن عمرو بن نجیه
قال اوّل ذلّ دخل علی العرب قتل الحسین علیه السلام و
ادعاء زیاد اوّل هاشمیة ولدت هاشمیة ولدت الهاشمی
امّ علیّ بن ابیطالب علیه السلام فاطمة بنت اسد اوّل من بنی
السجن فی الاسلام علیّ بن ابی طالب علیه السلام وکانت
الخلفاء قبله یحبسون فی الدیار اوّل من استخرج الخمر فی زمن
نوح النبی علیه السلام وهو اوّل من اتخذ الکلب للحرسه
اوّل من اتخذ الجار بالجار والولی بالولی مروان بن الحکم
اوّل ذنب عصی الله به الحسد اوّل من اتخذ السلاح وجاهد
استرق الرقیق ادریس علی نبینا واله وعلیه السلام بود اوّل
من قاتل فی سبیل الله ابراهیم علیه السلام حیث اسر لوط و

فغزا ابراهيم حتى استنقذوه منهم وهو اوّل من عمل القسيّ كما عن
ابن عباس وعنه ايضا اوّل من ركب الخيل اسماعيل وكانت
قبل ذلك وحشا اوّل ما يرفع من هذه الامّة الحياء والامانة
عن النبوّة قال في زينة المجالس انّ اوّل من سجد الى آدم
من الملائكة سجدة تحيّة اسرافيل فكتب الله على جبهته كلّ
القران اوّل من اتّخذ الجهجاه افريدون في كامل البهائي
اوّل من ارتج عليه في الخطبة عثمان اوّل من خطب جالسا
حين كثر شحمه وعظم بطنه معاوية اوّل من استراح في الخطبة
يوم الجمعة عثمان بن عفّان في كتاب السيوطي وهو اوّل
من خطب في العيد قبل الصلوة واوّل من فوّض اخراج
زكاتهم اوّل غزوة غزاها رسول الله صلّى الله عليه وآله
بنفسه غزوة ودان في صفر من السنة الثانية قبل بدر و
لم يحصل منها طلاق قال الغزالي في كتاب احياء العلوم
اوّل من سنّ دعوة المبتدعة بالمجادلة الى الحقّ علي بن ابي
طالب عليه السلام وقد ناظر الملحدة في مناقضات
القران في كتاب صراط المستقيم للشيخ نور الدين علي البياضي
ره قال رسول الله صلّى الله عليه وآله اوّل من ياكل من
شجرة طوبى علي بن ابي طالب عليه السلام ايضا فيه قال
عليّ حين بلغه انّه يكذب على من اكذب على الله تعالى
فاوّل من عبده ام على رسول الله فانا اوّل من صدّقه ايضا

فيه عن سلمان قال النبی صلی الله عليه وآله اولكم ورودا علی
الحوض اولكم اسلاما علی بن ابی طالب عليه السلام ايضا
فيه عن ابوذر قال النبی لعلی صلوات الله عليهما انت اول من آمن بی
ايضاً فيه عن زيد بن ارقم قال اول من صلی مع النبی صلعم علی
بن ابی طالب عليه السلام ايضاً فيه قال خزيمة فی ابيات
اذا نحن بايعنا عليا فحسبنا    ابو الحسن مما نخاف من الفتن
الی قوله واول من صلی مع الناس كلهم    سوی خيرة النسوان
والله ذو المنن ايضاً فيه وقال كعب بن زهير صهر النبی وخير
الناس كلهم    فكل من رامه بالفخر مفخور    صلی الصلوة مع الامی
اولهم    قبل العباد ورب الناس مكفور    وقال ربيعة بن حارث
عند البيعة ما كنت احسب ان الامر منصرف عن هاشم ثم عن ابی
حسن    الیس اول من صلی لقبلتهم    واعلم الناس بالآثار و
السنن    الی قوله ماذا الذی ردكم عنه فنعلمه    ها ان اول
بيعتكم من اول الفتن    ايضاً فيه قال مالك بن عبادة
رايت عليا لا يلبث قرنه    اذا ما دعاه حاسرا ومن صلا
هذا وفی الاسلام اول مسلم    واول من صلی وصام وهلا
وايضاً فيه قال زفر بن زيد    حوطوا عليا واحفظوه فانه وصی
وفی الاسلام اول اول    وقال قيس بن سعد بن عبادة
هذا علی وابن عم المصطفی    اول من اجابه حين دعی    ايضاً
فيه عن ام سلمه والله لقد اسلم علی بن ابی طالب عليه السلام

اوّل الناس وما كان كافرا روى قتاده عن الحسن انّ علي
اوّل من امن وهو ابن خمسة عشر سنة عن علي بن ابي طالب عليه السلام
قال اوّل من بغى في الارض وجاهر بالمعاصي واستخدم الشياطين
وحرّفهم في وجوه الشرّ عنق امّ عوج وكان قد انزل الله على ادم
اسمائه العظيمة تطيعها الشياطين وامر ان يدفعها الى حوّا لى
تحترس بها فاغفلتها عنقا وسرقتها واستخدمت بها الشياطين
وتكلّمت بشئ من الكهانة فدعا عليها ادم وامنت على ذلك
حوّا فارسل الله اليها اسدا اعظم من الفيل فحمل عليها
وقتلها وذالك بعد ولادتها عوج بسنين في كنز اللبيب
لمعاصرنا الاديب الشيخ الفاضل احمد البغدادي دام مجده
اوّل من عاقب بالنار امرء القيس الثاني المعروف بالمحرّق
في كنز اللبيب اوّل من قاتل الموت دون الجمل الجلّل عبد
الرحمن بن عتاب بن اسيد بن ابي العاص بن اميه وكان
يقاتل يوم الجمل ويرتجز في التواريخ اوّل من قال من مال
جعد وجعد غير محمود جعد بن الحصين الحضرمي في المجمع
قال محمد بن كعب القرظي انّ رسول الله صلّى الله عليه واله
قال انّ اوّل الناس دخولا الجنّة لعبد اسود كذا في المجمع اوّل من
قال الحديث ذو شجون ضبّة بن ادّ بن طابخة بن الياس بن
مضر قال المفضّل اوّل من قال انّ البلاء موكّل بالمنطق
ابو بكر اوّل من قال انّ البيع مرتخص وغال الجهم بن جلاح

الاربی سید یثرب اوّل من قال ربّ ذارع لنفسه حاصد سواه
امی بن الضرب اوّل من قال ربّ رمیة من غیر رام الحکم بن عبد
یغوث المنقری وکان ارمی اهل زمانه قال المفضّل اوّل من
قال ذکرتنی الطعن وکنت ناسیا زهیم بن حزن الهلالی اوّل من
ربی اللحیة شیث بن آدم علیه السّلام اوّل من جاهد فی سبیل الله
ادریس علیه السّلام وعن عایشه انّ قال رسول الله صلی الله
علیه واله وسلّم اوّل من یلحقنی منکنّ اطولکنّ باعا فکنّا نتطاول
بالایدی حتّی ماتت زینب بنت جحش فقلنا ما هذا الامر
صدقتها وکانت امرأة ذات صنعة بیدها اوّل کسی که گفت
این مثل را غثّک خیر من سمین غیرک معن بن عطیه مذحجی بود
بسبب آنکه درحربی که میان قبیله بنی مذحج وقبیله دیگران
عرب واقع شده بود برادر معن دوق را با مهتر بنی مذحج
اسیر کرده ودوق بحماقت وبیعقلی مشهور بود ومعن برفت و
برادر خودرا از ایشان درخواست وباخود بحی رسانید
ایشان گفتند سیّد بنی مذحج وشاعر ایشان را در دست
خصم بگذاشتی ودوق احمق را بخواستی معن گفت غثّک خیر
من سمین غیرک در مناهج ونفائس الفنون محمود الدئلی خیر
قلیل وفضحت نفسی گویند اوّل کسیکه این مثل را زد فاخت
بود زن مرّة الاسدی واو خوبترین زنان عرب بود چون حسن
فاش شد این مثل زد یعنی این حسن اندک چیز است ونفس

من بدان دسوا اشتد فی نفائس الفنون محمود الدیلمی اول
کسیکه این مثل را گفت عش رجبا تری عجبا حارث بن عباد
بود و سبب آن بود که چون پیر شد یکی از زنان او بد خوئی
آغاز کرد حارث او را طلاق داد مردی دیگر او را بخواست زن
در مراعات آن مرد بغایت میکوشید و خوی نیک پیش می
گرفت آن مرد پیش حارث نعت و شکر این زن میگفت حارث
این مثل زد فی نفائس الفنون اول کسیکه این سخن گفت رسول
خدا صلی الله علیه وآله بود که یا خیل الله ارکبی اول کسیکه
این سخن را گفت ربیعة بن حوار الاسدی بود که ما جعل العبد
کربه فی مجمع الامثال الکرمانی اول کسیکه این سخن گفت اکثم
بن صیفی بود که من استرعی الذئب ظلم فی مجمع الامثال اول
کسیکه این سخن گفت عامر بن الظرب بود که من طلب شیئا وجد
اول کسیکه گفت من عز بز جابر بن رالان از بنی ثعل بود اول
کسیکه گفت من یشتری سیفی وهذا اثره حرث بن ظالم بود اول
کسیکه این مثل بزد که ما وراءک یا عصام حارث بن عمرو ملک
کنده بود از ممالک عرب فی تاریخ مناهج جار الله الطلالی اول
کسیکه این سخن گفت هذه بتلک والبادی اظلم فرزدق شاعر
بود اول کسیکه گفت العجب کل العجب بین جمادی ورجب
عاصم بن مقشعر الضبی بود اول کسیکه گفت فی الصیف ضیعت
اللبن قنوس بنت العبد بود که مال و منال بسیار داشت

از مرد خود طلاق گرفت و پشیمان شد میخواست که مرد رجوع
کند و شوهر او را نمیخواست برفت و شوهر دیگر کرد زوج اولین
را باز رغبتی تمام پیدا شد پیش زن فرستاد و اظهار تعلقی می
کرد زن گفت اترکتنی حتی اذا علقت ابیض کالشطن انشأت
تطلب وصلنا فی الصیف ضیعت اللبن اول کسیکه گفت اسمع
بجدّیك لا بكدّیك هانئ عمیر الهمدانی بود اول کسیکه گفت شرینك
غداش بن جابر التمیمی بود اول کسیکه گفت ذهب امس بما فی
ضمضم بن عمرو الیربوعی بود اول کسی که این سخن گفت خیر قلیل
وفضحت نفسی زن مرّة اسدی بود که خوبتر از وی در زنان
عرب نبوده بحسن و جمال در جهان معروف گشت این مثل
بدان زد یعنی حسن چیزی اندک است و نفس من مبارك بدان
رسوا شد فی مناهج الطالبین اول کسیکه گفت خالف تذکر
حطیئة ام عنبر بود اول کسیکه گفت بواد غیر ذی زرع ابو العینا
بود در تاریخ آمده که وقتی ابو العینا از همدان باصفهان آمد
اتفاقا آن روز که وارد شد کودکان چنانکه عادت ایشان
جنگ است سنگ بیکدیگر میزدند سنگی بسر ابو العینا
آمد بشکست اشتهائی داشت بسی طلب کرد و نیافت با حالت
رنجور و مجبور با سر شکسته در گوشه مسجدی نشست و پای وی
از خستگی راه آبله کرده بود و گرسنه هم بود با امید آنکه در آن
مسجد از امام یا ماموم بحال او آگه شوند هیچ آفریده ملتفت

او نشد در انتظار طعام شب را بصبح بر بیخوابی کذرانید واز
غایت جوع آرام برنداشت روز دیکر برخواست وبنزد آشنا خود مهلب
شتافت که وزیر مملکت بود از ابو العیناء پرسید که در کدام روز
بشهر در آمدی کفت فی یوم نحس مستمر کفت در کدام ساعت
کفت فی ساعة العسرة کفت کجا فرود آمدی کفت زخیر فی ربع
مهلب را حسن جواب او خوش آمد وتمامت اسباب او را مهیا
داشت ومرتب فرمود اوّل کسیکه کفت العود حق بان خداش
بن حابس تمیمی بود وحکایت او در کتب امثال مرقوم است که
بر زنی رباب نام عاشق شد آخر بوصل او رسید فی نفائس در
حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه وآله در روز دو
شنبه دوازده شب از ربیع الاوّل کذشته بجانب مدینه
رفت ونصف النهار آن روز بود که بقبا آمد ودر خانه
کلثوم بن هدم فرود آمد وتا روز جمعه آنجا اقامه فرمود
پس عزم مدینه کرد ودر بنی سالم نماز جمعه کذاشت وآن
اوّل صلوة جمعه بود که در اسلام کذاشته شد در مناهج
اوّل کسیکه هجرت کرد برای دین ابراهیم بود کما قال الله تعالی
وَاِنِّیْ ذَاهِبٌ اِلٰی رَبِّیْ سَیَهْدِیْنِ رَبِّ هَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
وَاَلْحِقْنِیْ بِالصّٰلِحِیْنَ ومراد باین ذهاب هجرتست یعنی از
دار کفر هجرت کنم ودر راه رضای تو بیرون روم در مناهج
اوّل جماعتیکه بنای خلیل الرحمن بحج خانه خدا شتافتند

الصالحین بودند و ایشان بیشتر و پیشتر بحج آیند اول کسیکه
زره یافت داود علی نبینا و آله و علیه السلام بود چنانچه خداوند
در قرآن مجید فرموده وعلمناه الّنا له الحدید لداود و هر زره را
بچهار هزار درهم بفروختی و طعمه خود و عیال از آن دراهم ترتیب
داشتی و باقی را بصدقه دادی و هرگز ذخیره ننهادی و فقرا
و مساکین را خوش داشتی در تاریخ و اول کسیکه زنبیل یافت
و بعضی گویند سلیمان نبی بود در مروج الذهب المسعودی الشیعی
اول کسیکه در عرب برای میهمان ثرید شکست هاشم پدر
عبد المطلب بود در مناهج اول کسیکه ملة حنیفیه را تغییر داد
و اصنام و اوثان در حوالی کعبه بنهاد عمرو بن لحا بود و در آثار
آمده که رسول خدا صلعم فرمود که شب معراج عمرو بن لحا را دیدم
که در میان آتش دوزخ او را می کشیدند پرسیدم که با تو
دیگری هست گفت هر که متابعت من کرد تا ظهور نبوة تو با من
قرین خواهد بود در مناهج الطالبین اول کسیکه بجهة هدیهٔ
بیت الله شتران را قربانی کرد الیاس بن مضر بود فی تاریخ
الهلال و اول کسیکه بعد از طوفان نوح و هدم و محو آثار
کعبه ارکان آنرا پیدا آورد و بر خلق ظاهر گردانید و اول
کسیکه از اولاد مضر بعلة سل وفات کرد او بود
اول کسیکه بعد از رسول وفات کرد و بوی پیوست زینب
بنت جحش زوجه آن جناب بود اول کسیکه در سقیفه

با ابوبکر بیعت کرد بشر بن سعد بود در ناسخ التواریخ است اول
سریکه حمل شد در اسلام و نقل از بلدی به بلد دیگر شد سر محمد بن
ابی بکر بود اگر صحیح باشد حمل شد بسوی معاویه مؤلف گوید
در احادیث شیعه آن سر عمرو بن الحمق الخزاعی است که از
اصحاب سید اوصیاء علی علیه السلام بود چنانچه گذشت
اول کسیکه قبا پوشید سلیمان نبی علیه السلام بود اول
کسیکه عمامه پوشید ذوالقرنین بود و بتحقیق پوشید عمامه
را از سبب قرنیه اول کلمه که ابراهیم در وقت باتش رفتن
میفرمود حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ اول کسیکه بعد از موت
سخن گفت هارون وصی موسی بود چون هارون وفات
یافت بنی اسرائیل متهم ساختند موسی را که او هارون را
کشته است زیرا که میل ایشان بسوی هارون بیشتر بود پس
خدا الهام بر آنحضرت نمود آنکه امر فرمود ملائکه را
که هارون را مرده آوردند و بر مجالس بنی اسرائیل گردانیدند
و گفتند که خود مرده است و موسی بری است از کشتن او و این
وجه از حضرت سید الوصیین امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است و در روایت دیگر آنستکه موسی بر سر قبر هارون
آمد و ندا در داد و هارون باسم حقتعالی از قبر بیرون آمد
و گفت که موسی مرا نکشته است و باز بقبر برگشت و دیگر عا
نبی بود اول معجزه که در حضرت رسول خدا ص ظاهر گشت سایه

انداختن ابر بود بر سر آن حضرت در حیوة القلوب اول کسیکه
کتب یونانی را عربی کرد خالد بن یزید بن معویه بود فی زهر
الربیع در حدیث است که چرا روز عید فطر را عید قرار داده
شده زیرا که از برای مسلمانان اجتماعی است که جمع می شوند در
آن روز پس حمد میکنند خدا را برآنچه منت گذاشته است بر
ایشان و بجهة آن روز اول سال است که در او اکل و شرب
حلال است بجهة آنکه اول سال نزد اهل حق شهر رمضان
است که شهر رمضان اول شهور است نزد رسول خدا صلعم
چنانچه وارد شده است و در روایات و در تقویم المحسنین
فیض کاشی قدس سره تصنیفی که در اسلام شد خلاف است
وشیخ جلیل محمد بن شهر اشوب ره در معالم العلماء که نسخه
از آن کتاب در نزد مؤلف هست از غزالی شافعی نقل کرده
که اول کتاب ابن جریج است در آثار و حروف التفاسیر از
مجاهد و عطار در مکه پس کتاب محمد بن راشد صنعانی در یمن
پس کتاب موطاء مالک در مدینه پس جامع سفیان ثوری
بعد فرمودند بلکه اصح از آنستکه اول کتاب امیر المؤمنین
بعد سلمان پس ابوذر پس اصبغ بن نباته پس عبد الله بن ابی
رافع پس صحیفه کامله و ابن جریج مذکور عبد الملک بن
عبد العزیز بصریست که در سال صد و پنجاه و پنج وفات
کرده و در کشف الظنون فی اسماء الکتب والفنون دیده

شده است که از بعضی نقل که اوّل تصنیف سعید بن ابی عروبه
است که در سنه ۱۵۶ وفات کرد و بعضی گفته اند ربیع بن صبیح
است که در سال صد و شصت وفات کرد و بعد سفیان بن
عیینه و مالک بن انس در مدینه و عبد الله بن وهب در
مصر و معمّر و عبد الرزّاق در یمن و سفیان ثوری و محمد بن
فضیل بن ذکوان در کوفه و حمّاد بن سلمه و روح بن عباده
در بصره و هشیم در واسط و عبد الله بن مبارک در خراسان
اوّل کسیکه داخل خانه کعبه شد در زمان جاهلیّت رسول
خدا ص بود که چون قریش کعبه را در جاهلیّت خراب کردند
و خواستند بسازند نتوانستند پس در دل ایشان افتاد که
شخصی از ایشان گفت که هر یک از شما باید که پاکیزه ترین
مال خود بیاورید و نیاورید مالیرا که از قطع رحم یا حرام
دیگر بهم رسانیده باشید چون چنین کردند مانع برطرف شد
و متمکّن گردیدند از ساختن آن پس شروع کردند در بناء
تا آنکه بموضع حجر الأسود رسیدند پس منازعه کردند که کدام
یک حجر را در جای خود نصب کنند تا اینکه نزدیک شد
که در میانه ایشان حرب قائم شود پس راضی شدند بحکم
هر که اوّل از در مسجد الحرام درآید پس اوّل کسیکه داخل
شد حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بود چون
نزد ایشان آمد و حقیقت حال خود را بعرض رسانیدند آن

حضرت امر کرد که جامه را پهن کردند و حجر را خود برداشت
و در میان جامه گذاشت و فرمود که رؤساء قبائل طرفهای
جامه را گرفته بلند کردند پس حضرت حجر را برداشت و در جا
خود گذاشت و حق تعالی او را باین کرامت مخصوص گردانید در
سبائک الذهب اصحاب هواریه گویند که اول روز یکشنبه
که اول دنیا است در عجائب المخلوقات اول کسیکه از اولاد آدم علم
نبی الله علیه السلام کتاب آموخت و هم ۳۰ نوع خط بنوشتی ادریس
هبیع بود در مظاهر الانوار اول کسیکه چهار نائب بر ربع
مسکون تعیین کرد که حکمت و شریعت او را رواج دادند ادریس
نبی است اول زنیکه حائض گشت حوا مادر آدمیان بود و آن
روز سه شنبه بود در عجائب المخلوقات اول کسیکه اختراع
کیوه کرد که موزه ایست معروف کیوین گودرز بود در فرهنگ
انجمن آراء مسطور است که در سفر ترکستان که بطلب
کیخسرو رفته بود و چند سال در آن بیابان میگشت و آن
موزه بود زیران چرم و روی آن ریسمان اکنون تکمیل یافته
متداول است و بهترین آن کیوه پیکانی است و پیکان دهی ا
از اصفهان اول شهریکه در اراضی بلخ بنا گشت شهر پشنگ ا
در تاریخ هرات اول کسیکه کافر شد و کفر ایجاد کرد شیطان
لعین بود در عیون اخبار الرضا اول کسیکه متلفظ شد به
کلمه لا حکم الا الله برک بن عبدالله تمیمی بود در کتاب ابتهاج

مفید ره موسوم بتحفهٔ سلیمانی مؤلف گوید که ابن بُرك نامش
حجاج است وکسی است که میخواست معاویه را بقتل برساند
وبا ابن ملجم وعمرو بن بکر هر سه هم عهد شدند در باب قتل سه تن وقصه
انها مشهور است اوّل کسیکه پارسی گفت پارس بن هوشنگ
بن سیامك پیشدادی بود در تاریخ در فرهنگ انجمن آرا
ناصری امده اوّل کسی که کلاه درویشی ساخت کم چندین
ترك دار وشیخ صفی الدّین شاه اسمعیل صفوی او رحمة الله
علیه بود که شاه اسمعیل صفوی مروّج طریقه اثنی عشری
برای تمیز این طبقه از دیگران از ماهوت سرخ کلاه دوازده
ترك دوختن فرموده بود ودر هر ترکی نام یکی از ائمّه اثنی عشر
دوخته واین اعلا خلعتی وافخری بود که بر بزرگان شیعی داده
شده است اوّل کسیکه در مکّه کاغذ ساخت میکائیل نام
کشمیری بود وان در سنه هشتاد وهشت هجری بود در فرهنگ
انجمن آرا اوّل کسیکه حضرت امام حسن عسکری بجهة وکالت
حضرت صاحب الأمر علیه السّلام منصوب ساخت عثمان
بن سعید العمری اوّل کسیکه با رسول الله صم در مسجد نماز
گذاشت امیر المؤمنین علیه السّلام بود در خصائص النّسائی
اوّل کسیکه ختنه کرده شد از زنان هاجر مادر اسمعیل
بود که ساره او را ختنه نمود واین مرسوم ماند در نزد مردم
در مآثر سلطان امده اوّل پادشاهیکه نام خلیفه را از

خطبه بیفکند طاهر ذو الیمینین بود اول کسیکه قرشیت
برای او ثابت شد مالک نضر است زیرا که قریش لقب نضر است
در نفائس الاخبار اول کسیکه در حبس منصور دوانقی هلاک
شد عبد الله بن حسن بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام
اول سلاطین عباسیان ابو العباس سفاح بود فی التواریخ
و در کتاب بضاعة الایمان آمده که معاویه هزار کس را بصله
دوستی امیر المؤمنین علیه السلام بقتل رسانید و اول کسی بود
که در میان صفا و مروه سواره سعی نمود و اول کسی بود که علانیه
شرب خمر میکرد و ساز و سرود بان ملحق ساخت و میل نمودن
اکل و اباحه آن نمود و اول کسی بود که بحیله و مکر کتابت
نمود و اول کسی بود که سر مسلمانان برای وی هدیه آوردند
و اول کسی بود که بر تخت سلطنت نشست و تشبه بلکاسره
و فراعنه شد و اول کسی بود که بموت مسلمانان شماتت میکرد
چنانکه در تواریخ و سیر مسطور است که وقتی که خبر شهادت
امیر المؤمنین ع بآن ملعون رسید امر کرد که مردم شام بعیش
و عشرت مشغول شدند و اول کسی بود که با مشرکان بی اخذ
جزیه صلح کرد و اول کسی بود که بت فروخت و بت فروشی
را بر قرار نهاد و هر ساله چندین کشتی بت بطرف هند می
فرستاد که فروخته قیمت آنرا از قماش و متاع بیاورند
و آنرا تجارت نام نهاد و چشم داشت ثواب هم داشت و اول

کسی بود که اسیر مسلمانان بفروخت و اوّل کسی بود که خلافت را در میراث نهاد و حواله در میراث نهاد و حواله بر پسر خود کرد و اوّل کسی بود از پادشاهان اسلام که زندان ساخت و مقصوره در مسجد ساخت و خواجه سرایان بخدمت خود تخصیص کرد اوّل کسی بود که نشسته میخواند بواسطه سمن و عظم شکم برپای نمیتوانست بایستد و اوّل کسی بود که جسد مسلم را در جوف شکم خر مرده گذاشت و سوزاند اوّل کسیکه اخبار را بچهار قسم منقسم ساخت احمد بن موسی بن طاوس بود پس علامهٔ حلی وی را متابعت ورزید از علمای اعلام نیز همان طریق را سلوک داشتند در روضات الجنّات للسیّد العالم الفاضل المعاصر المیر محمد باقر الموسوی الخونساری مدّ ظلّه اوّل از علامات ظهور حصار بستن در دور کوفه است بحصار و خندق اوّل جماعتی را که مختار بن ابی عبیده ثقفی بدست آورد آن ده تن بودند که خیول بر بدن شهداء ع تاختند آوردند آنجماعت را پس حکم کرد که ایشان را بر پشت خوابانیدند و میخهای آهنین بر پشت و دستها و پاهای ایشان کوفتند و سواران خود را گفت که بروی اجساد خبیثه ایشان تاختند تا قطعه قطعه شدند پس از آن ایشان را باتش سوزانیدند اوّل کسی که با ابوبکر بیعت کرد شیطان ملعون بود اوّل فرجی که از بنی هاشم بغصب گرفته شد امّ کلثوم بود دختر امیرالمؤمنین

علی علیه السّلام بود که عمر بن خطّاب بزور خطبه کرد مؤلّف گوید
این مطلب را گواهی است فی الحدیث قال الصّادق علیه السّلام
هو اوّل فرج غصب منّا فی کامل البهائی وغیره فاضلی رد
کرده است و رساله ردّ موسوم بارغام اناف الخصوم است
آنچه معلوم میشود از اخبار و تاریخ بدستیاری عبّاس باتمام
رسید بعینه این عقد چون عقد آسیه بنت مزاحم بود با فرعون
اوّل کسیکه با امیر المؤمنین ع بیعت کرد طلحة و زبیر بودند
و بعد بیعت را شکستند اوّل کسیکه غالی شد در حقّ اسد الله
الغالب علی بن ابیطالب ع نصیری بود فی مفرح الاخبار
اوّل کسیکه نماز بر پیغمبر گذارد خدای عزّ و جلّ در بالای عرش
کبریائی خود بود از آن جبرئیل بعد میکائیل و اسرافیل
ملائکه مقرّبین و امیر المؤمنین علیه السّلام اوّل دفعه که
پیغمبر صلّی الله علیه و آله بیعت امیر المؤمنین علیه السّلام
را از انصار و خلفاء گرفت در دار الندوه که موضع شوری
بود دوّم در بیعت رضوان در زیر درخت در سال حدیبیه
سوّم در روزیکه نشسته بود در خانه امّ سلمه چهارم در غدیر
خم اوّل کتابی که در حدیث ساخته اند موطّاء مالک
بود و شافعی گوید ما اعلم شیئا بعد کتاب الله اصحّ من موطّاء
مالک اوّل کسیکه در علم درایه تصنیف کرد ابن حجر مکّی
بود در روضات الجنّات اوّل نامهای کلام الله المجید

قران است در نفائس الفنون اوّل کسیکه بینات مقناطیس
رسید و بخاصیت او علم بهم رسانید حکیم دانشمند باهوش
مستر کلابس بودی مردم جزیرة العرب و بلغت عربی و تمامی
السن مردم فرنگ عالم و صاحب عزم بلند بود موجب
فنون ریاضی و هندسی بطرز فرنگ او بست از مقناطیس
قطب‌نما ساخت و بجهات عالم آگهی یافت کرد در روشنی و
تاریکی روز یا شب در دریا و خشکی بهر سمت که خواسته باشد
رسد و جهاز با این دستگاه و اسباب آن بنحو نیکو رواج
دارد از نتائج افکار ان وحید عصر است در کتاب تحفة
العالم سیّد عبد اللطیف خان نجل سیّد نعمة الله جزائری
شوشتری مؤلّف گوید این حکیم جلیل اوّل کسیست که عالم
دیگر را که او را ینگی دنیا و امریکا نامند ظاهر و آشکار کرد
اوّل کسیکه دست ببیعت شاهی بهرام گور داد او [illegible]
کسری بود که مدّعی سلطنت بود در منتخب الحکایات
اوّل کسیکه حضرت قائم آل محمّد را شست رضوان خازن
بهشت بود با جمعی از ملائکه مقرّبین که او را با آب کوثر و
سلسبیل شستند بعد از ان شست او را حلیمه خواتون
دختر حضرت امام محمّد بن علی الرّضا علیهما السّلام در نجم
الثّاقب العلاّمة النّوری مدّ ظلّه اوّل کسیکه نسب آل
ابی طالب را جمع کرد سیّد یحیی نسّابه است صاحب کتاب

انساب آل ابی طالب و از معروفین و رواة است و اوحد عالم
جلیل سید حسن بن شدقم مدنی است فی نجم الثاقب
للفقیه النبیه العالم العامل الکامل المولانا الجلیل حاج میرزا
محمد حسین نوری طبرسی نور الله قلبه اول کشته که از خون او
پای خواست میشود محسن در خون طپیده فرزند فاطمه زهرا
سلام الله علیها است در رساله شیخ عارف احمد احسائی اول
آیه که در قتال امد این بود قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم
الخ فی جواهر التفسیر لملا محمد المدعو بمحسن الکاشانی در دعا
نص امده اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر
تابع له علی ذلک اول کسیکه بقتل حجر در اسلام رفتار کرد
و شهید اول حجر بن حسان را بمحبت امیر المؤمنین علیه السلام
بروایت ابن اثیر و ابن خلدون زنده دفن کرد عبید الله بن زیاد
بود و اول کسیکه ولایت عراقین کرد و اول کسیکه سب
علی بن ابیطالب علیه السلام را در عراقین تشیید و ترویج داد
پیغمبر اکرم صلعم فرمود یا علی اول کسیکه سر از زمین بر میدارد
محمد ص است بعد تو و اول کسیکه پوشیده میشود محمد است
بعد تو پس امیر المؤمنین علیه السلام بر روی زمین افتاد و
سجده حق بجای آورد و حمد کرد فی مناقب موفق الدین الخوارزمی
المکی اول کسیکه یحیی نامیده شد یحیی بن ذکریا بود قال
الله تبارک و تعالی یا زکریا انا نبشرک بغلام اسمه یحیی لم نجعل

له من قبل سميّا اوّل نبيّ نبأ الله بعد ادريس نوح عليه السلام وهو اوّل نبيّ نسخت شريعته ادم على نبينا واله وعليه السلام وهو اوّل نذير من الشرك لاهل الارض وهو من اولوا العزم وهو اوّل نبيّ عذّبت امته بدعوته اوّل هاشمية ولدت هاشميّا فاطمة بنت اسد امّ امير المؤمنين عليه السلام وجعفر وعقيل وطالب اوّل من قال جعلت فداك عليّ عليه السلام لما دعى عمرو بن عبدود الى البراز والمحاربة يوم الخندق ولم يجبه احد قال علي عليه السلام جعلت فداك يا رسول الله انا له قال انه عمرو بن عبدود قال انا عليّ بن ابي طالب فخرج اليه فقتله فاخذ الناس منه اوّل من اخذ مال الناس بالظلم الضحاك اوّل من سمّي عبد الملك في الاسلام عبد الملك بن مروان اوّل من غزل حوّا غزلت صوف الضأن ونسج ادم جبة لنفسه ودرعا وخمارا لحوّا اوّل من وضع البقول في الخوان كيخسرو بن سياوش اوّل من عمل قصعة ليشرب الماء واللبن ونحوهما قينان بن انوش بن شيث بن ادم قال الشيخ جمال الدين بن النّباته اوّل من غنّى على العود بالحان الفرس النضر بن الحرث بن كلدة اوّل من غنّى في الاسلام بالحان الفرس سعيد بن مسجح اوّل من اتخذ العود بطليموس الحكيم اوّل شبهة وقعت في البريّة شبهة ابليس لعنه الله ومصدرها استبداده بالرأي في مقابلة النصّ واختياره الهوى في مقابلة الامر و

الاستکبار بالمادة التی خلق منها وهی النار علی مادة آدم
علیه السلام وهو الطین اوّل من صلّی الجمعة فی البحرین بعد انمحائها
فی الدولة الصفویة المنتهیة الی الشاه سلطان حسین الموسوی
الصفوی الحسینی الشیخ محمد بن الحسن رجب المقابی اصلا والاصبعی
منزلا کذا فی لؤلؤة البحرین وروضات الجنات وغیرها اوّل من ترک
مطالعة احادیث العامة العمیاء من هذه السلسلة العلیة
الدشتکیة واشتغل بتشیید قواعد الحکمة والکلام علی مذاق
ارباب البصیرة من طوائف الاسلام هو جناب العالم الحکیم
الامیر غیاث الدین منصور بن الصدر الدین الحسنی الحسینی
الشیرازی الدشتکی الاوّل صاحب مدرسة المنصوریة بالشیراز
فی حبیب السیر وغیره اوّل من خلع علیه السواد العالم الصفی
السید الرضی کذا فی عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب اوّل
کسیکه مادرش دختر حضرت امام حسین ع است عبد الله
بن محض بن الحسن المثنی وفاطمه طاهره دختر سید الشهداء
زوجه حسن المثنی بن الحسن المجتبی علیه السلام سه پسر داشت
اوّل عبد الله المحض دوّم ابراهیم الغمر سوّم حسن وابراهیم
غمر الحسنی الحسینی جدّ امجد مؤلف کتاب است وپسر او اسمعیل
دیباج است وپسر او ابراهیم ملقب بطباطبا است ونسب این
فقیر به وی و دو واسطه بحضرت امام ثانی حسن بن علی بن
ابی طالب علیهما السلام است واز سلاله طباطبا الحسینی

الحسینی میباشم بدین طریق محمد جمال الدین السید محمد الحائری
مؤلف هذا الکتاب ابن السید العلامه حسین الطباطبائی
الیزدی بن السید مرتضی بن السید احمد بن میر حسین بن
میر سامع بن میر غیاث بن میر محمد مؤمن بن السید نور الدین
بن السید مراد بن الشاه اسد الله بن السید جلال الدین امیر
بن الحسن بن مجد الدین بن قوام الدین بن اسماعیل بن عباد
بن ابی المکارم بن عباد النسابة بن طاهر المدفون بالخوزستان
بن ابی الحسین علی الشاعر بن ابی الحسن محمد الشاعر الاصفهانی
المتوفی سنة اثنین وعشرین وثلث مائة بن احمد بن ابی
جعفر محمد بن ابی عبد الله احمد الرئیس بن ابراهیم الملقب
بطباطبا بن اسماعیل الدیباج الاصغر المکنی بابی ابراهیم
الملقب بالشریف الخلاص بن ابراهیم الغمر المتوفی مع اخیه
عبد الله المحض وجمع من السادة فی حبس المنصور بن الحسن
المثنی بن الامام المجتبی سبط المصطفی ابی محمد الحسن بن الامام
ابی الائمة امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام اول
کسیکه مادرش دختر امام حسن است امام محمد باقر فرزند
امام زین العباد علیهما السلام میباشد اول بنائیکه در
ولایت خراسان واقع گشته قصبه قوشنج است در روضة
الصفا اول قلعه که در خراسان ساخته و پرداخته شد
قلعه شمیران است در روضة الصفا اول کسیکه اسب کوهی رام

را ختنه کردن ابراهیم خلیل بود چنانکه در حیوة القلوب
مسطور است اوّل کسیکه سعی صفا و مروه را سواره کرد معاویه
بود و اوّل کسیست که میل بخوردن گل کرد و از احلال ذات
فی تذکرة الائمه اوّل کسیکه بثلث مال وصیّت کرد براء
بن معرور انصاری بود و اوّل کسیست که وصیّت در قبر
بجانب قبله قرار داده شود و اوّل کسیکه در استنجا استعمال
آب نمود اوّل الآیات طلوع الشّمس من مغربها مؤلف گوید
اوّل آیات قیامت است که پیش از نفخ صور واقع می شود اوّل
کسیکه اقرار بربوبیّت کرد در وقتیکه خدا فرمود الست بربکم
حضرت رسول خدا بود در علل الشرایع از حضرت امام بحق
جعفر الصّادق علیه السّلام روایت شده که فرمودند از حضرت
پیغمبر پرسیدند که بچه سبب سبقت گرفتی بر پیغمبران و
از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه مبعوث شدی فرمود
که زیرا که اوّل کسی بودم که اقرار به پروردگار خود کردم و اوّل
کسیکه جواب گفت در وقتیکه حق تعالی میثاق و پیمان گرفت
از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان که
گفت الست بربکم آیا نیستم من پروردگار شما گفتند بلی پس
اوّل پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت گرفتم بر ایشان
در اقرار بخدا اوّل کسیکه وسمه ساخت هامان بود بجهة
فرعون که آن وسمه را بموی خود خضاب کرد سیاه شد

وفریب خورد فرعون از هامان فی تواریخ و زبدة ابتداء سحر در زمان فرعون بود بروز و ظهورش از ساروو و غاروو که دو برادر بودند گویند تعلیم نمودند جماعتی را در حدی ۱۲ هزار الی سی هزار نوشته‌اند فی تواریخ السّیر اوّل رسولیکه امّت بدعای او هلاک شدند نوح علیه السّلام بود در روضة الصّفا اوّل نعم طیّب ولادت است در معانی الاخبار مرویست از حضرت رسول خدا که فرمود من احبّنا اهل البیت فلیحمد الله اوّل النّعم قیل وما اوّل النّعم قال طیب الولادة و لا یحبّنا الا من طاب ولادته و لا یبغضنا الا من خبث ولادته اوّل بقعهٔ که خدا را بر روی آن عبادت نمودند دشت کوفه بود که غری باشد از حضرت علیّ بن ابیطالب ع منقولست که اوّل بقعهٔ که خدا را بر روی آن عبادت کردند دشت کوفه بود که نجف اشرف باشد چون خدا امر کرد ملائکه را که آدم را سجده کنند در آنجا سجده کردند در حیوة القلوب و اعتقاد شیخ عارف احمد احسائی آنستکه جنّت اوّل موجود آنست چنانچه در شرح و معنی حدیث و روح القدس فی جنان الصّاغورة ذاق من حدائقنا الباکورة الخ رجوع نمایند و اعتقاد من بنده آنست که جنّت و همه در او است از برکت نور حضرت سیّد الشّهداء ع خلق شده است محمّد بن جریر طبری گوید اوّل کسیکه با امام حسن علیه السّلام

بیعت کرد قیس بن سعد بن عباده خزرجی انصاری بود
وگفت با تو بیعت میکنم بحکم خدا و سنت پیغمبر خدا وجهاد
با دشمنان خدا حضرت امام حسن فرمود بیعت کن بحکم
خدا و سنت رسول کذا فی ناسخ اوّل کسیکه از اولاد علی بن
ابیطالب ع که در زمان عباسیان حاکم مکه و مدینه شد
عبدالله بن حسن بن عبدالله بن فضل بن عباس بن علی
بن ابیطالب ع بود فی نفائس الفنون آنکه اوّل ما کتب الله
فی اللوح المحفوظ انی انا الله لا اله الا هو انا من رضی عنه
والده فانا منه راض و من سخط علیه والده فانا علیه ساخط
فی مصابیح القلوب قال الخواجه ع ان اوّل الفرائض بعد
معرفة الله ثم الصلوة واوّل ما یحاسب به العبد الصلوة فان
قبلت قبل ما سواها وان ردت رد ما سواها فی مصابیح القلو
اوّل خلیفة من بنی هاشم علی بن ابیطالب علیه السلام فی
سبائک الذهب اوّل کسیکه دعوت حضرت نبوی را اجا
کرد شاه مردان و شیر یزدان بود وگفت کمر خدمت را از آن
بر میان بسته ام تا هرچه فرمائی بدان قیام نمایم
من کمر بسته بجان و دل ایستادم منتظر تا چه فرمائی تو اینت را بجا آورم
و در جائی آورده چون در ایمان بر همه سابق بود گفته سبقتکم
الی الاسلام طراً غلاماً ما بلغت اوان حلمی در مصابیح خواجه
صلی الله علیه و آله فرمود که میدانید اوّل کسیکه در بهشت

رود که باشد گفتند خدا و رسولش عالم‌ترند گفت درویشان
مهاجر که تقرهای مسلمانان بدعاء ایشان دفع کردند در
مصابیح القلوب در خبر است که سیّد رسل چون از سفری
مراجعت میفرمود اوّل بخانه فاطمه زهراء سلام الله علیها
رفتی او تفحص احوال میکردند خداوند در شب معراج
بحبیبش محمّد فرمود یا محمّد علیؑ اوّل من اخذت میثاقه من
الاوصیاء و علیّ اخر من اقبض روحه من الاوصیاء فی
مصابیح القبر اوّل منزل من منازل الاخرة واخر منزل
من منازل الدنیا فی المختصر چون اسلام قوی شد جبرئیل
امد که حق تعالی میفرماید که درهائیکه در مسجد گشاده اید
برآرید جماعتی از اصحاب گفتند همانا ابن خطاب بامانیاشد
اوّل کسیکه ساز ان کرد که در برآورد علیّ بن ابیطالبؑ
بود خواجه صم بحجره فاطمه در آمد و علی عم را گفت ای
علی تو از منی و من از تو انت منّی و انا منک اوّل من
امن بالله عبد المطّلب اوّل ملوک بروسیه غالیوس
فی ابن اثیر صیدانی در لغة الثرد والثرید می نویسد فی
الحدیث اوّل من ثرد الثرید ابراهیم و اوّل من هشم الثرید
هاشم وکان الفرق بینهما انّ الثرد فی غیر الیابس والهشم
فیه قال الجوهری الهشم کسر الیابس یقال هشم الثرید وبه
سمّی الهاشم فی سامی الثامی اوّل قسیکه خدای تعالی یاد من

خلق قرار داد قبل از آنکه مکه را حرم خود کند زمین کربلا
بود در تاریخ عسکری سیف ذی زن وقتیکه حاضر مجلس
عبد المطلب شد عبد المطلب گفت ای پادشاه دیشب
در ریش تو موهای سفید دیدم که امروز نمیبینم سیف گفت
من خضاب میکنم گویند اول کسی بود که خضاب کرد در
حیوة القلوب اول کسیکه وضع کرد و مرتب ساخت دائرۀ
تواریخ ولادت و وفات را امیر عبد الجواد رضوی بود در
اشعار در وفات یکی از عرفاء هندوستان از انوقت الی
زماننا هذا معمول افتاده خاصّة در نزد افاضل هندوستان
ابو الصلت هروی گفت خدمت امام رضا عرض کردم
که چون حضرت قائم شما خروج کند اول کاریکه میکند
چیست فرمود اول کاریکه میکند قطع میکند دستهای
طائفه بنی شیبه را زیرا که ایشان دزدان خانه خدا
هستند در عیون اخبار الرضا اول کسیکه از درخت
در تخته گرفت و خانها را در فرمود ساختند هوشنگ بود
مناهج الطالبین اول کسیکه از ملوک دعوی خدائی
کرد جمشید بود در مناهج اول مَنْ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ فاطمه سلام
الله علیها فی انوار الهدایة لملا احسن فاضل یزدی اول
من یلحق بالنبی فی الجنة من اهل بیته فاطمه سلام الله علیها
فی انوار الهدایة لفاضل المذکور اول کسیکه زیر جامه

پوشید ابراهیم نبی بود در انس العالم و در علل الشرایع
از حضرت صادق علیه السلام مرویست که خداوند وحی
فرستاد بسوی ابراهیم که زمین شکایت دارد نزد من بجهت
حیا از دیدن عورت تو پس قرار ده میان خود و میان او
حجابی پس قرار داد چیزیکه بزرگتر از جامه و پست تر از
سراویل بود پس او پوشید و آن تا زانوهایش بود مؤلف
گوید که ظاهر اینستکه آن تبان باشد که از زیر جامه کوتاه تر
و از زانو چهار انگشت تجاوز کند و دید ام ملاحان کشتی
بهم میپوشند و بهمین ستر عورت را میکنند اول کسیکه
بیعت کرد با مسلم بن عقیل در کوفه مختار بود فی روضة
المجاهدین اول کسیکه امر کرد بقطع دست فرعون بود
وقتیکه سحره ایمان بموسی آوردند فرعون گفت سزا دهم
شما را و آن اینست لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ
وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ فی زبدة التصانیف اول ما انزل القمح
علی آدم کان قدر بیض النعام وقیل له هذا رزقک و رزق
نبیک فمر فاحرث وازرع ولم تزل الحبة علی ذلک ثم نزل
علی قدر بیض الدجاج ثم الی الحمامة ثم الی البندق وکان
فی زمن عمر بن عبد العزیز علی قدر الحمصة فی حیوة الحیوان
للدمیری وقال ایضا اول من زرع حبة الحنطة آدم علی
نبینا وآله وعلیه السلام وورد فی الخبر ان الله تع انزل

علی آدم ثورا احمر وبقرة حمراء فحرث بها فاتاه جبرئیل
بثلاث حبات من الحنطة فدفنها آدم علیه السّلام حتی
صرن قطعا ثم زرعها ونزعها لبها فنبت الشعیر فلما بقیت
البقرتان بالحراثة الخ قال بعض العرفاء منه شیخ عزیز النسفی
قال رسول الله اوّل ما خلق الله العشق اوّل ایام عجوز
بیست و ششم شباط باشد خدای تعالی قوم عاد را هلاک
کرد عجوزی از ایشان بماند و بر ایشان نوحه کردی و مرثیه
گفتی بدان سبب آن ایام را عجوز گویند و عجز بحسب لغة
آخر را گویند و این ایام را بجهة آن عجوز گویند که آخر زمستان
است و نوروز اوّل روزیست که آفتاب ببرج حمل رسد
و در انوار النعمانیة در کیفیت ظهور امام عصر آورده که
اوّل روزیست که در آن آفتاب طلوع کرد و اوّل کسیکه
پادشاه شد کیومرث بود چنانچه اشاره شد و کیومرث
لفظی است سریانی بمعنی عربی حیّ ناطق و بفارسی
زنده گویا باشد و بعضی کیومرز دانند کیو بمعنی بزرگ
و مرز بمعنی زمین و در روضة الصفا هست چون قبل
از تصدّی او بمراسم ایالت و سروری انواع جور و تعدّی
و هرج و مرج و احوال ساکنان ربع مسکون راه یافت
طائفه از عقلا و اشراف در باب دفع ظالم و بیداد اندیشه
تمام بجای آوردند انتظام عالم و نسق و ترفیه احوال بنی

آدم را با وجود مدبّری ذو اقتدار و فرمان دهی رفیع مقدار
یافتند که ذات پسندیده صفاتش بحلیهٔ نصفت و معدلت
آراسته بود تا طبقات رعایا از کافهٔ برایا از آسیب تعدی اهل ظلم
وطغیان سالم مانده در مهاد امن و استراحت مرفّه و آسوده زندگانی کنند
واستشاره قرعهٔ اختیار بنام کیومرث افتاد و او چون میان
اهل ملک و ملت را در باب مطاوعه بایمان موکد گردانید
و تاج شاهی بر سر نهاد و بر سریر سلطنت متمکن گشت
فردوسی گوید: نخستین خدیوی که کشور گشود الخ اوّل
کسیکه در جاهلیه خمس مال خود داد در راه خدا داد عبد
المطلب بود و کذا فی حیوة القلوب ابن عبّاس گفت رسول
خدا فرمود صدّیقان امت سه اند اوّل حبیب نجّار دوّم
حزقیل سوّم علیّ بن ابیطالب علیه السّلام و علی افضل از
همه صدّیقان است در روایة المعرفه ولی در بعضی از نسخ
بنظر حقیر این طور رسیده است سباق الامم ثلاثة لم یکفروا
بالله طرفة عین علیّ بن ابیطالب و صاحب یاسین و مؤمن
آل فرعون وهم الصدّیقون و علیّ افضلهم شیخ در امالی
بسند خود از قیس بن سعد بن عباده روایت کرده که از
حضرت علیّ بن ابیطالب شنیدم که فرمود انا اوّل من یجثو
بین یدی الله عزّ و جلّ للخصومه یعنی منم اوّل کسی هستم که
در روز قیامت برای خصومت زانو بر زمین خواهم زد

غایة المرام و اوّل چیزیکه از اسباب شفاعت است و فاطمه طاهره بمحشر بیاورد عمامه خون آلوده شوهرش علی است در مجمع المعارف از عامه است در تفسیر آیه وَمَنْ یُسْلِمْ وَجْهَهُ اِلَی اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ انس بن مالک گوید این آیه در شان علی نازل شد و اوّل کسی بود که بخدا ایمان آورد وَهُوَ مُؤْمِنٌ مُحْسِنٌ ذکره ابن شهر آشوب فی تصنیفه اوّل کسیکه ایمان برسول خدا آورد و متابعت کرد از زنان خدیجه و از مردان امیر المؤمنین علیه السّلام بود فی سیر النبیّ و مناقب و تقوی وجامع الأصول قال علی علیه السّلام انا صلّیت مع رسول اللّه سبعة سنین قبل ان یسلم احد و یصلّی احد اوّل کلمه که بر لوآء حمد نوشته شد بسم اللّه الرّحمن الرّحیم بود بعد الحمد للّه ربّ العالمین بعد لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه علیّا ولیّ اللّه اوّل مطر نزل من السّمآء فی یوم عاشورا و اوّل رحمة نزلت فی یوم عاشورا فی غنیة الطّالب الشیخ عبد القادر الجیلانی فی مجلس فضیلة یوم العاشورا قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم اوّل من اتّخذ علیّ بن ابیطالب اخا من اهل السّمآء اسرافیل ثمّ میکائیل ثمّ جبرائیل و من احبّه منهم حملة العرش ثمّ رضوان خازن الجنّة ثمّ ملک الموت و انّ ملک الموت یترحّم علی محبّ علیّ بن ابی طالب علیه السّلام کما یترحّم علی الانبیآء یعنی اوّل

کسیکه کوفت علیّ بن ابی طالب را برادری کوفت از اهل آسمان اسرافیل است بعد ازان میکائیل پس ازان جبرائیل و اوّل کسیکه دوست داشت علی را از اهل آسمان حاملان عرش شدند و بعد ازان رضوان خازن بهشت بعد عزرائیل و بدرستیکه ملک الموت ترحّم میکند بر انبیاء در مناقب المرتضوی وقال علی فی خطبة الحمد لله الاوّل فلا شیئ قبله والآخر فلا شیئ بعده والظاهر فلا شیئ فوقه والباطن فلا شیئ دونه فی نهج البلاغة از ابوذر غفاری و سلمان فارسی مرویست که پیغمبر صلعم دست امیر ع را بدست حق پرست خود گرفت و فرموده انّ هذا اوّل من آمن بی و نیز از سلمان روایت شده است که آن سرور فرمود اوّل هذه الامّة وردوا علی الحوض اوّلها اسلاما علی بن ابیطالب علیه السّلام خزیمة بن ثابت الانصاری در مدح علی علیه السلام میفرماید ما کنت احسب هذا الامر منصرفا عن هاشم منها عن ابی حسن الیس اوّل من صلّی بقبلتهم واعلم النّاس بالفرقان والسّنن و یکی از فصحای عرب اشارت بسبقت اسلام امیر ع نموده میگوید قل لابن ملجم الاقدار غالبة هدمت وذالک الاسلام ارکانا رسول خدا فرمود که ساعتی پیش ازین جبرئیل امین بر من نازل شد و گفت انگشتر عقیق در دست کن زیراکه عقیق اوّل سنگی

است که شهادت داد و اقرار کرد از برای خدا بر وحدانیت
و از برای تو بنبوت و از برای علی بوصایت و از برای اولاد او
بامامت و از برای شیعیان علی بدخول بهشت در غایة المرام
از ابن مغازلی در نص رسول بر علی قال النبی صلی الله علیه و
اله یا علی انت اول المسلمین اسلاما و اول المؤمنین ایمانا
سید اجل محدث علامه بحرانی در غایة المرام نقل از ابن بابویه
مینماید که روی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کند یهودی
خدمت حضرت امیر المؤمنین امد و عرض کرد مرا خبر ده از
اول سنگی که بر روی زمین نهاده شد و از اول چشمه که از
زمین جوشید و اول درختی که از زمین روئید فرمود ای
یهودی اما اول ان سنگی که بر روی زمین نهاده شد شما
میگوئید که ان سنگی است که در بیت المقدس است و دروغ
گفته اید بلکه ان سنگی است که ادم انرا از بهشت با خود فرود
اورده و ان حجر الأسود است و در کعبه نصب نمود یهودی گفت
راست گفتی و بخدا قسم که انچه گفتی بخط هرون و املاء حضرت
موسی است و فرمود شما میگوئید اول چشمه که بر روی زمین
جوشید و جاری شد چشمهٔ بیت المقدس است و دروغ
گفته اید ان چشمه زندگانیست که یوشع بن نون ماهی
شور را در ان چشمه شست و خضر از ان اشامید و احدی
از ان نیاشامید مگر انکه نمیرد عرض کرد راست فرمودی و

بخدا قسم که چنین یافتم بخطّ هرون و املاء موسی مؤلّف
گوید این قصّه چنان بود که اسکندر ذوالقرنین بطلب آب
حیوة با سپاه عظیم روانه شد تا اینکه بعد از زحمت بسیار چون
خضر نبی بر مقدّمه لشکر او بود و بآب رسیده از آب بخورد
و اسکندر محروم ماند و شما میگوئید اوّل درختی که از زمین
روئید درخت زیتون بود و دروغ گفته اید بلکه اوّل درخت
خرمای عجوه است که آدم از بهشت با خود آورد یهود گفت
راست گفتی بخدا قسم بخطّ هرون و املاء موسی همانطور است
مؤلّف گوید عجوه نخل خرمائیست بسیار خوب که بیشتر
در مدینه طیّبه و نواحی آن از این درخت بسیار است و تجربه
مکرّر رسیده باید هر کس هفت عدد خرمای عجوه هر روزه
تناول نماید از گزندگان و آسیب زهرهای آنها در امان
خواهد بود و جمعی از افاضل در کتب خود نوشته اند که مکرّر
بتجربه رسیده است خوردن هر صباح از این خرمای عجوه
وفی القاموس العجوة بالحجاز التمر المحشی وتمر بالمدینة
و هو تفسیر الست بربکم و محمد نبیکم الخ آمده اوّل میثاق
ربوبیت را از انبیاء عموماً گرفت و اینست که میفرماید
وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ یعنی یاد آور ای محمد
زمانی را که فرا گرفتیم از انبیاء میثاق ایشان را و ذکر کرد
همه انبیا را عموماً بعد از آن افضل سلسله انبیا را بیان

فرمود و نام بردگوییمت محمّد یعنی پس از انبیاء اخذ
میثاق از تو کرد برای محمّد خصوصا و رسول بر سائر انبیاء
مقدّم داشت اوّل پادشاهان عدالت گستر نوشیروان
فرخنده سیر بود و در حقش کافی است که پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود ولدت فی زمن ملك العادل نوشیروان
فی خلاصة التواریخ اوّل کسیکه نامه بسیّد الشهداء
نوشت عمرو بن الحجاج بود اوّل کسیکه در کربلا شمشیر
بر بدن مقدّس حضرت ابی عبد الله الحسین ع زد و بدن
مطهّر آن سرور را مجروح نمود همین لعین ولد الزنا بود
در کتاب حدائق السیوف و شدائد الحتوف از سیّد رضا
حیدری یزدی اوّل کسیکه بعد از شهادت سیّد الشهداء
احرام زیارت آن بزرگوار را بست و باین نعمت عظمی فائز
گردید جابر بن عبد الله انصاری بود در ریاض الشهاده
اوّل کسیکه از اسرای اهل بیت وارد حرم رسول خدا شد
زینب خاتون بود عرض کرد یا جدّا اگر بنی هاشم نبودند
من برهنه می شدم تا به بینی چگونه بدنم سیاه و مجروح است
و قصّی اوّل کسی بود از اولاد کنانه که پادشاه مکه گشت
در مقامع آقا محمّد علی بهبهانی اوّل من آمن علی بن ابیطالب
علیه السلام و این کلمه در اعداد مطابق است با علی بن
ابیطالب اوّل کسیکه وضع کرد شطرنج را صصه بن

داه

داهر الهندی بود در تاریخ ابن خلّکان و برخی گویند واضع
شطرنج ناموغ بن هام بن یافث بن نوح علیه السّلام بوده است
اوّل کسیکه وضع کرد نرد را در دوازده خانه اردشیر بن بابکر
پادشاه فرس بود و ازین جهة او را نردشیر خوانند در تاریخ
خلّکان اوّل کسیکه شراب بتصدّق بفقرا داد ابن
درید لغوی مشهور بود ابو منصور ازهری لغوی گفت
سائلی از وی چیزی خواست ظرفی از شراب باو بداد یکی
از غلامانش گفت شراب بتصدّق میدهی درخصوص
در جواب غلام این ایه را خواند لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوا
مِمَّا تُحِبُّونَ و فی الحدیث پیغمبر اکرم فرمود یا علی خدای
تعالی بمن عطا کرد هفت چیز را که تو با من می باشی می
فرماید یا علی اوّل کسی هستی که از قبر برخیزی با من و اوّل
کسی هستی که بر صراط بایستی با من و اوّل کسی هستی که
پوشانیده شوی از لباس بهشت با من و اوّل کسی هستی
که در علیّین ساکن شوی با من اوّل کسی هستی که از
رحیق مختوم بیاشامی با من اوّل کسیکه بنای شهر نهاد
کیومرث بود و اوّل پادشاهیکه در میان فرزندان
خویش خطبه انعقاد کرد او بود در تاریخ مجمع فضل الله
اوّل کسیکه از وادی نجد اسب نجدی و مادیان عربی فرستا
آوردند و در بیابان قراقشلستان در ایل خود رها

کرد شیخ ناصر بوشهری حاکم بوشهر و مضافات و بحرین
و بنادر بوده و آنچه اسب عربی مصر و فسا و فارس میباشد
در شیراز و غیره از همان تخمه است در روضة الصفاء ناصری
هدایت ره اوّل کسیکه بمنصب قاضی القضات
اولی و بیعه قرار داد ابو العبّاس عبد الله بن حسن بن ابی
الشّوارب بود در بغداد دویست هزار درهم هر سالی بدیوان
بداد در ایّام معزّ الدّوله بن بویه در منتظم ناصری اوّل
کسیکه دروازه طعن بر مجتهدین گشاد و فرقه ناجیه
امامیّه اثنا عشریّه را بدو قسم منقسم گردانید یکی
اخباری و دیگری مجتهدی ملّا محمّد امین استرابادی
صاحب فوائد المدنیّه بوده در کتب رجال اوّل کسیکه
بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام آمد جابر
بن عبد الله انصاری با آل رسول و بنی هاشم آمدند
در روز بیستم صفر سنه ۶۱ هجری بود چه خوب گفته شاعر

زائر اوّل جناب جابر است     جانفدای آنکه اوّل زائر است

اوّل کسیکه در مسجد سپهسالار که در طهران واقع و
بجامع سلطانی موسوم است بنماز جماعت ایستاد شیخ
جعفر الشّوشتری بوده در مآثر الآثار در حدیث است که
حضرت امام رضا علیه السّلام فرمودند چون خداوند
ولایت و امامت و محبّت ما نهاد و ظاهر و ابراسا ضا

عرض کرد اوّل آسمان هفتم قبول کرد و چون بزمینها عرض کرد
اوّل زمین کعبه قبول کرد و چون بکوهها عرض کرد اوّل کوه
عقیق اقرار کرد اوّل کسیکه از سلسلهٔ جلیله خواتون آباد
بمنصب رفیع امام جمعه نایل گردید السّید العالم میر محمّد
حسین بن میر محمّد صالح الحسنی الحسینی الخاتون آبادی ابن
بنت المجلسی الثّانی فی مآثر الآثار اوّل زنیکه از خانواده
علی علیه السّلام بجهة استقبال امام زین العابدین ع و
ماتم زدگان از دروازه مدینه بیرون رفت امّ البنین
مادر حضرت عبّاس بود در تحفة الذّاکرین اوّل کسیکه
از مدینهٔ مشرّفه رسول مهاجرت را قبول کرد و روی بشهر
فراهان آورد و در آنجا توطّن فرمود و هم در آنجا سعادت شهادت
یافت و در همانجا مدفون گشت سلطان بن احمد بن حسن
بن افطس بن علی الأصغر بن الامام علی بن الحسین علیهم السّلام
بود در تاریخ شیخ جعفر شوشتری ره و در خصائص الحسینیّه
در بیان اوّل مخلوقات میفرماید اوّل مخلوقات نور
حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله میباشد یا نور آن بزرگوار
یا انوار سائر ائمّه پس بهر تقدیر میگوئیم بدرستیکه اوّل
مخلوقات نور شریف حضرت حسین است بجهة اینکه
پیغمبر ص فرمود حسین منّی و انا من حسین یعنی من از حسینم
و حسین از من است پس او اوّل مخلوقات است و اوّل آن

چیز است که صادر شده از اوّل وهر مخلوق وشیخ الرئیس
معاصر حائری گوید صادر اوّل نوری حضرتش کو از اوّل
مصدری ممکن نبود افلاک را از هیچ باب    در خبر آمده پس
از آنکه حبیب بن مظاهر اسدی بجانب قبیله خود در
نواحی کربلا رفت وطلب یاری کرد بروایت خصائص الحسینیه
مردی از بنی اسد از جای خود برجست که او را عبد الله بن
بشر میگفتند وگفت منم اوّل کسی که اجابت نماید این دعوت
را پس از آن شروع برجز خواندن نمود ودر ثواب زیارت
زوّاره مقبول میان از عتبات در خصائص امام صادق علیه السلام
فرمود اوّل کسیکه زیارت فرمود بعد از شهادت حسین
را ذات اقدس خداوند علی اعلا است واین کنایه است
از نوعیه خصوصیّات الطاف کثیره الهیه با جناب بعد از آن
زیارت فرمود رسول خدا وعطا فرمود بوی کاسه آبی که
نگه داشته بود او را از برایش فی وسائل المحبّین فی ترجمة
خصائص الحسین للفاضل المعاصر حاجی میرزا حسین
التّبریزی متّع الله المسلمین بطول بقائه اوّل کسیکه حسین
را بعد از دفن در آن نشأه زیارت کرد از انبیاء پیغمبر خاتم
انبیا و از اوصیاء علی و از ملائکه جبرئیل وبعد میکائیل
بعد اسرافیل ودر خصائص الحسینیّه آمده واما اهل این
نشأه اوّل کسیکه زیارت نمودن سرور را بعد از دفن او

سیّد سجّاد بود وقتی که دفن نمودان جسم مطهّر را ابتدا از
سر روزکه بر روی خاک افتاده بود وایضا در ثواب زیارت
در خصائص کان اوّل من یصافحه رسول الله وامیر المؤمنین
علیهما السّلام واوّل قطرة من دمه یغفر له بها کلّ خطیئة
اوّل من انتقل من الکوفة الی القم من السّادات الرّضویه
کان ابو جعفر موسی بن محمّد بن علی الرّضا علیهم السّلام فی سنة
ستّ وخمسین ومأتین یعنی اوّل کسیکه از کوفه ببلده قم
از سادات رضویه منتقل شد ابو جعفر موسی پسر محمّد بن
علی الرّضا بود در سال دویست وپنجاه وشش در مجلّد
ثانی عشر بحار الانوار قال رسول الله صلّی الله علیه وآله
انّ اوّل من اشفع له من امّتی اهل بیتی الأقرب فالأقرب
یعنی سیّد رسل فرمود که بتحقیق من اوّل شفاعت میکنم از
امّت خود قرب اهل بیت خود را اقرب پس تا آخر حدیث در
کتاب ابن حجر المکّی قال النّبیّ لعلی انّ اوّل اربعة یدخلون الجنّة
انا وانت والحسن والحسین وذرارینا خلف ظهورنا وازواجنا خلف
خلف ذرارینا وشیعتنا عن ایماننا وشمائلنا یعنی فرمود آن
حضرت ای علی اوّل چهارگانه که داخل بهشت شوند من
وتو وحسن وحسین میباشیم امّا ذرّیّه در عقب سرها وزنان
مؤمنات ما در پشت سر آنها وشیعیان ما در جانب چپ
وراست ما باشند اوّل کسیکه اختراع کرد دو بینی را

که در فرنگستان از چوب و شیشه سازند و از گوهر شاهوار
گران تر مصرف رسانند حکیم عالیشان مستر کوپرنکوس
بود کذا فی تحفة العالم اوّل کسیکه مقام و سر قبر حضرت
سیّد الشهدا ع بساخت اشجع سواران جهان محمّد بن ابراهیم
بن مالک اشتر نخعی بود در مونس الاحیا فی احوال المختار
بلسان الفارسی للسیّد الجلیل محمّد تقی الموسوی المشهدی اوّل
کسیکه سکّه زد بر درهم و دینار عمرو بن کنعان بود فی عیون
اخبار الرّضا اوّل ضرب و سکّه که سلاطین مسلمانان از
اسلامبول زدند در سنه صد و هفتاد هجری بود بوزن و
عیاریکه خلفای بنی امیّه در دمشق معمول داشته بودند
در منتظم ناصری اوّل کسیکه او را صوفی خواندند فریدون
بود اوّل کسیکه امر کرد بعمامه سبز که علامت سیادت
باشد ملک اشرف شعبان بن پادشاه مصر بود و بدانکه در
کتب اهل سنّت و جماعت مسطور است انّ هذه العمامة الخضرا
لیس لها فی الشرع والسنّة ولا کانت فی الزمن القدیم وانّما
حدثت سنة ثلاث و سبعین و سبعمائة بامر الملک الاشرف
شعبان بن حسین مؤلف گوید اکنون کم پانصد و سی و
دو سال است که معمول افتاده و این سیره ممدوح و شایع
گشته و منع آن مقدوح است و صاحب شرح الفیه مشهور
براعی و بصیر که اندلسی مولد است در شان عمامه سادات

الاوّل

انشاد کرده جعلوا الابناء الرّسول علامة انّ العلامة شان
من لم یشهر نور النّبوّة فی وسیم وجوههم یغنی الشّریف عن الطّراز
الاخضر وبعضی از افاضل نوشته اند که پوشانید مامون
عبّاسی امام رضا علیه السّلام را و امر کرد بان لباس سبز
بنی هاشم که بپوشند اوّل کسیکه آتشکده ساخت و آتش
پرستید قابیل بن آدم بود در تاریخ ابن اثیر و نیز در آن
تاریخ آورده در احوال یولس بن لامک که کان اوّل من سکن
القباب و در احوال توبلسین بن لامک گوید کان اوّل من
ضرب بالونج والصّنج و در احوال توبلقین بن لامک گوید
کان اوّل من عمل النّحاس والحدید مؤلف گوید یولس
و توبلسین و توبلقین هر سه تن برادران نوح نجیّ الله بودند
و ابن اثیر گوید انّ اوّل من اتّخذ الملاهی من ولد قابیل
رجل یقال له ثوبال بن قابیل اتّخذها فی زمان مهلائیل
بن قینان اتّخذ المزامیر والطّنابیر والطّبول والعیدان و
المعارف فانهمک ولد قابیل فی اللّهو و در احوال مهلائیل
بن قینان گوید اوّل من بنی البناء واستخرج المعادن
وایضا فیه انّه امر اهل زمانه باتّخاذ المساجد اوّل عربی
قسم للذکر مثل حظّ الانثیین عامر بن خشیم فی دور المعارف
اوّل من سیّب السّوائب عمرو بن یحیی اوّل من سنّ الدّیة
ماة الابل عبد المطّلب اوّل ما یلقی به الارض من وقهم

الذقن وقيل اوّل ما يلقى الارض هو الجبهة والأنف لا
الذقن اوّل من سمّاها جمعة الأنصار وذالك قبل قدوم
النبي صلّى الله عليه وآله الى المدينه وقيل نزول سورة
الجمعة الخ في مشكلات العلوم النراقي قيل اوّل من سمّاه
جمعه كعب بن لوى لاجتماع النّاس فيه اليه وهذا الرجل
اوّل من قال كلمة امّا بعد اجمع الاطبّاء على انّ القلب اوّل
عضو يتكوّن واخر عضو يسكن وهو انّه اوّل عضو يحيى اوّل
من اخترع القول بحرمة اقامة الجمعه في زمان الغيبة
الشيخ حمزة سلّار الدّيلمي تلميذ سيّد المرتضى والمفيد في
روضات الجنّات وقال صاحب روضات الجنّات مدّ
ظلّه في ذكر شيخ الورع الامام خليل بن احمد النحوي و
ابوه احمد كان اوّل من سمّي بهذا الاسم بعد رسول الله صلّى الله
عليه وآله اوّل استرخاء اعضاء دماغ است اوّل كسيكه
مشرف ومستوفى قرار داد لهراسب شاه كيانى بود كذا في
حبيب السّير اوّل پادشاهيكه بكسرى لقب يافت نوشيروان
بن قباد بود كذا في حبيب السّير اوّل كسيكه زن پدر خود را
بزنى گرفت شيرويه بود عبد الله بن بسر مازنى اوّل شخصى است
كه رو بقبلتين نماز كرده واخر صحابى است كه در شام در گذشت
در منتظم ناصرى اوّل پادشاه مسلمانان اسپانيا كه خود
را خليفه وامير المؤمنين والناصر لدين الله لقب داد عبد الرحمن

سیّم پادشاه اسلامبول بود بهم چنین خلفاء علوی افریقیه
بود در منتظم اوّل پادشاهی که در ایالات شمالی فرنگ
سکّه زد امپراطور کانوت اعظم پادشاه انگلیس و دینمارک
و نروژ بود و قبل از او طوایف دانمارک و سوید و نروژ
معاملات خود را با شمش طلا و نقره مینمودند فی منتظم
اوّل کسیکه امر کرد در بغداد در اذان حیّ علی خیر العمل
بگویند المستنصر علوی بود اوّل علامات خروج قائم
الائمّة طلوع ستاره داو داست که در آسمان دوام کند
و عالم هرج و مرج شود و مردم مختلف کردند در غایة
المرام ابن بابویه نقل کند که رسول خدا فرمود بعلی
بن ابیطالب علیه السّلام یا علی تو اوّل کسی هستی که بمن
ایمان آوردی و مرا تصدیق کردی و تو اوّل کسی هستی
که مرا در امر نبوّت من اعانت نمودی و با دشمن من جنگ
کردی و تو اوّل کسی هستی که با من نماز گذاردی و خدای
عزّ و جلّ بعزّت و جلال خود سوگند یاد کرده است که
از عقبه صراط نگذرد مگر آنکه برات ولایت تو و ولایة
ائمّه از اولاد تو با او باشد و تو اوّل کسی هستی که بحوض
من وارد شوی و دوستان خود را از آن حوض سیراب
گردانی و دشمنان خود را از آن برانی و تو رفیق منی در
وقتیکه بر بالای مقام محمود باز ایستم تا از تو طلب شفاعت

کند و تو شفاعت ایشان کنی و تو اوّل کسی هستی که داخل
بهشت شوی و لوای من که لوای حمد باشد بدست تو
خواهد بود و آن لواء هفتاد و پنج شقّه است و هر شقّه
از آن بزرگتر از آفتاب و ماه و تو را صاحب درخت طوبی
در بهشت اصل درخت تو است و شاخهای آن درخت
شیعیان تو است در غایة المرام رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود فاطمه سیّدهٔ زنان عالم است از اوّل
دنیا تا آخر دنیا و فاطمه اوّل کسی است که بمن ملحق خواهد
شد از اهل بیت من در حدیث است که پیغمبر روزی
جامه ای نو پوشیده بود اصحاب عرض کردند یا رسول الله
این جامه را که بشما داد فرمود وصیّ و صاحب سخا و
وارث علم من و برادر من و اوّل مؤمنان در اسلام اوّل
ندائیکه امام عصر عجّل الله فرجه میکند اینست الا لعنة
الله علی القوم الظالمین چنانچه پیغمبر صلعم خبر داده باصحاب
که فرمودند نوّاب او آواز دهد در ماه رجب اوّل ندا
کند الا لعنة الله علی القوم الظالمین اوّل کوهیکه اقرار
کرد بر امامت علی علیه السلام کوه عقیق بود و وقتیکه
حضرت رسول صلّی الله علیه و آله بر علی علیه السلام فرمود
یا علی تو اوّل کسی هستی که از قبر برخیزی با من و اوّل کسی
هستی که پوشانده شوی از لباس بهشت با من و وقتیکه من

پوشانده می شوم و اوّل کسی هستکه در علیّین ساکن
شوی با من و اوّل کسی هستی که از رحیق مختوم بیاشامی با من
اوّل کسی که خیاطت کرد جمشید بود مؤلّف گوید چه بسیا
ارباب اخبار اختلاف کرده اند و بعضی برآنند که یونس
نبی خیاطت مینمود و از این صنعت از آن جناب است و
الله اعلم اوّل کسیکه علم فراست را ظاهر نمود اقلیمون الحکیم
بود قالوا اهل السیر اقلیم الحکیم مصروفا بالفراسة وکان
یستدلّ علی اوصاف النّفس وملکاتها بالصّورة وتنا
الخلقة فارادوا اختباره فی ذلک فعمل تلامذة بقراط الحکیم
وصوّروا صورته علی لوح من عندهم وانفذوها وقالوا تامّل
فی هذه الصّورة واحکم بما عندک من اوصاف صاحبها
فلمّا تامّل فی دقائقها وتناسب اجزائها قال صاحب
هذا الصّوره صاحب خدعة ومکر وفسق وهو یحبّ
الزّناء فلمّا سمعوا ذلک ارادوا قتله وقالوا ایّها الجاهل
انّه اعلم اهل الأرض واعدلهم واتقیهم وخیرهم فی جمیع
الأمور فقال انّما سألتم عن علمی واخبرتکم به فرجعوا
الی بقراط واخبروه بما قال فقال صدق الحکیم فی
جمیع ما قال ولکنّی لمّا رایت قبح هذه الأمور ترکتها و
حفظت نفسی عن مباشرتها صلوة التّراویح الّتی هی من
بدع عمر انّا اعترف به ولم ینکرها علیه جمیع ترویحه و

هي المرّة الواحدة من الرّاحة كتسليمة من السّلام وسمّيت
لذالك لانّهم اوّل ما اجتمعوا عليها كانوا يستريحون بين
تسليمتين في كتاب الكشكول من تصنيفات العالم المعاصر
الحاج سيّد علي الميبدي سلّمه الله قيل انّ اوّل من وضع
الكتاب العربي والسّرياني والكتب كلّها ادم على نبيّنا و
اله وعليه السّلام قبل موته بثلاثة مائة سنة كتبها في
الطّين ثمّ طبخه فلمّا اصاب الارض الغرق كلّ قوم كتابهم
فكتبوه فكان لاسمعيل بن ابراهيم عليهما السّلام في كشكول
السيّد المذكور قيل اوّل من وضع الخاتم في يد اليسرى
جمشيد فقيل له لم تركت اليمنى مع اولى بالزّينة فقال قد
تمّت زينتها باليمن وقال الخوفي ذالك لم يزل اهل الفضل
محروما ولذالك كانت اليمنى مختارة الشيعة في كشكول
السّيّد المذكور احمد بن محمّد الطهروي اوّل من صنّف في
غريب الحديث بعرضه على عبد الله بن طاهر فاستقسمه
في وفيات الأعيان اوّل من تكلّم على مذهب الأماميّه
وصنّف كتابا فيه الأمام علي بن اسماعيل بن شعيب بن
ميثم بن يحيى ابو الحسن الميثمي اه اوّل ظهار كان في الأسلام
ظهار اوس بن صامت من المجادلة اوّل لعان كان في
الأسلام لعان هلال بن امية مع زوجته قال رسول الله
صلّى الله عليه و اله يا انس اوّل من يدخل عليك من هذا

الباب

الباب امیر المؤمنین و سید المسلمین و قائد غر المحجلین
و خاتم الوصیین قال انس کنت فی قسم اللهم اجعل
رجلا من الانصار اذا جاء علی علیه السلام فقال من هذا
یا انس فقلت علی علیه السلام فقام مسرورا و استبشرا
فاعتنقه و یمسح عرق وجهه بوجهه الخ فی مطالب السئول
قال رسول الله انا سید النبیین و علی سید الوصیین
وان اوصیائی بعدی اثنا عشر اولهم علی علیه السلام و آخرهم
قائمهم فی مودة القربی شافعی قال اول من خاصم من هذه
الامة بین یدی الرب تعالی علی علیه السلام و معویه
یعنی اول کسیکه خصومت از این امت در قیامت نزد خدا
تعالی نماید علی علیه السلام با معاویه میباشد در فردوس
الاخبار پیغمبر فرمود که امر امت بر میزان و قسط قائم است
تا قیام مرکه اول آنکس باشد که رخنه و خلل در
دین من بیندازد و از بنی امیه نامش یزید میگویند در
فردوس الاخبار اول کسیکه سنت کوفت بر ناحق بریزید
بدن امام حسین علیه السلام حصین بن نمیر ملعون
بود در مصائب النواصب شیخ عطار سنی متعصب در
مدح خلیفه اول گوید خواجه اول که اول یار اوست
ثانی اثنین اذهما فی الغار اوست علامه مجلسی رحمه الله
میفرماید که حق تعالی خلق کرد حوا را از زیادتی طینت

آدم بصورت او و خواب را بر او مستولی گردانیده بود
پس این را در خواب باو نمانند و این خواب اوّل خوابی بود
که در زمین دیدند پس بیدار شد و حوا را نزد سر خود دید
پس حق تعم وحی کرد که ای آدم کیست اینکه نزد تو نشسته است
گفت آنستکه در خواب بمن نمودی پس باو انس گرفت و
نیز در کتاب مذکور نقل شده که از سلمان فارسی رضه
منقول است که چون حق تعالی خلق کرد آدم را اوّل چیزی
که از او خلق کرد دیدهای او بود پس نظر میکرد بسوی بدنش
که چگونه مخلوق میشود و چون نزدیک شد که تمام شود
هنوز پاهایش تمام نشده بود خواست برخیزد نتوانست و
هذا حق تعم میفرماید اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ عَجُولًا و نیز در
همان کتاب از حضرت صادق علیه السّلام مرویستکه
اوّل کسیکه قیاس کرد شیطان بود قیاس کرد نفس خود
را با آدم گفت مرا از آتش خلق کردی و آدم را از خاک خلق
کردی اگر قیاس میکرد که آن جوهر پاکه روح آدم را از آن
مخلوق شده با آتش هر آینه نور و روشنیش بیش از آتش بود
قال رسول الله اوّل خلق الله یوم القیمة یکسی ابراهیم
یکسی ثوبین ابیضین ثم ابن جوزی قال یا علی اما علمت
انّه اوّل من یدعی به یوم القیمة انا فاقوم عن یمین العرش
و یساره و یلبسون حلة خضرآء من الجنة ثم یدعی بالنبیین

بعضهم على اثر بعض فيقومون سماطين على يمين العرش ويبا و
ويلبسون حللاً خضراء من الجنة وانّ امتى اوّل من يدعى يوم
القيمة للحساب ثمّ انت اوّل من يدعى بك لقرابتك منّى و
منزلتك عندى ويدفع اليك لوائى وهو لواء الحمد فى ابن
جوزى قال ابن عباس اوّل من شرى نفسه ابتغاء مرضات الله
علىّ بن ابيطالب ع ابن جوزى در خطبه امير المؤمنين ميفرمايد
اللّهمّ انّك تعلم انّى اوّل من اناب وسمع واجاب از عبد
الاوّل صوفى واو از علىّ بن محمّد بن بشران واو از حسين بن
صفوان واو از ابوبكر قرشى معروف بابن ابى الدّنيا؛ زائ
اوّل جناب جابر است جان فدايانكه اوّل زائر است
اوّل كسيكه از سادات رضويه بقم امد ابو جعفر
موسى بن محمّد بن [illegible] بن موسى الرّضا علیه السلام اوّل من بود در
سنهٔ دويست و پنجاه و شش اوّل الحناء من بنى امه [illegible] از كوفه
وپيوسته برقع بروى فرو [illegible] من اسلم من علماء اعراب قم
بدو پيغام فرستادند كه تورا از [illegible] المعيم
بيرون بايد كرد پس ابو جعفر [illegible] بن محمّد [illegible]
از قم بكاشان رفت و [illegible] و مشعشع در احوال
موسى مبرقع از مصنّفات [illegible] عمدة العلماء العاملين
قدوة الفقهاء الكاملين حافظ الشّريعه وفخر الشّيعه
ثالث مجلسين المبرّء من كلّ شين مولانا الجليل الحاج ميرزا

حسین النوری الطبرسی نوّر الله قلبه صاحب حقائق الاوائل
گوید اوّل چیزی که در وقت نزول آدم تناول فرمود جوز هندی
است واشاره بآن آیه اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً
كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِى السَّمَآءِ تُؤْتِىْ اُكُلَهَا كُلَّ حِيْنٍ
بِاِذْنِ رَبِّهَا وابن مردویه از عبد الله بن عبّاس روایت کند
که ابن عبّاس گفت در تفسیر تُؤْتِىْ اُكُلَهَا كُلَّ حِيْنٍ آن درخت
جوز هند است مؤلّف گوید جوز هان نارجیل معروف
است وآن درختی است شبیه بنخل خرما وبعد از هفت
او غرس آن گر گذشت ثمر خواهد داد ودرخ [illegible] نارج [illegible]
شبیه شیر است وبسیار خوش طعم [illegible] گو [illegible]
درخت نارجیل بصد سال است د [illegible] خوش [illegible] ناموس
گوید وفو [illegible] جل بن قرط الا [illegible] حابی لانّه
[illegible] ب از حضرت [illegible]
اوّل عر [illegible] یکه قیاس کرد شیطان [illegible] شمر لعین است اوّل من
کتب فی [illegible] گفت مرا از آتش خلق کرد [illegible] بن اصبغ بن محمّد القرطبی
اللغوی [illegible] ندلسی اوّل من نقّح علم الحکمة و
[illegible] ی الکیفل [illegible]
[illegible] بها وقرّر طلب اثبات المدّعی وطریق التوجیه
ارسطاطالیس تلمیذ افلاطون وکان قبله یاخذون الحکمة
تقلیدا ولذا یقال له المعلم الاوّل وهو اوّل من اسّس
اساس المنطق ووضع علمه وخالف استاده وابطل التناسخ
وهو اوّل من وضع علم المجسطی وعرّف حرکات الافلاک

وسیر الکواکب

وسير الكواكب بالبراهين الهندسية ووضع الأسطرلاب
والتقويم هو بطليموس الحكيم قال شارح رسالة ابن يدوف
بطليموس صاحب كتاب المجسطي الكبير في جغرافيا والاصطرلا
وكتاب اللحون الثمانية وغير ذالك وهو اول من شرح القول
على هيئات الفلك واخرج علم الهندسة من القوة الى
الفعل واكثر الرواة يقولون انه ثالث ملوك اليونان
بعد الأسكندر وبطليموس لقب ملوكهم وقال بعض محققي
التاريخ بل هو رجل حكيم كان في زمن احد ملوك الروم
بعد اليونان في كشكول السيد العالم المعاصر علي بن محمد
علي الحسيني الميبذي اليزدي سلمه الله ثم اول من وضع
علم الطلسمات هو بليناس الحكيم اول من وضع الشطرنج
ناموج بن هام بن يافث بن نوح عليه السلام اول من ابطل
الحد الشرعي هو الأول وقيل اول الخلفاء من بني امية
وهو معويه كما في ربيع الأبرار اول من اسلم من علماء الحكمة
والفلاسفة ابو نصر محمد بن احمد الفارابي الملقب بالمعلم
الثاني وهو اول من شرب الخمر واتبع الشهوات من الحكماء
قال علي بن ابي طلحه اول شيء اكله ادم ع حين هبط الى الأرض
الكمثرى في سبحة المرجان اقول قال صاحب حسن الوسائل
اول ما اكل ادم ع من ثمار الارض حين اهبط النبق واقول
لا يخفى على الطبع السليم اذ لا منافاة بين الاثنين لان ك

في اوليته اكله من ثمار الارض بخلاف الأوّل والسّبق
ثم التبدو اوّل کسیکه مدفون شد در خاك نجف خباب
بن الأرت بود از اصحاب رسول خدا على عليه السّلام در
غزوات رسول خدا مانند بدر واحد حاضر بود و در غزوهٔ
صفّين ونهروان موّرخين معتقدند در ركاب امير المؤمنين
حاضر بوده و چند سال در کوفه اقامت کرده و در انجا وفات
فرمود في الخبر صلّى عليه علي عليه السّلام و وقف على قبره
وقال رحم الله خبابا اسلم راغبا وهاجر طائعا وعاش
مجاهدا وابتلى في جسمه احوالا ولا يضيع الله اجر من احسن
عملا و شيخ ابو على صاحب منتهى المقال و ديگران از ارباب
رجال در كتب رجاليّه مرقوم داشته اند اوّل کسیکه میثاق
گرفت از مردم برای دیگری اوّل بود که بجهة ثانی گرفت
اوّل کسیکه در عالم شعر گفت آدم صفي الله بود و سبب
ان بود که چون بفرمان ربّ الأرباب ان مظهر پاك بر
عالم خاك نزول فرمود ظلمت این زندان فانی بچشمش ناخوش
نمود کرد عالم بلا متحیّر دید و ربّنا ظلمنا گویان جویان
عفو کریم میبود و بعد از خلعت غفران بدیدار زوج و
بعد از ان بقدوم اولاد کرام تسلّی شد در ان حال هابیل
مظلوم را قابیل مشئوم بکشت و ادم را باز غربت و ندامت
تازه شد در ان حال بقتل هابیل و ندامت دنیا ادم

خباب [illegible]

در مرثیه

در مرثیه فرزند شعر گفت وشیخ ابو علی مسکویه معاصر شیخ الرئیس بوعلی سینا در کتاب اداب العرب والفرس این قصیده را بدین منوال بیان میفرماید که قال الحسین بن علی علیهما السلام کان ابی علیه السلام بالکوفة فی الجامع اذ قام رجل من اهل الشام فقال یا امیر المؤمنین انی اسئلک عن اول من قال الشعر فقال علیه السلام آدم علیه السلام قال وما کان شعره قال علیه السلام لما انزل من السماء فی الارض فرای تربتها وسعتها وهواها وقتل قابیل هابیل فقال علیه السلام

تغیرت البلاد ومن علیها فوجه الارض مغبر قبیح
تغیر کل ذی لون وطعم وقل بشاشة وجه الملیح
فوا اسفا علی هابیل ابنی قتیل قد تضمنه الضریح
وجاورنا عدو لیس یفنی لعین لا یموت فنستریح

فاجابه ابلیس علیه اللعنه

تنوح علی البلاد وساکنیها
وفی الفردوس ضاق بک الفسیح وکنت بها وزوجک فی قرار
وقلبک من اذی الدنیا مریح فلم تنفک من کیدی ومکری
الی ان فاتک الخیر الربیح فلولا رحمة الجبار اضحی
یکفیک من جنان الخلد ریح

اول فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النساء وعن النبی انه قال اول قریش هلاکا اهل بیتی اخرجه الطبرانی عن عمرو بن العاص اول من یکسی حلة من النار ابلیس اول من یستظل فی ظل العرش

رجل انظر مسرا ولحاعنه اوّل حیضی که از زن سؤال نمایند
در روز قیامت از نماز اوست و بعد از شوهرش وقتیکه
مرض جدری که ابله باشد ظاهر گشت عذاب الهی بود
بر قوم فرعون از آن عهد الی حال باقی است و نیست تنی
که ابله بیرون نیاورد اگرچه بیصد سال عمر باشد
اوّل زمانیکه اختراع ابله کوبی شد سنه احدی عشره
ومأتین بعد الالف اوّل سکّهٔ که در اسلام زده شد
در سال هفتاد و پنج هجری بود و قبل از آن بر دینار بخطّ
رومی نقش می‌شد و بر درهم بخطّ فارسی بوده اوّل وقتی
که ظاهر شد شرب تتن و تنباک و اساس شطب و قلیان
در سال هزار و دوازده هجری بود و در همان سال شاه
عبّاس صفوی اوّل در بلاد آذربایجان استیلا یافت
اوّل کسیکه علم باروت ساختن را و صنع قونبوه در میان
نهاد یکی از علمای فلاسفه اسکندریّه مصر بود در سال
چهلم هجری و در همان سال معویه بر سریر شاهی در شام
مستقر گشت شیخ ابوبکر شیرازی گوید اوّل کسیکه از حب
احد بکر بخیت عثمان بود در کامل البهائی اوّل زمانی
که استعمال انفیه شیوع یافت در اسلامبول در سال
هزار و پنجاه هجری بود اوّل من اخترع الخطّ البدیع الذی
یعرف ایضا بخطّ النسخ بعد ما کان المدار علی الخطّ الکوفی

هو الشيخ محمد بن على بن مقلة الوزير فى عصر المتوكل العباسى
وما بعده ثم اخذ فى تجويده وتنقيحه ياقوت المستعصمى الذى
هو من اقران العلقمى الوزير رايت صحيفة السجادية بخطه الشريف
عند جناب العالم الفاضل الكامل الاديب الاريب المعاصر
الشيخ على الخراسانى الحائرى الموطن الملقب بشيخ الرئيس دام
فضله اول من انتقل النسخ الى خط النسخ التعليقى هو المير
على استاد المير عماد الحسينى المشهور الذى كان فى عصر السلطان
شاه عباس الموسوى الثانى اول من خط المكسر هو المولى شفيعا
الاصفهانى اول من ابدع التصوف هو ابو هاشم الكوفى اول
من حلق راسه هو ابونا آدم الصفى عليه السلام اول حكيم
لازم ارباب الحكام هو ابو على الرئيس وهو اول من كتب فى
تسخير الجن على ما هو الظاهر ابو الفضل محمد بن احمد الطبسى
صاحب كتاب الشامل وهو كتاب كبير مبسوط رايت نسخة
منه فى سنة سابع وثلثمائة بعد الالف فى بيت احد الفضلاء
البصرة وكان هذا الشيخ معاصرا للشيخ ابو حامد الغزالى اول
من كتب فى الملل والنحل المختلفة محمد الشهرستانى وكتابه
المذكور طبع فى بلدة مصر وايران وهو الآن مشهور بين الخاص
والعام اول من خط بالعربى هو مرامر بن مرة الانبارى
واول من نقل الخط الكوفى من الحيرة الى الحجاز هو حرب بن
امية اول ما يوضع فى الميزان الخلق الحسن عن ام الدرداء

مرفوعاً اوّل ما یوضع فی میزان العبد نفقته علی اهله
اوّل ما یتکلّم من الآدمی فخذه وکفه اوّل من یدخل الجنّة
التّاجر الصدوق عن ابی ذرّ مرفوعاً اوّل طعام یأکله اهل
الجنّة زیادة کبد الحوت اوّل زمانیکه وضع کرده شد تاریخ
فرستیه در سنه ۳۳ هجری بود وابتداء تاریخ جلالی که معمول
علیه منجّمان عصر است سنه ۴۷۱ بود وابتدای تاریخ ایلخانی
در سنه ۷۰۱ بود اوّل زمانیکه روزنامه نویسی مخترع گشت
که بنویسند وباطراف جهان روانه دارند واخبار عالم
را بیکدیگر رسانند در ممالک اروپا در سال احدی وخمسین
بعد الالف اوّل زمانیکه تلغراف مخترع شد وشیوع یافت
سنه ست ومأتین بعد الالف بود اوّل زمانیکه کاغذ
مخترع شد در مملکت ختا در سال صد بعد از ولادت
عیسی ع بن مریم در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه شراب
انکور ساخته شد در مملکت جومانیا در زمان دولت
پادشاه رومه سیصد سال بعد از ولادت مسیح بن مریم
در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه کاغذ از پنبه ساخته
شد در سمرقند سنه ثمان وعشرین هجری بود اوّل زمانی
که کاغذ را از چوب ساختند جماعت اعراب بودند در
سنه تسع وثمانین من الهجرة در تاریخ جهان شاهی اوّل
زنیکه از لشکر امام حسین ع کشته شد زوجه وهب بن

عبد الله کلبی بود چون دید شوهرش مشغول جدال با شرار
است عمود بدست خود گرفت و بجای شوهر جوانش آمد و میگفت
فداك ابی و امّی قاتل دون الطیّبین حرم رسول الله و
چون شوهرش با دست بریده کشته شد زن ببالینش آمد
و خون از روی او پاك میکرد و شمر اشاره بغلام خود غلام
عمود آهنی بسر او بزد که سر آن زن شکافته شد و شهید
گشت و بعد از آن مادر وهب بمجادله قدم نهاد پس از
آنکه بروایت بحار سر فرزند را برداشت و بعد از آن
بسوی لشکر پسر سعد انداخت و یکنفر را بان کشت پس
عمود خیمه برداشت بران گروه حمله کرد و دو نفر را کشت
امام علیه السّلام فرمود ارجعی یا امّ وهب انت وابنك
مع رسول الله فانّ الجهاد مرفوع عن النّساء اوّل کسیکه
احمد نامیده شد خاتم رسل محمّد مصطفی صلّی الله علیه و
آله بود درخت بادنجان اوّل درختیست که شهادت
بربوبیّت ربّ و نبوّت نبی و امامت ائمّه اطهار کرد در
سماء العالم اوّل کسیکه یوسف نامیده شد یوسف بن
یعقوب ع بود در خبر است که چون خداوند صورت
انبیاء را بر آدم ع نمود وی ایشانرا دید در آسمان ششم
یوسف را با تاج و جلال چنانچه در اخبار رسیده دید
عرض کرد خدایا این کیست ندا رسید که یکی از اولاد تو ا

که برهمان براو حسد برند بجهة انچه باو عطا نمایم
عرض کرد آن چه باشد ندا رسید خطی از حسن آدم او را
دربر گرفت فرمود لا تاسف یا بنیّ وانت یوسف فی زبدة
التصانیف مولانا حسید را اوّل مولودیکه دراسلام
بدنیا امد عبدالله بن زبیر بود اوّل کسیکه مرثیه
گفت برای امام حسین علیه السّلام بحار بود اوّل
کتابیکه در شرح مزجی از امامیه نوشته شد شرح فصول
خواجه است نسخه از آن دیده شد اوّل اذانی که بلال
گفت برکوه ابو قبیس بود در فتح مکّه اوّل خداوند ملائکه
میثاق گرفت واوّل کسی که بلی گفت حجرالاسود بود از ائمّه
طاهرین روایت شده که خداوند وقتیکه اخذ میثاق
کرد بربوبیت خود ونبوّت محمّد مصطفی صلّی الله علیه واله
وبوصایت علی علیه السّلام تمام ملائکه صوامع جبروت
وباریافتگان عالم ملکوت بلرزه افتادند اوّل کسیکه
از ملائکه سرعت نمود باقرار باین میثاق حجرالأسود بود
واز این جهة خدا او را اختیار کرد ومیثاق را بدهن او سپرد
وحجرالأسود بیاید در روز قیامت وبرای او باشد لسان
ناطق وعین ناظر وشهادت دهد برای هرکس که بامکان
امده ومیثاق را حفظ نمود وحجر را از بهشت بیرون اورد
تا اینکه آدم متذکّر شود انچه را که فراموش کرده از عهد

وميثاق او در وسائل وانوار النعمانيه سيد جزائرى اول
رايتيكه از كوفه برپا شد در خلافت امير المؤمنين عليه السلام
رايه ربيع بن خثيم بود اول خطبه كه پيغمبر براى مسلمين فرمود
در سال اول هجرت بود در منتظم ناصرى اول جزيه كه عجم
در اسلام مصالحه اهل حيره با خالد به نه هزار درهم
در سنه يازده هجرى در منتظم اول سراپرده كه در منى
زده شد سراپرده عثمان بود كه در سال ۲۹ حج كرد در منتظم
اول مقصوره كه در مدينه ساخته شد مقصوره مروان
بن حكم بود در منتظم اول كلمه كه امير المؤمنين عليه السلام
فرمود در نهج البلاغه فى بدء اول كلمه كه ذكريا گفت در
وقتيكه منشار بر سرش نهادند اين بود الحمد لله الواحد
الاحد الصمد فى تاريخ وقتيكه آدم ع هبوط بزمين نمود
اول كلمه بزبان سريانى گفت فارسيش اينست شكر توانا
راكه از عالم نور بنده خاكى خود را بعالم خاك رسانيد
در تاريخ وقيل ان اول من تكلم بالعربية آدم عليه السلام
فى الجنة فى حل المشكلات فى المسائل المهمات اول
من لقب بالصاحب من الوزراء اسمعيل بن عباد فى
تاريخ ابو الفداء اول من تنصر ملوك الروم هو شاپور
ذى الاكتاف فى ابن اثير اول من بنا القبة على الفاطمة
زينب سلام الله عليها بنت امام الجواد ع اول من اتخذ

له النعش فاطمه علیها السلام الله اوّل من اتخذ الرایات الخلیل اوّل من
رمی فی سبیل الله سعد بن ابی وقاص اوّل من کاتب لقمان الحکیم
فی جعفریات اوّل شهید فی الاسلام مهجع فی جعفریات اوّل مولود فی الا
عبد الله بن زبیر فی جعفریات اوّل من دفن فی البقیع اسعد
بن زراره فی جعفریات اوّل من ارتبط الفرس فی سبیل الله
المقداد فی جعفریات اوّل من سمّی محمد نبیّنا صلی الله علیه
واله فی جعفریات اوّل من سجد لله شکرا امیر المؤمنین
علیه السّلام لیلة المبیت واخره لسلامة نفسه الشّریف
فی جعفریات اوّل من تجلّی له الحقّ بهویّته الذّاتیّة السّاریه
فی المظاهر الکونیّة کلّها واوّل من خلع الله علیه صفاته
النّبوتیّة الحقیقیّة من اولاد ادم علیه السّلام بعد الفنا
فیه والبقاء به ابراهیم الخلیل علیه السّلام در فناسخ
امده فیثاغورس اوّل کسیکه رد بر اقوال دهریون
وطبیعیون از امیر المؤمنین است که خداوند عرضه دا
ولایت مرا بر طیور اوّل کسیکه از انها قبول کرد باز سفید
وقبّره که نوعی است از عصافیر در نفائس الاخبار در
خبر در سماء والعالم مجلّد بحار روایت کرده قبّره مرغی
است که هدیه برای حضرت سلیمان اورد هدیه او را
قبول کرد ودست بر سر او کشید واز برای ایشان دعا
کرد واز اثر دست انجناب کاکل بر سر انها روئیده شد

مولا

مؤلف گوید مناسب این خبر ابیات اشعار دیده شد

جاءت سلیمان یوم العید قبّرة / اتت بفخذ جراد کان فی فیها
ترنّمت بفصیح القول واعتذرت / انّ الهدایا علی مقدار مهدیها

و نیز بفارسی انشاد شده بجهت تحفه بجانب بزرگان

لایق نبود قطره بعمّان بردن / خار و خس صحرا بگلستان بردن
امّا چکنم که رسم موران باشد / پای ملخی نزد سلیمان بردن

و ایضاً علی علیه السّلام فرمود که اوّل مرغیکه از آنها انکار
نمود بوم و عنقا بودند امّا بوم از صفت او اینست که در روز
ظاهر نمیشود بجهت عداوت سائر طیور با او و امّا عنقا پس
او میان دریا پنهان می شود اوّل کسیکه در عقاید
حقّه امامیّه تصنیف نمود شیخ جلیل خواجه نصیر الملّة
والدّین محمّد بن الحسن الطّوسی بود کتاب تجرید در معرفة
و توحید نام نهاده یقول صاحب کافی الکفات فی مدح
علی علیه السّلام هاله حالة هرون لموسی فافهما
اعلی حبّ علیّ لامن القوم سفاها اوّل النّاس صلوة
جعل التّقوی حلاها ردّت الشّمس علیه بعد ما غاب سناها
در ذکر فاطمه بنت اسد ابن جوزی گوید قال اهل السّیر
اوّل هاشمیّة ولدت خلیفة هاشمیّة ولا یعرف خلیفة
ابواها هاشمیّان سوی امیر المؤمنین علیه السّلام وهی اوّل
امرأة هاجرت عن مکّة الی المدینة ماشیة حافیة وهی

اوّل امراة بايعت رسول الله صلى الله عليه و اله وسلم بمكه
بعد خديجه فى تذكرة خواص الامة اوّل من اسلم من الصبيان
على عليه السّلام فى ابن جوزى اوّل من قال فما عدا فيما بدا
هو امير المؤمنين على عليه السّلام قال العالم الفاضل
النّبيه العلّامة النّورى نوّر الله قلبه اوّل من سنّ القتل
والظّلم هو قابيل بن ادم اوّل من ينتصر من ال نصر بن
ربيعه و هو بهرام بن هرمز بن سابور فى ابن اثير اوّل
شجرة غرست فى الارض العوسجه و منها عصاء موسى فى
حيوة القلوب اوّل من اخترع البديع و سمّاه بهذا التّسمية
عبد الله بن المعتزّ العبّاسى قال فى صدر كتابه و ما جمع
قبلى فنون البديع احد و لا سبقنى الى تاليفه مؤلّف و
الّفته فى سنة اربع و سبعين و مأتين فمن احبّ ان يقتدى
بنا و يقتصر على هذه فليفعل و من اضاف من هذه المحاسن
او غيرها شيئا الى البديع و ارتاى غير رأينا فله اختياره
قال السّيّد على خان فى انوار الرّبيع كنت اظنّ انّ اوّل
من نظم انواع البديع على هذا الاسلوب البديع فضمّن
كلّ بيت نوعا و القاد له شموس هذا المرام طوعا هو الشيخ
صفى الدّين الحلّى رة اوّل من انتقل الى مكّة المشرّفة من شيراز
السّيّد محمّد معصوم بن على بن نظام الدّين احمد بن محمّد
معصوم بن احمد نظام الدّين بن ابراهيم شرف الملّة بن محمّد

[illegible]

صدر الدّین بن اسحق عزّ الدّین بن علی ضیاء الدّین بن عربشاه
فخر الدّین بن امیر عزّ الدّین ابی المکارم بن امیر خطیر الدّین
بن الحسن شرف الدّین ابی علی بن الحسین ابی جعفر العریضی
بن علی ابا سعید الحبیشی ابن زید الأعثم ابی ابراهیم بن علی
ابی شجاع الزّاهد بن محمّد ابی جعفر بن علی بن الحسین بن جعفر
ابی عبدالله بن احمد نصیر الدّین السّکین النّقیب ابن جعفر
ابی عبدالله الشّاعر بن محمّد ابی جعفر بن محمّد بن زید الشّهید
بن علیّ بن الحسین بن علیّ بن ابی طالب فی القاموس والهالکی
الحدّاد والصّیقل لأنّه اوّل عمل الحدادة الهالک بن اسد بن
قاموس اوّل کسیکه کلمهٔ امّا بعد گفت داود نبی است یا کعب
بن لوی اوّل لوائی که در اسلام بسته شد لوائی بود سفید
که برای حمزه رسول خدا ص بست و مامور نمود بسریّه قریش
در منتظم ناصری اوّل کسیکه خانه کعبه را جامه پوشانید
تبّع یمن اسعد ابو حرب حمیری بود و او معاصر کورش ثانی بود
در تاریخ نزهة القلوب حمدالله مستوفی از الحوریاحی اوّل
نفاق مسلمین در حفر خندق و نازل شدن آیه اِذْ یَقُولُ
الْمُنَافِقُونَ الخ در سنه پنج هجری فی منتظم و اوّل قضای نماز
عصر که با نماز عشای شب خوانده شد فی منتظم اوّل سالی
که منبر برای وعظ و خطبه ساخته شد در سال هفت هجری
بود در منتظم ناصری اوّل بشارتی که بعد از وفات حضرت

رسول صم بمسلمین رسید خبر قتل ذوالخمار سهلة بن کعب بن عوف بود فی منتظم اوّل کسیکه امر فرمود هر دو تن بر سر یک ظرف طعام بنشینند حضرت یوسف علی نبیّنا واله وعلیه السّلام بود چه در تواریخ آمده یازده برادر او چون بر سفرهٔ ضیافت نشستند وهر دو تن بر سر یک ظرف طعام بن یامین تنها بماند حضرت یوسف علیه السّلام که با بنیامین از یک مادر بودند بر سر ظرف طعام در جنب او بنشست اوّل کسیکه بال و پر ترتیب داد و بهوا طیران نمود ارسطاطالیس حکیم بود واکنون ارباب صنایع فرنگ ساختهاند اوّل ظهاریکه در اسلام واقع شد قصّهٔ اوس بن صامت است با زوجه اش خوله بنت خویلد یا بنت ثعلبه واین قصّه چنانستکه اوس خواست وقتی با او نزدیکی کند زن قبول نمیکرد اوس در غضب شد گفت بزن خود انت علیّ کظهر امّی تو بر من چون پشت مادر منی واین طلاق جاهلیّت بوده پس نادم شد اوس بزن گفت گمان نمیکنم که تو حلال باشی از برای من پس گفت برو از پیغمبر صلّی الله علیه واله سؤال کن زن بخدمت پیغمبر آمد وحکایت خود را عرض کرد رسول خدا فرمود تو حرامی بر او زن صیحه زد وناله کشید وعرض کرد بار پروردگارا بفرست بر زبان پیغمبر خود چیزی را عایشه سر پیغمبر را شست وشوی

داد دران حال وحی امد و ایهٔ ظهار قد سمع الله قول التی تجادلک فی زوجها نازل شد رسول طلبید اوس را پس فرمود می توانی آزاد کنی غلامی را عرض کرد قوّه ندارم فرمود دو ماه پی در پی روزه بدار عرض کرد من پیر و ناتوانم اگر روزی سه مرتبه طعام نخورم بینائی من تمام میشود فرمود میتوانی شصت مسکین طعام بدهی عرض کرد نه حضرت فرمود اعانت کنم ترا بپانزده صاع عرض کرد خدا و رسول میداند که افقر از من در میان مکّه و مدینه نیست فضحک رسول الله و قال اذهب الی اهلک اوس خوش دل شد اوّل زمانیکه چاپ مخترع گشت سنه اربع و خمسین و ثمانمائة بود اوّل زمانیکه باسمه سنگی مخترع گشت سنه هزار و دویست و ده هجری بود اوّل زمانیکه قند از چغندر ساختند سنه اثنا عشر و مأتین بعد الالف بود و در این سال سلطان عادل خاقان مغفور جلوس نموده و آقا سیّد مهدی بحر العلوم طباطبائی وفات نموده و آقا سیّد مرتضی واعظ جدّ مؤلّف این رساله تولّد یافته اوّل کسیکه بخندق کندن و نقّاره زدن صبح و شام اشارت کرد منوچهر بوده در حبیب السّیر افسطوس کرد در سلک حکّام فرنگ انتظام داشت رایت استقلال بر افراشت و افسطوس در حبیب السّیر اوّل پادشاهیکه

اورا قیصر خوانند بتقریب آنکه وقتیکه متولد میشد
مادرش فوت شد شکم مادرش را شکافتند اورا بیرون
آوردند مثل این مولود را در فرنکستان قیصر گفتند وچون
بزرگ شد وجهانبانی رسید بهمان نام قیصر میخواندند و
تمامی ممالک روم وشام ومصر بحیز تصرف وتسخیر او درآمد
در حبیب السیر والبربر جیل من الناس یقال اوّل من سمّاهم
بهذا الاسم افریقیس الملک لمّا ملک بلاد و قد جاء فی الحدیث
الباء فی اهل بربر فی مجمع البحرین هذا ما ناجی به امیر المؤمنین
علیه السلام عند قبر النبی صلی الله علیه وآله اللهم هذا
اوّل العدد وصاحب الابد ونورک الذی قهرت به
غواسق العدم وبواسق الظلم وجعلته منک ولک والیک
وعلیک دلیلاً روحه نسخة الاحدیّة فی اللاهوت
وجسده صورة معانی الملک والملکوت وقلبه خزانة
الحیّ الذی لا یموت طاوس الکبریاء وحمام الجبروت تبیین
قال علی علیه السلام انه صلی الله علیه وآله اوّل العدد
وهذا لانّه کان صلی الله علیه وآله اوّل ما خلق الله وما
کان قبله موجود سوی الباری تعالی وهو الاوّل بلا
آخر ولکنّه لیس من قبیل الاعداد ولا یطلق علیه انّه عدد
کما قال به اهل الحساب لانّه تعالی واحد والواحد علی
الاصحّ لیس عددا فعلی هذا اوّل العدد هو النبیّ صلی الله

فی اللغة
بقر بطن
ومعنی الروم
[illegible]
فی القاموس
شق بطن امه

علی

علیه و اله اذ هو ثانی الموجودات و اوّل الممکنات و ثانی الواحد
عدد بلا اختلاف و هیهنا زیادة الکلام لتوضیح المرام خداوند
منّان عزّ شانه در کلام مجید در چند محل ذکر اوّل میفرماید
در سورهٔ ال عمران میفرماید اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُّضِعَ لِلنَّاسِ
لَلَّذِیْ بِبَکَّةَ مُبٰرَکًا وَّهُدًی لِّلْعٰلَمِیْنَ و در سورهٔ انعام
میفرماید قُلْ اِنِّیْ اُمِرْتُ اَنْ اَکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ الخ و نیز
در همین سوره میفرماید وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰی کَمَا خَلَقْنٰکُمْ
اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ و نیز در همین سوره می فرماید وَنُقَلِّبُ اَفْئِدَتَهُمْ
وَاَبْصَارَهُمْ کَمَا لَمْ یُؤْمِنُوْا بِهٖ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّنَذَرُهُمْ فِیْ طُغْیَانِهِمْ یَعْمَهُوْنَ
و نیز در همین سوره میفرماید لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ
لَهٗ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِیْنَ و در سورهٔ اعراف
میفرماید فَلَمَّا اَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَکَ تُبْتُ اِلَیْکَ وَاَنَا اَوَّلُ
الْمُؤْمِنِیْنَ و در سورهٔ توبه می فرماید اَلَا تُقَاتِلُوْنَ قَوْمًا
نَّکَثُوْا اَیْمَانَهُمْ وَهَمُّوْا بِاِخْرَاجِ الرَّسُوْلِ وَهُمْ بَدَءُوْکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ
الخ و نیز در همین سوره می فرماید اِنَّکُمْ رَضِیْتُمْ بِالْقُعُوْدِ
اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوْا مَعَ الْخٰلِفِیْنَ و نیز در همین سوره میفرماید
لَا تَقُمْ فِیْهِ اَبَدًا لَمَسْجِدٌ اُسِّسَ عَلَی التَّقْوٰی مِنْ اَوَّلِ یَوْمٍ الخ
و در سورهٔ کهف می فرماید لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا کَمَا خَلَقْنٰکُمْ
اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ و در سورهٔ طه می فرماید قَالُوْا یٰمُوْسٰی
اِمَّا اَنْ تُلْقِیَ وَاِمَّا اَنْ نَّکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقٰی و در سورهٔ

انبیاء میفرماید یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب
کما بدأنا اول خلق الخ ودر سورهٔ شعرا می فرماید انا
نطمع ان یغفر لنا خطایانا ان کنا اول المؤمنین ودر سورهٔ
یس می فرماید قل یحییها الذی انشأها اول مرة الخ ودر
سورهٔ زمر میفرماید قل انی امرت ان اعبد الله مخلصا
له الدین وامرت لان اکون اول المسلمین ودر سورهٔ حم
سجده که فصلت باشد می فرماید وهو خلقکم اول مرة
والیه ترجعون ودر سورهٔ زخرف میفرماید قل ان کان
للرحمن ولد فانا اول العابدین مؤلف گوید دانایان
دانند که در قران مجید لفظ اول بسیار است ولجهة
تیمن وتبرک بهمین چند ایه اکتفا نمودیم اول خطبه که رسول
خدا صلی الله علیه واله خواند در قبا بود چون پیغمبر
ساز مدینه کرد در روز جمعه از قبا بیرون شد وبر شتر
خویش بنشست چون بقبیله بنی سالم ابن عوف رسید
هنگام نماز جمعه در امد وایشان قبل از ورود پیغمبر
مسجدی از بهر خود بنا کرده بودند پس ان حضرت از ناقه
بزیر امد ودر انجا رفت وخطبه ادا فرمود بسم الله الرحمن
الرحیم الحمد لله احمده واستعینه واستغفره واستهدیه
واومن به ولا اکفره واعادی من یکفره واشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

ارسله

وارسله بالهدی والنور والموعظة علی فترة من الرسل
الخ وتمام این خطبه در کتب اخبار شیعه واهل سنّت در قصه
هجرت مرقوم واشتر اند واین خطبه در اتفاقا در جمعه مقرّر افتاد
وان اوّل خطبه ونماز جمعه بود که در آن اراضی بپای رفت
قال السیّد علی خان فی سلوة الغریب اوّل من انتقل من
اجدادنا الی شیراز المحروسه علیّا ابا سعید الحسینی قال
علی علیه السّلام ما لابن آدم والفخر اوّل نطفة واخر جیفة
فی نهج البلاغة ونیز امیر المؤمنین علیه السّلام می فرماید
الحمد لله الأوّل قبل کلّ اوّل والآخر بعد کلّ اخر باوّلیّته
وجب انّ الاوّل له وباخریّته وجب ان لا اخر له فی نهج
البلاغة اوّل شهری که بخوزستان بعد از طوفان نوح بنا شد
شوشتر است در فرهنگ انجمن آرای ناصری اوّل حکم
عمر عزل نمودن خالد بن ولید ونصب ابو عبیدهٔ جرّاح
بود در منتظم اوّل صلوة جمعه که در عراق بجای آورده
شد در ماه صفر سنه شانزده هجری بود در روز جمعه
صلوة فتح بود که سعد بن وقّاص در ایوان کسری بجا اورد
اوّل شیاع علم کیمیا در میان اعراب در سال صد و
بیست ویک هجری بود اوّل شخص از خلفای علویین ابو
محمّد عبد الله بن محمّد العلوی بود فی منتظم ناصری تالیف
اعتماد السلطنة زید عزّه اوّل کسیکه بوق ساخت نمرود

بود در مجالس المتقین شهید امده در قصه ابراهیم که
خواست از خدا عذابی بجهة نمرود وقومش خداوند پشه
فرستاد بروایتی ان قدر پشه امد که مردی واحد هزار
پشه گرد امد از خوردن وخفتن ونشستن وایستادن
ماندند متحیرانه عاجز وهلاك می شدند حتی پشه ها
همه لباسها وگوشتهای ایشان وزین واسباب اسبان
بجوردی نمرود گفت خانه از مس بجهة او ساختند
که هیچ شکاف نبود در او مگر یك سوراخ بسیار تنك
همان قدر که نفس بیرون اید حق تعالی پشه فرستاد
تا از ان شکاف داخل شد اما از تنگی سوراخ یك پر
او هم شکست ودر بینی نمرود رفت تا مغز او رسید
بروایتی تا سیزده شبانه روز مغز سر او بخورد نمرود بی
طاقت شد امر کرد تا بوقها ساختند ومیزدند تا
او از بوق بودی ساعتی ارام بودی گویند اوّل بنای
بوق نمرود نهاد مؤلف گوید توجیه این بوق بر سه وجه
است یا بوق سلاطین است که او را کرنا خوانند یا بوق
درویش وقلندران وقلاشان است یا بوق حمامی
است که بجهة اخبار مردمان زده می شود یا بلوق حکیم اوّل
من وضع الفونوغرافیا رجل فرانساوی اسمه شارل وهل
انکلیسی اسمه داف واول فی در المکنون فی الصنایع والفنون

اوکیا

اوّل ما عمل الشمع فی الهند واستحضر وضع منه فی بلاد البندقیة
ثمّ فی البورتوغال ثمّ فی اسپانیا ومن هناک امتدّت معرفة
عمله الی فرنسا فی کتاب درّ المکنون اوّل کسیکه در ممالک
ایتالیا لوای حکمت برافراشت ودر نشر علوم وثبت حکم
پرداخت وهنوز در آن ملک قانون دولتی وبنای سلطنتی
نبود در ناسخ التواریخ اوّل خون هوکای بانک نخستین اسلاف
اوّل سلاطین چین است در ناسخ التواریخ از دختر حضرت
خاقان مغفور حاجیه شمس الدوله اوّل کسیکه از این
سلسله رجال ونساء مجاورت عتبات اختیار نمود در تاریخ
خاقانی از بنات سلطان احمد میرزا عضد الدوله
اوّل وقتیکه استعمال باروت شیوع یافت در سنه
ششصد وهشتاد وشش بود اوائل ظهور دولت عثمانیه
اوّل زمانیکه توپ ساختند در سنه هفتصد وشصت
هجری بود در سلطنت امیر تیمور خاتمة الکتاب ابوذر گفت
انّ رسول الله قال لعلیّ اوّل من امن بی واوّل من یصافحنی یوم
القیمة بدرستیکه رسول گفت علی است اوّل کسیکه ایمان آورد
بمن واوّل کسیکه در روز قیامت مصافحه کند با من در کامل
السقیفة البهائی در نکت الفصول عجلی آمده که فاطمه را رسول
بشارت داده که اوّل کسیکه بمن رسد از اقربای من توئی یا
فاطمه اوّل بنو هاشمی بود که متوفی شد در کامل البهائی مذکور

در مدح امیر المؤمنین علی علیه السّلام میگوید   نقد آن گنج
علم بی پایان   نیست دیگر بجز علی اعلا کو حکیم است و عالم اشیا
اوّل حق بود بلا اوّل   آخر حق بود بلا آخر   و در جای دیگر گوید
اوّل آخر او بود در دین   ظاهر و باطن او بود بخدا   بنام اوّل
الائمه ختم شد بر ارباب فضل مخفی نماناد که در جمع این رساله
ترتیب ملحوظ نبوده الحمد لله و له المنّه که آنچه مکنون خاطر بود
بیاری اجداد طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در حیّز تحریر
در آورده و بر صفحه ظهور جلوه گر خواهد بود   شکر ایزد که بتوفیق
حق تعالی   ختم شد این نامه در قرب سه سال   حالتی خواهیم
ما از روی حال   لیک باید یک نظر از ذو الجلال   تا شود مقبول
طبع خاص و عام   للنبی منّا تحیّت و السّلام   الحمد للملهم
الرّائز   که آمد بمبارکی بآخر   پیوست بخوشترین زمانی انجام
در عام هزار و سیصد و هشت اتمام   الحمد لله اولا و آخرا و
باطنا و ظاهرا و صلی الله علی محمّد و اهل بیته الطّاهرین
و قد تمّت هذه الرّساله الشریفه فی اخبار الاوائل مع
تردّد البال و کثرة الاشتغال فی السّنة الثامنة من المائة الرابعة
بعد الالف من الهجرة النبویّه فی کربلاء المعلّی علی مشرّفها
الاف التحیّة و الثناء حامدا مصلّیا مستغفرا و
کتبه بیمناه الداثره الخاطئة العبد الملتجی الی الله
محمّد الطباطبائی البروجردی الحائری
عفی عنه

## بسم الله الرحمن الرحيم

تقريظ جناب عمدة العلماء العاملين قدوة الفقهاء الكاملين
العالم البارع والبحر الواسع والمحقق العلامة والمدقق الفهامة
المحدث الفقيه المتتبع النبيه حاوى الفروع والأصول جامع
المعقول والمنقول محقق الحقائق مدقق الدقائق مصباح
الهدى مفتاح الدجى سمى ثانى السبطين مولانا الحاج ميرزا
حسين النورى الطبرسى نور الله قلبه ومتع الله المسلمين بطول بقا

## بسم الله الرحمن الرحيم

لله در السيد السند والحبر المعتمد جامع فنون الفضائل و
حاوى صنوف المعالى والفواضل وماحى مساوى الأخلاق
والرذائل النقاد البصير والمضطلع الخبير علم السادة ومعدن الفضا
والسعادة الأمجد المؤيد جمال الدين السيد محمد بلغه الله
تعالى ما يتمناه فقد احسن واجاد فى هذا التأليف الشريف
واغرب وافاد فى هذا المجمع المنيف اللطيف واودع فيه من
شوارد الآثار ما تشتهيه الأنفس وتلذ الابصار واجمع
فيه من نوادر الأخبار ما تروح به قلوب الأخيار فجزاه الله
عن السلف الصالحين والخلف الباقين خير جزاء المحسنين
والحمد لله وصلواته على خير خلقه محمد وآله الطاهرين كتبه
بيمناه الداثرة العبد المذنب حسين بن محمد تقى النورى الطبرسى

تقریظ منظوم از جناب مستطاب خاتم الفضلاء و زبدة الأدباء قدوة الأزکیاء عین الفضل و بحر الأدب و کشّاف معضلات من لغات العجم والعرب الفاضل الجلیل العالم النّبیل الأدیب الأریب الشاعر الماهر المعاصر آقا شیخ علی الخراسانی الأصل الحائری الموطن الملقّب بشیخ الرّئیس ادام الله افضاله

بسم الله الرحمن الرحیم

قطعه در تقریظ کتاب مستطاب از شکسته خامه و طبع افسرده این محبّ حقیقی و مشفق صمیمی شیخ الرّئیس علی الخراسانی عفی عنه و عن والدیه بر صفحهٔ این صحیفه اجرا یافته تا اینکه از این حقیر هم نخودی در آش و تاری در قماش در این صفحهٔ ایّام باقی مانده شاید ببرکت اجداد طاهرین مؤلّف از برای این عبد عاصی در یوم الفزع الاکبر نجاة و خلاص حاصل آید

تعالی الله ازین تالیف کامل    که در روی جمع آمد هر اوائل
تعالی الله ازین شیرین کتابی    که نبود در کتب آن را مماثل
چو عقل اوّل ایرا اوّل کتابیست    که در جمع اوائل گشته حاصل
ز هر اوّل درین فن آمد آغاز    ز هر شهر و دیار و هر قبائل
دران بنهاده بحری از معانی    بالفاظ خوش و لطف و شمائل
لبی پر تو گهر بنهفته در وی    که رخشان هر درش همچون مشاعل
کتابی همدم ارباب دانش    کتابی مونس اهل فضائل
ممهّد اندران اثبت تاریخ    بوجهی شامل و بر نحو کافل

ندیده دیدهٔ اهل بصیرت    چنین تالیف با چندین شمایل
ز نوک خامهٔ استاد تحقیق    جمال عقل و دین صدر افاضل
جمال الدین محمد آنکه آمد    بدانش فخر اقران و اماثل
مهین نوباوه ختم رسالت    حسین و مرتضی را خوش سلایل
فروزان کوکب درج مناقب    درخشان گوهر درج خصائل
ازو علم رجال آمد مسدد    چنانچه در حدیث آمد وسائل
محیط دانش او بیکرانه    بحار بینش او بی سواحل
کلامش گشته مفتاح تواریخ    بیانش جمله مصباح مشاکل
ز تصنیفات وی اندر جوانی    بدیت او زده هر پیری رسائل
حروفش تحفة الاخوان سالک    رموزش درة البیضاء عاقل
رئیس از بهر تاریخش شب و روز    چو مهر و مه روان در هر مراحل
که ناگه هاتف غیبش بگفتا    بگو شد نام اخبار الأوائل

## تقریظ منظوم از جناب قدوة الافاضل آعزة الاطباء الأدیب الأریب اللبیب مولانا السیّد مهدی الطبیب الحائری المشهور بالشهرستانی دام عمره

جزیت خیراً جمال الدین حین سمت
منك العلوم وکان العلم مهجورا
فقشعت ظلمات قد اطلّ بها
جماله فاستنار الحقّ تنویرا
احیا الأوائل اعجازاً بما رقمت    منه الانامل منظوماً ومنثورا

كيف التّكير وتاليفاته نطقت
بفضله وبعيهاء مشكورا
فانظر الى كتبه تنظر الى صور
فيها النّفوس اقامت للعلى سورا
ما معظل قطّ الاّ قد انار بها
برهانه واضال الشّكّ تفسيرا
سل البلاغة هل تذكو لمنطقه
لدى البيان بديعا كان ماثورا
سقيا لأجداث اباء له سلفت
وعلمهم ظلّ في الأجداث مسطورا
حتّى اذا نهضت ابناءها ورثت
وقد بدا منهم ما كان مغمورا

تقريظ منظوم من جناب المستطاب زبدة الفضلاء العالم الفاضل الأوحد الكامل الموحّد مولانا صارم الدّين الميرزا محمّد زيد عمّه سبط العالم الرّبّاني والفاضل الصّمداني مولانا محمّد صادق الأردستاني اليزدي الحائري طاب رمسه

عماد الواعظين محمّد من … تنزّه من صباه عن الرّذائل
جمال الدّين من عليا نزار … حليف المجد من خير القبائل
تحلّى بالمكارم والمآثر … تحلّى بالمحاسن والفواضل
زكيّ لوذعيّ ألمعيّ … ربيب العلم محسود الأماثل

توار

توارث عن ابيه الفضل قدما   وكان ابوه ينبوع الفضائل
شريف الأصل ممدوح السّجايا   جليل القدر محمود الخصائل
له فى لمكرمات سموّ صدقٍ   له فى فضله كم من دلائل
فيها ما يزيد العين نورا   ويسلو منه قلب كلّ ثاكل
كتاب مستطاب ارّخوه   ليسرّ القلب اخبار الأوائل

تقريظ منظوم من جناب الفاضل الجليل والعالم النّبيل الشّيخ موسى الحائرى دام عمره العالى صاحب كتاب تحقيق الأحكام

بشراكم قد اتاكم خير تاليف   بخير طرز واسلوب وتوصيف
من بحر فضل جمال الدّين من سمكا
سماء مجد وتفخيم وتشريف
كفاه تاليفه فضلا وفيه غنا
عن ذكر مدح وتبجيل وتوصيف
احيا بما فيه اخبار الأوائل فا
المرجوّ خير الجزآء عن كلّ عطريف

تقريظ منظوم از جناب مستطاب فاضل كامل شاعر ماهر اديب اريب آقا سيد هاشم واعظ خلف مرحوم جناب قدوة الفقهاء العظام محقّق الحقائق مولانا الحاج سيّد محمّد باقر الطّباطبائى اليزدى طاب ثراه صاحب كتاب وسيلة الوسائل فى شرح الرّسائل

اگر خواهى كه از اخبار ايشان با خبر باشى   بخوان هر دم ز فرط شوق اخبار الاوائل

وگر خواهی ز اسرار لدنی آگهی یابی
که بنمائی توصیف خویش هر آگاه کامل را
چه خوش باشد که باوی انس گیری تا دم مردن
که مونس گشته او پیوسته ارباب فضائل را
حکایت کل و جز از لوح محفوظ خداوندے
که موجود است و هستی داد عالم را بجا اهل را
سل البلاغه بنویسند بر رخسار حور العین
روا باشد چه الفاظش منور میکند دل را
سقیا الاحداث اباء در درج دانش و بینش
که وصف ذات او حیران نماید عقل عاقل را
حقی آل احمد اطهر دلیل شرع پیغمبر
مثال جدّ خود حیدر نکو کرده خصائل را
جمال الدین و الدّنیا محمّد زاده زهرا
که اندر عصر خود فخر است اقران و اماثل را
بود تاریخ تالیفش بعهد ناصر الدّین شه
نبیند در جهان چشمی چنین سلطان عادل را
شهنشاهی که با اقبال گردید از ازل توام
نزاید مادر گیتی چه او فرزند مقبل را
چه رفتی یکهزار و سیصد و هفت بایک از هجرت
بانجام آمد این تالیف و زایل کرد باطل را

بمدح این کتاب ای قطب عقلت شد چنین عاجز
که در عمرت نخواهی هرا نمود اینگونه مشکل را

تقریظ منظوم از جناب مستطاب قدوة الفضلاء العابد
الزاهد الشاعر الماهر المعاصر المحول الافاق شیخ جواد الله زوفی
الحایری المتخلص بواقف سلمه الله تعالی بو کتاب [illegible] اسرار الائمة
لمعات النیر ومونس ارباب الفضائل
تحقیق الاحکام

تبارک الله ازاین اختتام طرفه کتاب
بزرع علم تو گوئی چه وصف و توصیف
سحاب فضل همانا بفصل نیسانی
هفت در صدفه وتشریف
گرفت مریم هر از غیب روح قدس
هزار عیسی جان آفرین بهدیف
برغم مدعیان نو عروس حجله فضل
فکند از رخ معنی هزار گونه نقاب
بر پرده چند سخن فاش گویمت بملا
که این کتاب در این علم گشته فتح الباب
در اوست مندرج اخبار هم او ائمه هم
یگانه گوهر پر قیمتیست بس نایاب
نخست نقش کتابیست از مؤلف آن
که متقن است ومسلم بصحه اصحاب

بیان وی همه نغز [illegible] ادیب عصر
[illegible] بعقل فصل خطاب
مورخین همه [illegible] شاب و شیخ
محدثین همه در مدحش ز شیخ و شاب
انیس [illegible] افاضل کمال
جلیس مجلس مثلی دبر اولوا الالباب
ازانکه [illegible] رقم ز نوک خامه بجهل
جمال ملة والدین سلالة اطیاب
[illegible] رسائل جامع لغات و علوم
حسین نژاد و حسن نسبت و تمام نسب
ربوده گوی سعادت ز همگنان در فضل
چنانچه مفتخر است در جهان بعلم و زباب
همین بس است بفضلش که در هدایت خلق
گرفته مسلک پیران دین بعهد شباب
برتبه مجلسی عصر خویش در تالیف
گرفته از کل اخبار روزگار کلاب
بکار سرعت تحریر نوک خامه او
رقم زند ز دو صد قصه در ذهاب و ایاب
بیان وصف چنین نو خجسته بیکرانست.
ز وین تالیف توان گشت عالمی سیراب

زبان

زبان ببند تو وامق ز مدح و منقبتش
گذار قصهٔ مدحش سوی دعا بشتاب
الا هماره فلک تا که پر ستاره بود
همیشه تا که بباید مطر ز خلق سحاب
بجلوه روی محبش بانبساط سرور
بگریه چشم حسودش چه ز ریزش میزاب

مؤلف این رساله معروض می دارد که در این ایام جناب قدوة الفضلاء الکرام اقا شیخ جواد دزفولی الاصل که صاحب تقریظ منظوم است ساعت صحن نجف را که از موقوفات جناب جلالت مآب میرزا اسماعیل خان امین الملک دام است انچه در شبانه روز که بیست و چهار ساعت است ربع و نیم و سه ربع تمام میزند در حساب اعداد باین مصرع اخر مطابق نموده است و مجموع زدن ساعت در شبانه روز ششصد و سی و شش هست)

ساعت صحن که بد باو ز جلی
۶۳۶
صد محمد ای قوام دین علی

مذکور اشهر توأم برقوم افتاد

تمت

سنة نبل بصیر
رمضان اسیر احوال

الانبیاء والائمة علیهم لتقیة والرجعة نجات
المذنبین فی مصائب ین لطائف الاقوال فی
معرفة الرجال ب الظلامة فی اسماء ١١٢ ١٨
تاریخ ریاض [illegible] عرائس
البلاد الفضلاء وروضة الشعراء اخبار الاوائل
ومو بفضائل که مبین کتاب است ریاض الملوک
فی یر والسلوک مشتمل علی الجداول والبیوت
المصنفین من العلماء وترجمة المؤلفین من الفضلاء
ح التواریخ فی ذکر حالات السلاطین الصفویه
سوانح عمری ماه ومهر فی تاریخ بوشهر تحفة الاخوان
فی احوال سید العارفین آقاخان الحسینی المحلاتی ر
الناصریه مخزن الدعوات المجربه نجوم الارض فی ذ
محدثین العصر الذین اطاعة الناس لهم فرض احسن
التقویم فی الاختیارات بحر الحقائق وکشف الدقائق
فی الاشعار کتاب الکشکول المسمی بفوائد ال ١١٢
وفوائد الحاوین ربیع القلوب
زبدة الاخبار فی تاریخ ا
تحفة الانام فی شر
احوال بنی آدم م
التواریخ فی تا